کارشناسان اقتصادی می‌گویند تبعات منفی خروج سیمان و فولاد از بورس کالا از اثرات مثبت احتمالی آن خطرناک‌تر است

آدرس انحرافی خروج سیمان و فولاد از بورس کالا

صفحه ۱۶

۲ و ۱۴

فرهیختگان

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید رادیو مضمون: روایت سال‌های جنگ

شماره مسلسل ۴۷۰۴
سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲
۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۵
۲۶ سپتامبر ۲۰۲۳
شماره ۳۹۶۶

www.Fdn.ir | Tue | 26 Sep 2023 | vol.15 | No. 3966 | 16 Pages

بازخوانی بزرگ‌ترین خیانت تاریخ ایران در آستانه جنگ تحمیلی

پهلوی شریک صدام بود

گزارش ویژه «فرهیختگان»: شبکه نمایش خانگی در ۶ ماه اول سال نتوانست برگ جدیدی رو کند و کیفیت عمومی آثار کاهش پیدا کرد

پلتفرم‌ها درجا زدند

۱۲ و ۱۳

«فرهیختگان» از تغییرات آیین‌نامه مقررات آموزشی وزارت علوم گزارش می‌دهد

عبور از سد آزمون جامع دکتری با ۳ شرط جدید

۵,۴

تعداد مهاجران ثبت‌نشده افغانستانی زیاد است، هیچ برنامه‌ای برای آنها در ایران نداریم

مهمان‌های مامان

۷

چرا با وجود دستور رهبر انقلاب، مجمع تشخیص مساله قولنامه‌ها را حل نمی‌کند؟

قولنامه‌ها و تشخیص غلط یک مصلحت

۲

کلید اسرار بر قفل صندوق‌های قرض‌الحسنه

روایتی از شگرد جدید فرار مالیاتی در استان فارس

یادداشت

محمدرضا کارگذار
خبرنگار

برای فرار چاره‌ای نیست جز اینکه تونلی حفر شود یا از دیواری بالا رفت یا قفلی شکسته شود. اما این بار فراریان، نعل وارونه زده‌اند؛ قفلی بر صندوق‌های قرض‌الحسنه...

حتما پیش از این، هنگام مراجعه به مطب برخی پزشکان یا خرید مایحتاج زندگی در بازار با شنیدن جمله‌هایی مثل «دستگاه کارتخوان نداریم، نقد حساب کنید، کارت‌به‌کارت کنید» متعجب شده بودید یا حداقل اینکه گزارش برخورد با «شرکت‌های صوری، سوءاستفاده از کارت‌های بازرگانی، دریافت وجوه غیرنقدی از قبیل سکه، ارز و... یا حساب‌سازی در برخی شرکت‌ها»، که نمونه‌هایی از فرار مالیاتی در کشور هستند را از تلویزیون شنیده بودید.

اما شیوه جدید فرار مالیاتی که در ادامه به بیان آن خواهیم پرداخت حتما برایتان جالب و شنیدنی خواهد بود. متعجب می‌شوید و انگشت به دهان می‌مانید که فراریان مالیاتی چه شگردهای جدیدی برای رسیدن به اهداف خود پیدا کرده‌اند و هر روز، شیوه‌های جدیدتری برای دور زدن قانون از خود به نمایش می‌گذارند. فارغ از اینکه بدانند، شمشیر عدالت غلاف ندارد. پس هر آنچه حاکم عادل کند همه داد است...

قصه از یک تصمیم شروع شد؛ تحول نظام مالیاتی و هوشمندسازی مالیات‌ستانی در کشور. برای تحقق این هدف باید تمامی فعالیت‌های اقتصادی در کشور شفاف و مالیات‌ستانی مبتنی بر داده و اطلاعات می‌شد. در اجرای این سیاست، با رصد تراکنش‌های بانکی مشکوک توسط سازمان امور مالیاتی، برخی افراد و شرکت‌ها از حجم بالای گردش حساب‌های بانکی خود دچار نگرانی شدند و راهکارهای جدیدی را جایگزین استفاده از حساب‌های بانکی خود کردند به نحوی که برخی از اعضای صنف‌های مختلف بعضا با تشکیل و ثبت صندوق قرض‌الحسنه یا متمرکز کردن فعالیت‌های مالی خود در صندوق‌های قرض‌الحسنه موجود، اقدام به کتمان درآمد و فرار مالیاتی کردند. این صندوق‌ها با واسطه قرار دادن حساب‌های خود نزد بانک‌ها، فعالان اقتصادی را ترغیب می‌کردند که گردش مالی و تراکنش‌های بانکی خود را از دید نظارت بانک مرکزی و سامانه‌های سازمان امور مالیاتی مخفی نگاه دارند.

نحوه فعالیت متخلفان (در این تخلف) به‌نحوی است که متخلفان فرار مالیاتی یا پولشویی، حساب‌های بانکی خود را درگیر انجام تراکنش بانکی نمی‌کنند و با عضویت در صندوق‌های قرض‌الحسنه، در مواقع واریز وجوه دستور واریز به حساب شخص ثالث را به «صندوق قرض‌الحسنه» می‌دهند و در هنگام دریافت وجه دستور ارسال وجه به «حساب صندوق قرض‌الحسنه» را می‌دهند. در این تخلف آنچه بانک مرکزی و سازمان امور مالیاتی و نهادهای نظارتی از جمله مرکز اطلاعات مالی و مبارزه با پولشویی وزارت اقتصاد در فرآیند نظارت‌شان مشاهده می‌کنند مراودات مالی «صندوق قرض‌الحسنه» با اشخاص حقیقی و حقوقی بدون شناسایی منشأ این واریزی‌هاست. به این واسطه افراد متخلف می‌توانند بدون پرداخت مالیات ادامه فعالیت دهند؛ چراکه حساب‌شان نزد بانک‌ها، گردش خاصی نخواهد داشت و این حساب صندوق قرض‌الحسنه است که انجام‌دهنده تراکنش‌های مورد نیاز آنان است. از این رو شخص اصلی انجام‌دهنده در مرحله اول شناسایی نمی‌شود و درصورت نیاز، نهادهای نظارتی مجبور به بازرسی فیزیکی اسناد خواهند بود که امری زمان‌بر است آن هم اگر این اسناد در صندوق قرض‌الحسنه از بین نروند. از این رو متخلفان مالی می‌توانند ماهیت مجرمانه خود را پشت حساب‌های صندوق قرض‌الحسنه مخفی نگه دارند و از نظارت اداره مالیات نیز دور بمانند. این موضوع، تنها بخشی از کارکرد احتمالی برخی صندوق‌های قرض‌الحسنه در راستای فساد، پولشویی یا فرار مالیاتی است.

اما سازمان امور مالیاتی چگونه متوجه این قبیل فرار مالیاتی شد؟ برخی از مودیان فعالیت اقتصادی زیادی داشتند و در واقع رتبه ۱ تا ۵ از نظر حجم فعالیت در بین هم صنفی‌های خود داشتند ولیکن با بررسی حساب‌های بانکی فعال اقتصادی و خانواده آنها مشخص شد گردش مالی آنها متناسب با فعالیت‌شان نیست. نکته دیگر اینکه در ثبت‌نام کد اقتصادی وقتی کد ملی شخصی رو سرچ کنیم تمام پرونده‌هایی که آن فرد در آن نقش دارد قابل رویت هست از این طریق مشخص شد بعضی از همان مودیانی که فعالیت اقتصادی زیادی دارند، در هیات مدیره یا هیات امنای صندوق‌های قرض‌الحسنه (حقوقی) حضور دارند (مثلا مودی خودش آهن‌فروش هست ولی هیات مدیره صندوق قرض‌الحسنه x) مورد دیگر وجود صندوق‌های قرض‌الحسنه به صورت عمومی بین صنوف خاص بود، می‌دانیم فلسفه وجودی این صندوق‌ها کمک به اقشار نیازمند (بدون شغل و درآمد، خانم‌های دارای مشاغل خانگی و... که از نظر درآمدی ضعیف هستند، می‌باشد. لذا وجود این صندوق‌ها در مرکزهای تجاری یا خیابان‌های با مرکزیت تجاری که مثلا بورس آهن‌فروشان یا بورس الکترونیک، موضوعیت نداشت. نکته دیگر اینکه سازمان امور مالیاتی سراغ صندوق‌های رفت که اطلاعات خوبی داشتند مثل صندوق تعاون (آهن‌فروشان، لوله‌فروشی‌ها و فروشندگان لوازم ساختمانی) صندوق‌های تعاون نیز متمرکز در مرکز آهن‌فروشان و... (اقشاری که نیازمند نبودند) و گردش مالی بالایی داشتند مستقر بود. و بخشی دیگر از اطلاعات در این خصوص نیز از خود مودیانی به دست می‌آمد که به واحد اجرایی تراکنش‌ها و مبارزه با فرار مالیاتی فراخوان می‌شدند و مشمول مالیات و جرائم سنگین بودند که می‌گفتند اگر مشابه سایر هم صنفیان پول‌مان را به جای حساب بانکی خودمان در صندوق‌های قرض‌الحسنه قرار می‌دادیم قابل شناسایی نبودیم. درنهایت از طریق موارد مذکور و با علم به اینکه صندوق‌های قرض‌الحسنه به شبکه بانکی متصل نیستند که این موضوع خود منجر به کتمان درآمدها می‌شود، سازمان امور مالیاتی به موضوع بررسی این صندوق‌ها ورود پیدا کرد.

درحال حاضر تعداد ۲۴۷ صندوق قرض‌الحسنه در سطح استان فارس در سامانه کد اقتصادی اداره کل امور مالیاتی این استان دارای ثبت‌نام بوده که از این تعداد، ۳۰ صندوق قرض‌الحسنه مربوط به فعالیت صنف‌های مختلف از جمله سنگ، آهن، رستوران، لوازم بهداشتی و ساختمانی، لوازم الکتریکی و... هستند شناسایی شده و شش مورد آن در اجرای ماده ۱۸۱ قانون مالیات‌های مستقیم مورد بازرسی قرار گرفت، اسناد و مدارک موجود مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آن شناسایی تعداد یک هزار و ۴۷۴ مودی با گردش مالی بالغ بر ۱۲ هزار میلیارد تومان بوده است که تاکنون تعداد ۶۰۸ دوره و عملکرد، مشتمل بر ۱۳۶ مودی با مبلغ پنج هزار و ششصد میلیارد تومان فروش و مبلغ ۲۸۳ میلیارد تومان مالیات (شامل مالیات عملکرد، ارزش افزوده و کتمان) مورد مطالبه قرار گرفته و اوراق تشخیص تعدادی از این مودیان صادر و مابقی نیز در مرحله تهیه گزارش رسیدگی و صدور برگ تشخیص مالیات جهت مودیان مربوطه است.

اما با توجه به اینکه برخی از این صندوق‌ها با هدف انجام سنت خداپسندانه قرض‌الحسنه و بانکداری اسلامی تاسیس شده و مشغول به خدمت‌رسانی به افراد نیازمند هستند، لذا این موضوع مورد توجه قرار گرفته و با تحقیق و بررسی جامع و کافی نسبت به شناسایی و تفکیک این‌گونه صندوق‌ها از سایر صندوق‌های دیگر اقدام شده است.

اما طبق هشدار اخیر بانک مرکزی در این زمینه ضروری است مسئولان صندوق‌های قرض‌الحسنه ضمن هوشیاری و آگاهی از قوانین و مقررات ناظر بر مبارزه با پولشویی، اجازه سوءاستفاده از حساب‌های بانکی صندوق‌ها را به اشخاص سودجو نداده و صرفا در چهارچوب مفاد دستورالعمل‌های اجرایی ناظر بر فعالیت صندوق‌های موصوف، نسبت به دریافت و پرداخت قرض‌الحسنه با هدف رفع نیازهای ضروری اشخاص در راستای ترویج سنت اسلامی قرض‌الحسنه و افشای شفاف گزارش‌های مالی، فعالیت کنند. درصورت سوءاستفاده افراد سودجو با درگیر کردن حساب‌های بانکی صندوق‌های قرض‌الحسنه جهت انجام معاملات تجاری، علاوه بر افراد فوق، مسئولان صندوق‌های قرض‌الحسنه نیز باید پاسخگوی اقدامات خود باشند.

همچنین اصناف، مشاغل و فعالان اقتصادی در راستای شفافیت در انجام مبادلات مالی و پیشگیری از هرگونه بروز تخلف، کلیه تراکنش‌های بانکی به منظور انجام مبادلات مالی را صرفا از طریق حساب‌های بانکی متعلق به خود انجام دهند. بدیهی است تلاش برای انجام فعالیت‌های متقلبانه و پنهان‌سازی فعالیت‌های تجاری و تراکنش‌های بانکی از طریق حساب‌های بانکی صندوق‌های قرض‌الحسنه علاوه بر اینکه می‌تواند تحت عناوین مجرمانه پولشویی و فرار مالیاتی تحت پیگرد قرار گیرد تبعاتی نظیر ایجاد محدودیت در دریافت خدمات بانکی و نقل و انتقال وجوه را برای صندوق‌های قرض‌الحسنه خاطی و سایر افراد متخلف در این خصوص در پی خواهد داشت.

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر حسین انتظامی

درگذشت مادر گرامی‌تان را تسلیت گفته، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت و مغفرت الهی و برای شما و خانواده محترم‌تان صبر و اجر مسالت داریم.

روزنامه فرهیختگان

انا لله و انا الیه راجعون

برادر گرامی جناب آقای دکتر حسین انتظامی

خبر درگذشت والده مکرمه جنابعالی موجب تاثر و تاسف فراوان گردید. اینجانب درگذشت آن فقیده سعیده را به جنابعالی، خانواده و وابستگان معزز تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت واسعه الهی و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و اجر مسالت دارم.

علی‌اکبر ولایتی

متحدها
WE ARE UNITED

چهل و سومین فصل ایستادگی، مقاومت و پیروزی ملت ایران در حماسه دفاع مقدس گرامی باد.

هفته دفاع مقدس | ۳۱ شهریور تا ۷ مهر

Sacred Defense Week | September 22-29

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

۱۰ مهرماه ۱۳۶۱، منطقه سومار، عملیات مسلم بن عقیل (ع)، عکاس: علی فریدونی

سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

بازخوانی بزرگ‌ترین خیانت تاریخ ایران در آستانه جنگ تحمیلی

پهلوی شریک صدام بود

عطیه همتی
دبیر گروه نقد روز

رضا پهلوی، فرزند محمدرضا پهلوی که این روزها درگیر برنامه‌های خود است تا رهبری اپوزیسیون را به عهده بگیرد و مخالفان جمهوری اسلامی بر سر وی توافق کنند، سال‌هاست برای اثبات ایران‌دوستی‌اش به اعلام آمادگی خود برای شرکت در جنگ ایران و عراق اشاره می‌کند. او که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران ۱۸ سال بیشتر نداشت و در آمریکا حضور داشت تا آموزش خلبانی‌اش را تکمیل کند، دیگر نتوانست به ایران برگردد و در زمان حمله عراق به خاک ایران نیز ۱۹ ساله بود که در پیامی که با آب‌وتاب از آن یاد می‌شود برای حضور در نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در جنگ اعلام حضور کرد. متنی که از وی در رسانه‌ها منتشر شد این بود: «خبری دیگر از قاهره. بنا به گزارش‌ها، فرزند شاه، شاهزاده رضا پهلوی آمادگی خود را برای خدمت در نیروهای مسلح ایران اعلام کرده است. او در پیامی که برای ستادکل قوا فرستاد گفت آماده هستم تا خون و جانم را در جنگ با عراق بدهم. رضا که ۱۹ ساله است خلبان آموزش‌دیده در آمریکا است.» اما این همه ماجرا نیست. پهلوی‌ها با اینکه ژست میهن‌پرستی را در ابتدای جنگ خوب بازی کردند ولی طبق اسناد و مدارک، بختیار آخرین نخست‌وزیر پهلوی از تدارکاتچی‌های ویژه حمله عراق به ایران بود که نشان می‌دهد پهلوی جنگ ایران و عراق را اتفاق مبارکی برای بازگشت خودش به ایران می‌دانست. پادکست رادیومضمون کاری از گروه پادکست‌های «همیشه در میان» و روزنامه «فرهیختگان» به‌خوبی به این موضوع اشاره کرده است که بخش‌هایی از آن را در ادامه می‌خوانید.

آرزو می‌کنم صدام برنده باشد!

بعد از عملیات نصر و سیل مصنوعی هر دو طرف در لاک دفاعی خود فرو رفتند تا مواضع پدافندی‌شان را تقویت کنند. رضا پهلوی که از همان آغاز انقلاب اسلامی با رسانه‌ها مصاحبه می‌کرد و می‌گفت که بالاخره یک روز دوباره برمی‌گردیم و قدرت را دست‌مان می‌گیریم در یکی از مصاحبه‌هایش در شش فروردین ۶۰ حرف مهمی زد و گفت خطری که اکنون پیش روست مساله سلطنت و جمهوریت نیست، بلکه مساله موجودیت ایران است و ابراز امیدواری کرد تمام مردم ایران اختلافات خود را کنار گذاشته و برای عقب راندن عراق متحد شوند. این در حالی است در همین ایام شاپور بختیار اعلام کرد ما با صدام منافع مشترک داریم و نه‌تنها از حمایت رژیم بعث برای ضربه زدن به ایران استفاده کرد بلکه با صدای بلند گفت آرزو می‌کنم صدام در جنگ عراق پیروز شود. یونایتدپرس این مصاحبه شاپور بختیار را منعکس می‌کند و در تشریحش می‌آورد که بختیار می‌گوید چون ایران الان نه پول دارد و نه نفت و نه از حمایت کشورهای دیگر برخوردار است، هیچ امکانی هم برای پیروزی ندارد و بختیار احتمالا ترجیح داده که برود سمت برنده احتمالی بایستد حتی اگر مشغول کشتن مردم و اشغال خاکش باشد و اسناد مکتوب این حمایت و همکاری را هم می‌توانید در سایت رادیومضمون به نام همیشه در میان و در شبکه‌های اجتماعی رادیومضمون ببینید و بخوانید.

به ایران حمله کنید؛ ارتش با ماست!

در ۱۱ دسامبر ۱۹۷۹ ترنر (رئیس سازمان سیا در زمان کارتر) برای برژینسکی گزارشی می‌نویسد و لابه‌لای آن می‌گوید شاپور بختیار موکدا درخواست ملاقات با یکی از افسران سیا را دارد. در همین یادداشت می‌نویسد که بختیار برای مقابله با آیت‌الله خمینی از ما کمک می‌خواهد و توقع دارد که ما از همه دولت‌ها برایش حمایت جذب کنیم. ترنر البته به حمایت مستقیم صدام و رژیم بعث از بختیار و ژنرال اویسی (فرمانده نیروی زمینی شاه) هم پرداخته و توضیح می‌دهد شرط صدام این است که بختیار از حمله عراق به کویت حمایت کند و بختیار هم وعده داده که مخالفتی با الحاق کویت به عراق ندارد. بر مبنای همین گزارش است که کارتر برای برژینسکی یک نامه محرمانه می‌فرستد و می‌گوید بختیار آدم خطرناکی است چون ممکن است به همدستی آمریکا با عراق در مساله کویت اشاره کند. طبق این اسناد صراحتا نوشته شده که یکی از عوامل تحریک صدام برای حمله به ایران، بختیار بوده چون دائم به صدام و بقیه می‌گفت کار آیت‌الله به یک ماه و یک هفته نمی‌کشد و ارتش بسیار ضعیف شده است. از طرفی بختیار واقعا خیال می‌کرد حمایت ارتش را دارد چون به خیالش ژنرال اویسی میان ارتشی‌ها هواداران زیادی دارد و با همین گزارش‌های بی‌پایه و بی‌سند صدام را تشویق به حمله به ایران می‌کرد.

حسابی که صدام روی ارتشی‌ها باز کرد از کجا بود؟

ارتشبد غلامعلی اویسی، فرمانده نیروی زمینی ارتش شاهنشاهی بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در پاریس مستقر می‌شود. اویسی از سوی شاه به عنوان رئیس گروه‌های اپوزیسیون و برانداز معرفی می‌شود و قرار است همه براندازان از او حمایت کنند. اویسی همراه با تیمسارهای ارتش شاهنشاهی و برخی از ارتشی‌هایی که از ایران رفته بودند، رفت‌وآمدهای زیادی به آمریکا و بغداد داشت و کمک‌های مالی زیادی هم از پهلوی‌ها، رژیم بعث عراق و برخی دولت‌ها مانند عربستان سعودی گرفت. اویسی از این جهت بسیار مهم است که بختیار به پشتوانه وی و نفوذی که میان ارتشیان داخلی و خارجی داشت و اطلاعاتی که از وضعیت نظامی و تسلیحات ایران در اختیار صدام می‌گذاشت، حساب ویژه‌ای روی شکست جمهوری اسلامی ایران باز کرده بود و همین اطلاعات باعث جلب نظر صدام شده بود. گویی که بختیار رویاهای صدام را با سند و مدرک زیر گوشش می‌خواند و او را تشویق به تحقق رویاهایش می‌کرد تا آنجا که «رعدالحمدانی» یکی از فرماندهان مهم ارتش عراق درباره این اطمینان می‌گوید: «اعتماد صدام به ارتشیان ایرانی در خارج بود. بنا بود آنان به داخل ایران بروند و با همیاری هم‌رده‌های پیشین مخالف و باقی‌مانده در داخل و اعضای جبهه ملی، رژیم انقلابی را سرنگون کنند. این جنگ را به مدت چهار تا شش هفته پیش‌بینی کرده بودیم. ادامه جنگ به مدت هشت سال را هرگز نمی‌توانستیم در ذهن خود تصور کنیم.»

شکست ایران توسط صدام به قدری برای پهلوی‌چی‌ها محتمل به نظر می‌رسید که قرار بود بعد از حمله صدام به ایران، وی بخشی از ایران را تصرف کند و آنجا را به دست اویسی بسپرد. اویسی هم آنجا را ایران آزاد اعلام کند و ارتشی‌های دلبسته پهلوی را دور هم جمع کند و با کمک آنها نظام جمهوری اسلامی ایران سقوط کند.

۲ میلیون ایرانی هم مُرد، مُرد!

شاپور بختیار را می‌توان پررنگ‌ترین چهره از حکومت پهلوی دانست که به شکل علنی در جنگ ایران و عراق، طرف عراقی ایستاد. مصاحبه وی درباره جنگ ایران و عراق به شکل کاملا واضح و روشنی نشان می‌دهد که پهلوی‌چی‌ها ولو به قیمت از بین رفتن جوانان و مردم ایران و حتی تجزیه خاک کشور حاضر بودند دوباره به قدرت برگردند و برای همین با اطلاعات بی‌پایه صدام را تشویق به جنگ علیه ایران کردند. بختیار در مصاحبه‌ای درباره قول عراقی‌ها به خودش می‌گوید: «من قولی از هیچ‌کس نمی‌خواهم ولی منافع مشترکی هست بین افکاری که من دارم و دولت عراق. ما هر دو مخالف رژیم خمینی هستیم، به همان دلایلی که از مدت‌های قبل تاکنون من بیان کردم.» همچنین او در یکی از نوارهای صوتی‌اش که از عراق پخش می‌شد و از فعالیت‌های رسانه‌ای رادیویی‌اش بود، می‌گوید: «ایران را از پای درآورید. عیب ندارد که یک میلیون تا دو میلیون ایرانی بمیرند. ایده‌آل ما ایده‌آل دیگر و بزرگ‌تری است.»

در سال ۶۱ و بعد از التهابات منطقه کردستان و حتی برخی غائله‌های به وجود آمده در خوزستان توسط خلق عرب، در بلوچستان نیز متاثر از کردستان، خلق بلوچستان نیز سر بیرون می‌آورد. گروهک‌ها با تشویق برخی نخبگان بلوچ، متاثر از نگاه چپ، آنها را به استقلال‌خواهی دعوت می‌کنند. بختیار هم در منطقه بلوچستان فعال می‌شود و تشکل‌های مسلح آنجا را به وجود می‌آورد و پول زیادی هم در آن منطقه خرج می‌کند. کمی بعد خلق مسلمان ایران در تبریز، زیر نظر آیت‌الله شریعتمداری، در آذربایجان و قم و تهران شورش دیگری را به وجود می‌آورند. در تمام شورش‌های ایجاد شده توسط گروهک‌های چپ، الگوی ثابتی به کار گرفته می‌شود. آنها به بهانه‌های قومیتی و اختلاف انداختن بین شیعه و سنی، در مناطق مختلف کشور نگرانی به وجود می‌آورند و با مسلح کردن برخی از هواداران به سرکردگی نیروهای ارتشی هواخواه رژیم پهلوی، پاسگاه‌ها یا پادگان‌های ارتش را تصرف می‌کنند و سلاح بیشتری به دست می‌آورند و با کشتار کور، مردم شهر را وحشت‌زده و به ناچار تابع خودشان می‌کنند. ابتدا در شهر شایع می‌کنند که امام خمینی، رهبر انقلابیون دستور داده اهل سنت را از بین ببرند. بعد که پیام امام می‌رسد و ایشان با علمای آن منطقه دیدار می‌کنند و به وحدت و هوشیاری بزرگان مذهبی یا ایلات و طوایف تاکید می‌کنند، مشخص می‌شود که موضع امام خلاف گفته‌های گروهک‌ها بوده است.

از افشای اطلاعات تا دزدی تسلیحات نظامی

طبق اسناد به جامانده از سفارت آمریکا و حتی سندهایی که بعد از جنگ تحمیلی رو شد یا حتی اعترافات و مستندهایی که ساخته شد، برخی از مقامات پهلوی حتی ارتش شاهنشاهی و روسای ساواک بعد از فرار از ایران به بغداد رفتند و برای نشان دادن برادری خود به رژیم بعث اطلاعات نظامی ایران را در اختیار دولت وقت عراق قرار می‌دادند. سرتیپ حمید شیرازی و سرهنگ هاشم کام‌بخش در سال ۵۸ با نفوذی که در نیروهای مسلح ایران داشتند اطلاعات نیروهای دریایی، هوایی و حتی اطلاعاتی از توانایی‌ها و مهارت‌های فرماندهان و خلبانانی را که به دست آورده بودند را در اختیار سرویس‌های جاسوسی آمریکایی قرار می‌دادند تا علیه جمهوری اسلامی ایران در حمله احتمالی استفاده شود. آنقدر که روزنامه نیویورک تایمز بعد از جنگ تحمیلی نوشت: «ژنرال‌های ایرانی که از ایران فرار کردند اطلاعات جنگی را در اختیار عراقی‌ها قرار داده‌اند.»

در یکی از علنی‌ترین رفتارهای ضدایرانی توسط خانواده پهلوی می‌توان به ربودن دو ناوچه موشک‌انداز ایران توسط شهریار شفیق، فرزند اشرف پهلوی اشاره کرد. آنها پیش خودشان پیش‌بینی کرده بودند این اقدام می‌تواند جزیره کیش را از حکومت جمهوری اسلامی گرفته و رضا پهلوی را در آن مستقر کند. همه داده‌های داده شده به‌خوبی بیانگر این است که پهلوی نه‌تنها مخالفتی با جنگ ایران و عراق نداشت بلکه حتی در آرزوی شکست ایران بود تا شاید بتواند دوباره سلطنت از دست رفته خود را به دست بیاورد. رویایی که هنوز بعد از گذشت بیش از چهل و چندسال با اطلاعاتی به همان اندازه بی‌پایه در پی تحقق آن است.

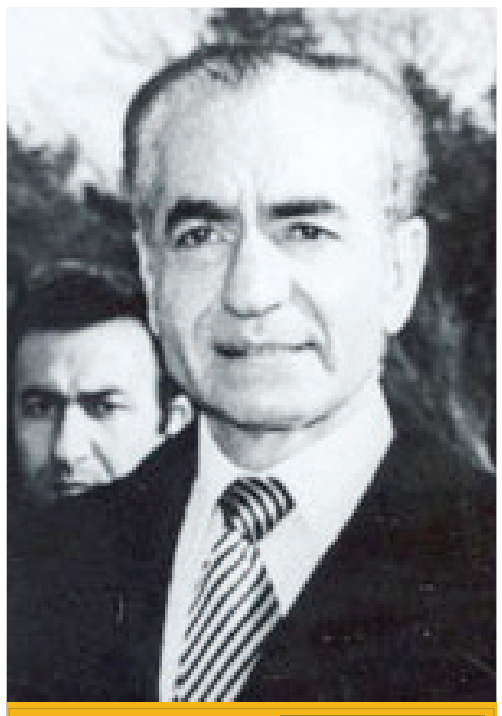

فصل جدید رادیو مضمون منتشر شد
روایت مضمون
سال‌های جنگ
@radiomazmoon

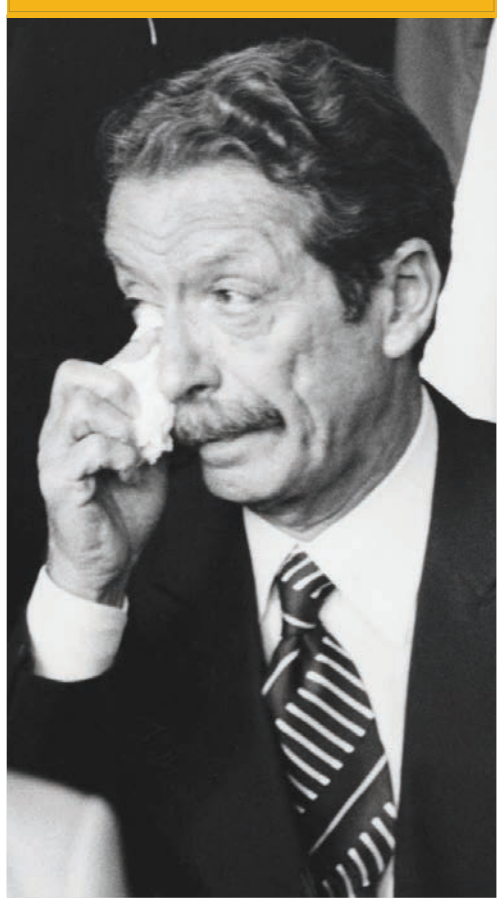

چرا باوجود دستور رهبر انقلاب، مجمع تشخیص مساله قولنامه‌ها را حل نمی‌کند؟

قولنامه‌ها و تشخیص غلط یک مصلحت

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

ممکن است در هر خانواده ایرانی دست‌کم یک نفر پیدا شود که ملکی را خریده باشد که آن ملک پیش از او به چند نفر دیگر فروخته شده است. حتی گاهی شنیده‌ایم که مستاجر یک خانه بدون اجازه صاحب‌خانه ملکی را به یک یا چند نفر فروخته و سپس گریخته است. این مساله حجم عظیمی از پرونده‌های حقوقی مرتبط به دعاوی ملکی را روی دست قوه قضائیه گذاشته که شکل‌گیری همه آنها ریشه در معاملات غیررسمی مبتنی بر اسناد عادی یا همان قولنامه‌ها دارد. دعاوی حقوقی شکل‌گرفته بر سر اسناد عادی علاوه‌بر اینکه چالش بزرگی برای خود طرفین دعوا محسوب می‌شود با اشغال کردن بخش زیادی از ظرفیت اجرایی قوه قضائیه روند رسیدگی به سایر پرونده‌ها را نیز فرسایشی کرده و تمام افرادی که گذرشان به قوه قضائیه می‌خورد را دچار معطلی‌های بی‌مورد و اعصاب‌خردکن می‌کند. چه بسیار افرادی که چندین ماه را در بازداشت گذرانده‌اند تا یک قاضی فرصت بررسی پرونده آنها را پیدا کند. قاضی که اگر درگیر انبوهی از پرونده‌های مرتبط با معاملات مبتنی بر اسناد غیررسمی نمی‌بود حتما پرونده‌های قضایی دیگر را سریع‌تر تعیین تکلیف کرده و مانع از شکل‌گیری تلقی ناعدالتی در ذهن بسیاری از مراجعان به دستگاه قضا می‌شد. تبدیل شدن اسناد عادی به یک ابرچالش در نظام قضایی این الزام را به وجود آورده که هرچه سریع‌تر تصمیمی جدی برای رهایی از آن اتخاذ شود.

مسیر اصلاح بدون هیچ‌گونه اطلاع ثانوی مسدود است

«الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول» عنوان طرحی است که سال ۹۵ با هدف پایان بخشیدن به چالش‌های حقوقی ناشی از معاملات غیررسمی تهیه و چهار سال بعد یعنی در سال ۹۹ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و همان سال نیز برای بار اول با ایراد شورای نگهبان به مجلس بازگشت داده شد. این اتفاق چهار بار دیگر تکرار شد تا بعد از پنج بار رفت‌وآمد طرح بین مجلس و شورای نگهبان درنهایت به دلیل تامین‌نشدن نظر شورای نگهبان و اصرار مجلس بر مصوبه خود، مجمع تشخیص موظف به تصمیم‌گیری درخصوص این مصوبه شود. آذرماه سال گذشته و پیش از آنکه طرح «الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول» به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شود، محسنی‌اژه‌ای رئیس قوه قضائیه در دیدار با قضات و کارکنان دستگاه قضایی استان گلستان با اشاره به مشکلات و معضلاتی که از ناحیه اعتبار داشتن اسناد عادی متوجه قوه قضائیه و مردم می‌شود، گفت: «ما در دستگاه قضایی مجدانه به دنبال اعتباربخشی به اسناد رسمی و رفع اعتبار از اسناد عادی هستیم.» پافشاری شورای نگهبان بر رد مصوبه مجلس باعث شد تا محسنی‌اژه‌ای پیشنهاد ورود مجمع تشخیص مصلحت نظام به دعوای شکل‌گرفته را مطرح کند؛ پیشنهادی که رئیس دستگاه قضا در دیدار آذرماه خود با کارکنان دستگاه قضا در گلستان آن را این‌گونه تشریح کرد: «ما اعلام کردیم که اگر شورای نگهبان نیز رفع اعتبار از اسناد عادی را خلاف شرع قلمداد کند، مجلس مصوبه‌ای در راستای زدودن اعتبار از اسناد عادی ارائه دهد و این موضوع برای اتخاذ تصمیم نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام برود.» در ادامه رهبر انقلاب نیز ششم تیرماه در دیدار با رئیس و کارکنان قوه قضائیه در نکته‌ای مهم، معاملات غیررسمی اموال غیرمنقول را از منشأهای بزرگ فساد خواندند و تاکید کردند: «باید از این‌گونه معاملات سلب اعتبار شود و اگر هم از دیدگاه شورای نگهبان به مصوبه مجلس ایرادی هست، مصلحت قطعی کشور و نظام، تصویب نهایی این قانون است.» نهایتا این مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد تا دعوای مجلس و شورای نگهبان در آنجا تعیین تکلیف شود.

مجمع تشخیص و تعللی غیرقابل توجیه

سه ماه از تاکید رهبر انقلاب بر لزوم اعتبارزدایی از معاملات غیررسمی اموال غیرمنقول گذشته است. با این وجود عدم اراده برای عمل به این توصیه رهبر انقلاب باعث شده رئیس کمیسیون قضایی مجلس در آنتن زنده تلویزیون از تعلل مجمع تشخیص مصلحت نظام در بررسی طرح «الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول» این‌گونه گلایه کند: «چرا بعد از دستور رهبر انقلاب، هنوز مصوبه بی‌اعتبارشدن قولنامه‌ها معطل مانده؟» اعتراض به تعلل مجمع تشخیص مصلحت نظام از جانب غضنفرآبادی به عنوان یکی از حاضران در جلسات کمیسیون حقوقی و قضایی این نهاد نشان از این امر دارد که مجمع در سه ماه گذشته اقدام شاخصی در عمل به نظر رهبر انقلاب نداشته است. با مرور اخبار بارگذاری شده در سایت مجمع نیز این بی‌عملی مسجل می‌شود. مطابق اخبار منتشرشده در این سایت در سه ماه گذشته هیچ جلسه‌ای برای بررسی طرح «الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول» در صحن و همچنین در هیات عالی نظارت برگزار نشده و اقدامات مجمع در این باره صرفا در برگزاری دو جلسه بررسی، آن هم در سطح کمیسیون حقوقی و قضایی خلاصه می‌شود که این دو جلسه یک ماه پیش برگزار شده است.

تکرار تلخ مصلحت

رئیس کمیسیون قضایی مجلس در ادامه گفت‌وگوی تلویزیونی خود متنی را خواند که نشان از تاکید مجدد رهبر انقلاب بر تصویب قانون مجلس داشت. در بند سوم این متن که غضنفرآبادی انتساب آن به رهبری را قابل بررسی دانست، آمده است: «اگر مجمع تشخیص مصلحت، مصلحت یقینی مورد نظر حقیر را تصدیق نمی‌کند، به تشخیص خود عمل کند.» در این متن که به گفته غضنفرآبادی پاسخی به نامه‌نگاری‌های اعضای مجمع با رهبر انقلاب است، ایشان تصویب طرح «الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول» را مصلحت یقینی مورد نظر خود توصیف کرده اما با این وجود به مجمع این اختیار را داده است که به تشخیص خود عمل کند. تشخیصی که احتمالا متضاد با نظر رهبری بوده و علت تعلل در بررسی طرح را نیز احتمالا باید در همین تضاد جست‌وجو کرد. تنها یک روز از صحبت‌های غضنفرآبادی نگذشته بود که دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب نسبت به هرگونه نقل‌قول غیرمستند از ایشان واکنش نشان داد و در خبری که در سایت دفتر منتشر شد، نوشت: «نقل‌قول هر مطلبی از رهبر انقلاب اسلامی (تحت عنوان شنیده‌شده یا به شیوه‌های دیگر) در فضای مجازی بدون آنکه مستند به سند متقن باشد فاقد اعتبار است. مرجع رسمی انتشار اخبار، سخنان و دیدگاه‌های رهبر انقلاب اسلامی، پایگاه اطلاع‌رسانی روابط عمومی دفتر مقام معظم رهبری و دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب است.»

مهم‌ترین عواید طرح

۱ جمع‌شدن بساط کلاهبرداری و پولشویی: معاملات غیررسمی از آنجایی که قابل رصد نیست فرصت خوبی برای فعالیت کلاهبرداران محسوب می‌شود چراکه می‌توانند از عدم اطلاع افراد نسبت به هویت مالکان اصلی اموال غیرمنقول بهره برده و یک معامله کاذب و غیرواقعی را رقم بزنند. معاملات غیررسمی اموال غیرمنقول همچنین یکی از مسیرهای راحت پولشویی برای گم‌کردن ردپول‌های کثیف محسوب می‌شود؛ لذا مهم‌ترین اثر ابطال معاملات غیررسمی و الزام به ثبت رسمی معاملات، جمع‌شدن بسترهای فساد‌خیز محسوب می‌شود.

۲ هدفمند شدن سازوکارهای مالیاتی: غیرقابل ردیابی بودن معاملات غیررسمی امکان ارزیابی دارایی‌های افراد را سلب کرده و اخذ مالیات از آنها را غیرممکن می‌کند حال آنکه در یک اقتصاد تورمی بازار املاک غیرمنقول همواره برای افزایش سرمایه جذاب محسوب می‌شود درنتیجه عدم وضع مالیات، املاک غیرمنقول را از کالای مصرفی به کالای سرمایه‌ای تبدیل کرده و دست مصرف‌کننده را از ملک مورنیاز خود کوتاه می‌کند. اولین گام در وضع مالیات‌های هدفمند شناسایی دقیق صاحبان املاک است که تحقق آن جز با رسمیت یافتن معاملات اموال غیرمنقول میسر نیست. در همین رابطه خردادماه امسال خاندوزی، وزیر اقتصاد نیز در نامه‌ای به مجمع تشخیص به‌منظور تسریع در تصویب این طرح تاکید کرد که «تصویب‌نشدن طرح اعتبارزدایی از قولنامه‌ها، اجرای قانون مالیات بر خانه‌های خالی و مصوبه مالیات بر سوداگری را که شورای نگهبان در حال بررسی آن است، با مشکل مواجه خواهد کرد؛ چون وقتی اسناد عادی معتبر باشند دو طرف معاملات ملکی خرید‌وفروش خود را بدون ثبت در جایی انجام می‌دهند.»

۳ برداشته شدن بار سنگین پرونده‌های ملکی از روی دوش قوه‌قضائیه: سبک‌تر شدن کار قوه قضائیه دیگر دستاورد مهم طرح «الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول» محسوب می‌شود که باعث می‌شود قوه از فرصت به‌وجودآمده برای تسریع در روند رسیدگی به سایر پرونده‌ها استفاده کند. این فرصت همچنین باعث می‌شود تا قضات با دقت بیشتری سایر پرونده‌ها را مورد بررسی قرار داده و طعم شیرین‌تری از عدالت را به کام جامعه بچشانند.

۴ اثبات حق مالکیت: یکی از آثار مخرب اعتباردهی به اسناد عادی در معاملات اموال غیرمنقول، تزلزل حقوق مالکیت است. با توجه به اعتبار اسناد عادی مربوط به اموال غیرمنقول، همواره این خطر وجود دارد که افرادی با در دست داشتن سند عادی درخصوص یک ملک یا زمین، ادعایی مطرح کرده و موجب ابطال سند مالکیت و زوال مالکیت دارنده سند رسمی شوند. این خطر موجب عدم استحکام مالکیت اشخاص و دولت است؛ زیرا ادعای اشخاص ثالث نسبت به املاک و اراضی محدودیت و پایانی ندارد و درهرحال قابل طرح در محاکم است. باید توجه داشت تزلزل حقوق مالکیت علاوه‌بر بی‌اعتمادی مردم نسبت به دستگاه حکمرانی و ایجاد نارضایتی عمومی، سبب فقدان امنیت سرمایه‌گذاری نیز خواهد شد؛ زیرا سرمایه‌گذار در پی یک محیط امن برای احداث کارخانه، کارگاه یا ایجاد بنا برای شرکت خود است و امکان معارضه اشخاص ثالث و ادعای مالکیت از جانب آنها، هرگونه سرمایه‌گذاری را دچار مخاطره کرده و امکان سرمایه‌گذاری امن و سودده را از میان می‌برد. به‌ویژه در سرمایه‌گذاری‌های کلان که مستلزم خرید چند هکتار از اراضی برای احداث کارخانه‌ها و زمین‌های کشاورزی است، سرمایه‌گذار باید از عدم امکان طرح ادعا و معارضه مطمئن شود و سپس سرمایه خود را در این مسیر قرار دهد که این امر به دلیل تزلزل در اعتبار مالکیت رسمی، میسر نیست. لذا ابطال اسناد عادی می‌تواند منجر به اثبات حق مالکیت شده و امنیت سرمایه‌گذاری را بالا ببرد.

۵ مسدودشدن مسیر تملک غیرمجاز اراضی توسط اتباع بیگانه: اعتبار اسناد عادی موجب می‌شود که اتباع بیگانه بدون رعایت قوانین و مقررات مربوط به مالکیت بر اراضی و املاک، اقدام به تملک اراضی در کشور کنند. این اقدام به آنها امکان اجاره ملک به دیگران یا انتقال بعدی به سایر اتباع بیگانه را نیز خواهد داد. تملک اموال غیرمنقول توسط اتباع بیگانه بدون نظارت و دخالت حاکمیت و طی مراحل قانونی موجب به مخاطره افتادن امنیت کشور شده و زمینه را برای مداخله و ورود برخی دولت‌های متخاصم فراهم می‌کند که جلوگیری از این سوءاستفاده‌ها در گرو اعتبارزدایی از اسناد عادی است.

۶ تغییر کاربری غیرمجاز اراضی زراعی و باغی غیرممکن می‌شود: تغییر غیرمجاز کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها و تبدیل آنها به ویلا و منازل مسکونی امنیت غذایی مردم را دچار مخاطره کرده و در درازمدت منجر به نابودی کشاورزی و وابستگی کشور در اقلام غذایی پرمصرف و حیاتی خواهد شد. یکی از بسترهای تغییر کاربری غیرمجاز اعتبار اسناد عادی است زیرا در صورت تفکیک و تغییر کاربری غیرمجاز، صدور سند رسمی مالکیت غیرممکن است اما اعتبار سند عادی موجب می‌شود مالکان اراضی به‌سادگی نسبت به تغییر کاربری اراضی خود و تفکیک و انتقال آن به غیر اقدام کنند. در این‌گونه موارد خریدار مرتکب جرم تغییر کاربری نشده و برخورد سخت مانند تخریب نیز با این‌گونه خریداران تبعات اجتماعی و امنیتی خواهد داشت. اما با بی‌اعتبار شدن اسناد عادی، ملکی که به‌صورت عادی تقسیم شده و به چند نفر فروخته شده است، قابلیت معامله رسمی ندارد و با توجه به عدم اعتبار معامله عادی، عملا تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی غیرممکن خواهد شد.

۷ اعتباربخشی به اسناد رهنی بانک‌ها و موسسات مالی و اعتبار: اعتبار سند عادی موجب می‌شود تا برخی از سودجویان پس از انتقال ملک غیرمنقول با سند عادی به غیر، مبادرت به اخذ تسهیلات از شبکه بانکی کرده و بانک نیز بدون اطلاع از اینکه مال غیرمنقول قبلا به فروش رسیده، مبادرت به تنظیم سند رهنی و قرار دادن ملک در رهن خود می‌کند؛ اما بعدا با طرح دعوی از سوی خریدار، با توجه به اعتبار اسناد عادی، دادگاه حکم بر ابطال سند رهنی صادر کرده و بانک‌ها برای وصول مطالبات خود دچار مشکل خواهند شد.

ادامه در صفحه ۳

فرهیختگان
دانشگاه
سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲ | شماره ۳۹۶۶ | WWW.FDN.IR

رئیس دانشگاه آزاد واحد ورامین- پیشوا در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

سرای واحد ورامین میزبان ۲۰ شرکت دانش‌بنیان می‌شود

«فرهیختگان» از تغییرات آیین‌نامه مقررات آموزشی وزارت علوم گزارش می‌دهد

عبور از سد آزمون جامع دکتری با ۳ شرط جدید

استفاده از تکنولوژی‌های روز دنیا کیفیت برگزاری بازی‌های آسیایی ۲۰۲۲ را ارتقا داد

۱۰ فناوری مسابقات آسیایی سبز و هوشمند

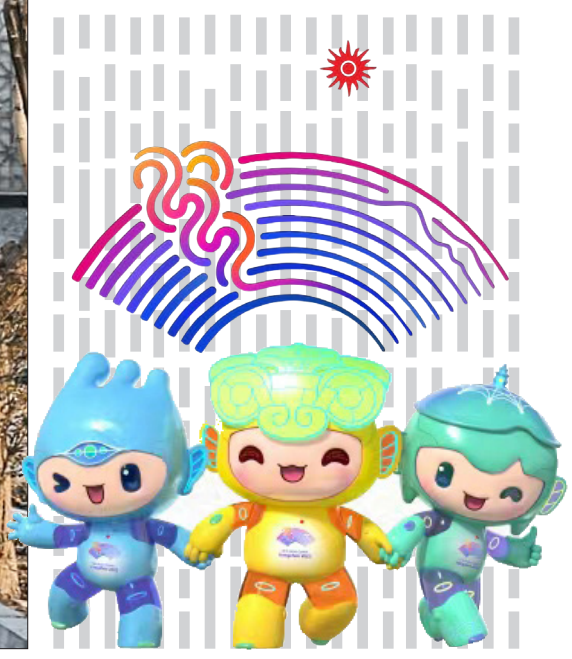

رئیس دانشگاه آزاد واحد ورامین- پیشوا در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

سرای واحد ورامین میزبان ۲۰ شرکت دانش‌بنیان می‌شود

مطهره‌سادات قاسمی
خبرنگار گروه دانشگاه

توسعه فناوری و نوآوری در کشور دارای اهمیت بسیاری است و دانشگاه آزاد با ایجاد سراهای نوآوری در حوزه‌های مختلف قدم‌های بزرگی در این راستا برداشته است. درواقع این دانشگاه همواره سعی داشته مجوز سرای‌های نوآوری را با توجه به پتانسیل‌های هر استان صادر کند. بنابراین مجوز سرای فناوری‌های نوین در تولید پروتئین سالم حیوانی را به دلیل وجود ظرفیت‌های مناسب در پرورش دام و طیور و کاشت محصولات کشاورزی در ورامین و همچنین قابلیت بالای این واحد دانشگاهی در حوزه زیرساخت‌های دامی، طیور و آبزیان به واحد ورامین- پیشوا داده شد. با توجه به اینکه این سرا به تازگی راه‌اندازی شده است گفت‌وگویی با کیان پهلوان‌افشاری رئیس دانشگاه آزاد واحد ورامین- پیشوا درباره جزئیات اهداف و برنامه‌های آتی سرای فناوری‌های نوین در تولید پروتئین سالم داشته‌ایم، که در ادامه می‌خوانید.

رئیس دانشگاه آزاد واحد ورامین- پیشوا در گفت‌وگو با «فرهیختگان» بیان کرد: «منطقه ورامین به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه و در اختیار داشتن منابع آبی زیرزمینی و سطحی، جزء مساعدترین مناطق برای کشت، پرورش و تولید محصولات کشاورزی، باغی، دام و طیور در استان تهران و در تولید تعدادی از محصولات بخش کشاورزی و دامی دارای رتبه برتر در سطح استان است. همچنین این منطقه در بخش صنایع وابسته به بخش کشاورزی، آب و علوم دامی نیز یکی از موفق‌ترین مناطق استان تهران محسوب می‌شود.» وی در ادامه اظهار کرد: «وجود زیرساخت‌های مناسب مرتبط با سرای نوآوری فناوری‌های نوین و تولید پروتئین سالم، دسترسی راحت به مراکز تحقیقاتی و صنعتی، مجاورت با شهرک صنعتی عباس‌آباد، چرم‌شهر، شنزار و پیشوا، قرار گرفتن در مرکز تولید دام و طیور استان تهران، دسترسی مناسب به مسیرهای مواصلاتی مانند مبادی ورودی و خروجی شهر، پایانه باربری، پایانه‌های مسافری و ایستگاه راه‌آهن و برخورداری از اعضای هیات‌علمی مجرب با تخصص‌های مرتبط با موضوع سرا را می‌توان ازجمله دلایل اصلی اخذ مجوز سرا در واحد ورامین- پیشوا برشمرد.» وی افزود: «همان‌طور که ذکر شد مهم‌ترین پتانسیل‌های مرتبط با سرای فناوری‌های نوین در تولید پروتئین سالم حیوانی نیروی انسانی مجرب و متخصص با دانش فنی مرتبط با سرای نوآوری در بدنه هیات‌علمی به‌ویژه در دانشکده کشاورزی است. همچنین سرای نوآوری واحد ورامین- پیشوا دارای گاوداری هزار راسی، مرغداری ۱۲ هزار قطعه‌ای، مزرعه پرورش ماهی ۱۰ تنی مداربسته به همراه امکانات و تجهیزات لازم و آزمایشگاه‌های مجهز جهت انجام طرح‌های تحقیقاتی مرتبط با سراست.» پهلوان‌افشاری در ادامه تصریح کرد: «مجوز سرای فناوری‌های نوین در تولید پروتئین سالم حیوانی توسط شورای مدیریت فعالیت‌های دانش‌بنیان دانشگاه صادر شد. بسترسازی برای پیاده‌سازی ایده‌های جدید مبتنی‌بر دانش توسط صاحبان ایده و ایجاد زمینه مناسب برای ظهور و حمایت از خلاقیت نیروهای جوان از مهم‌ترین اهداف راه‌اندازی این سراست. همچنین پذیرش نوآوران و کمک به ایجاد، پرورش و بقا فعالیت نوآورانه و هدایت آنها به سمت فعالیت‌های گروهی و هدایت نوآوران به سمت ثبت اختراع در این سرا دنبال می‌شود.» او اضافه کرد: «شرکت در مسابقات علمی و جشنواره‌ها و ایجاد تسهیلات برای ادامه فعالیت در قالب پذیرش در مراکز رشد، انجام فعالیت‌های فناورانه اعضای هیات‌علمی، دانشجویان و فعالان حوزه تولید محصولات پروتئینی به‌منظور بهبود عملکرد تولید محصولات سالم، انعقاد تفاهمنامه‌ها و قرارداد با بخش‌ها و صنایع تولیدی مربوط به حوزه فعالیت سرا برای استقرار و کمک به بخش تحقیق و توسعه مراکز توسط اعضای هیات‌علمی از دیگر اهداف راه‌اندازی سرای نوآوری فناوری‌های نوین و تولید پروتئین سالم است.»

به گفته وی پس از تهیه طرح توجیهی و بیش از ۲۰۰ ساعت کار کارشناسی و مطالعاتی که توسط استادان و کارشناسان مجرب واحد ورامین- پیشوا انجام شد، سرای نوآوری توانست مجوز فعالیت را از شورای مدیریت فعالیت‌های دانش‌بنیان دانشگاه کسب کند که به‌زودی فعالیت رسمی و عملیاتی خود را آغاز خواهد کرد.

پهلوان افشاری با اشاره به تعداد اساتید و اعضای هیات‌علمی که در سرا مشغول به فعالیت هستند، اظهار کرد: «به‌طور کلی استفاده بهینه از نیروی انسانی ماهر و توانمند از مهم‌ترین مولفه‌های موفقیت، استفاده بهینه از نیروی انسانی ماهر و توانمند است. در سرای‌های نوآوری نیز می‌توان از خدمات و تجربیات ارزنده اعضای هیات‌علمی و اساتید بهره‌مند شد. به همین منظور قرار است در یک زمان‌بندی پنج‌ساله فعالیت در سرای نوآوری بخشی از موظفی اعضای هیات‌علمی محسوب شود. همچنین از ظرفیت طرح پویش دانشجویان در این سرا بهره‌مند خواهیم شد.»

وی در ادامه گفت: «در سرای نوآوری فناوری‌های نوین و تولید پروتئین سالم واحد ورامین به ترتیب در سال اول فعالیت سرا ۱۵، در سال دوم ۲۵، در سال سوم ۳۵، در سال چهارم ۴۵ و در سال پنجم ۵۵ استاد عضو هیات‌علمی در سرا مشغول فعالیت‌های پژوهشی و فناورانه خواهند شد.» رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین- پیشوا با اشاره به برنامه‌های پیش‌رو سرای نوآوری فناوری‌های نوین و تولید پروتئین سالم تشریح کرد: «پذیرش صاحبان ایده و هدایت آنها برای پیاده‌سازی ایده از طریق ارائه خدمات و مشاوره‌های مورد نیاز یکی از مهم‌ترین برنامه‌های سرای نوآوری واحد ورامین- پیشواست. همچنین کمک به ایجاد، پرورش و بقای فعالیت نوآورانه در حوزه دام، طیور و آبزیان و تشویق و ترغیب نوآوران به راه‌اندازی کسب‌وکارهای دانشی از برنامه‌هایی است که در این سرا دنبال خواهیم کرد.» وی اظهار کرد: «همچنین ایجاد تسهیلات برای ادامه فعالیت در قالب پذیرش در مراکز رشد واحدهای فناور و تلاش برای فراهم آوردن حمایت‌های قانونی برای حفظ حقوق مالکیت فکری را در دستورکارمان داریم. درضمن از صاحبان ایده در راستای کاربردی کردن ایده‌ها حمایت خواهیم کرد.» وی افزود: «کمک به بهبود محصولات تولیدشده در مراکز تحت پوشش سرا، تجاری‌سازی و بازاریابی محصولات تولیدشده در مراکز تحت پوشش سرا، هدایت ایده‌ها و محصولات تولیدشده به سوی محصولات کاربردی و قابل فروش از دیگر برنامه‌های مشخص‌شده سرا درخصوص تامین پروتئین سالم حیوانی است.» پهلوان‌افشاری در پاسخ به سوالی مبنی براینکه آیا واحد ورامین- پیشوا، مرکز رشد مرتبط با سرای تولید پروتئین‌های سالم حیوانی را دارد؟ گفت: «بله. مرکز رشد مستقر در واحد ورامین- پیشوا درحال حاضر دارای هشت هسته فناور فعال است. این هسته‌ها در زمینه تولید نانو اسید فولیک و نانو ویتامین سی، تولید محیط کشت بافت نشای گل مارانتا، تولید هپارین، تولید نانو جاذب آمونیاک، تولید نانو کیتوزان، بازاریابی و بازرگانی، تولید دستگاه ازن برای مزارع پرورش ماهی، تولید درام فیلتر مزارع پروش ماهی درحال پژوهش و انجام فعالیت‌های فناورانه هستند.»

وی افزود: «طی یک برنامه پنج‌ساله، راه‌اندازی ۲۰ شرکت دانش‌بنیان در سرای نوآوری ورامین- پیشوا پیش‌بینی شده است.» رئیس دانشگاه آزاد واحد ورامین- پیشوا با اشاره به محصولات سرای نوآوری فناوری‌های نوین در تولید پروتئین‌های حیوانی سالم بیان کرد: «با توجه به اینکه سرای‌های نوآوری به‌طور کاملا تخصصی فعالیت می‌کنند، دستیابی به فناوری‌های نوین در تولید پروتئین‌های حیوانی سالم و محصولات مرتبط با دام طیور و آبزیان از اهداف مهم این سراست. بنابراین محصولات فناورانه مانند گوشت گاو، طیور و آبزیان و فرآورده‌های پروتئینی مرتبط و جیره‌های غذایی دام طیور و آبزیان با بهره‌مندی از روش‌های نوین فناوری از جمله محصولات تولیدی سرا در آینده خواهند بود.» وی افزود: «با توجه به امکانات سرا می‌توان در راستای پرورش، تولید و تجاری‌سازی محصولات حاصل از ایده‌های مختلف در سرای نوآوری برنامه‌ریزی و حرکت کرد. این برنامه‌ها عبارتند از تولید غذای بالانس‌شده آبزیان، روش‌های افزایش تولید ماهی در واحد سطح و استفاده از مکمل در افزایش رشد و مقاومت بدن ماهی.» رئیس دانشگاه آزاد واحد ورامین- پیشوا بیان کرد: «همچنین اصلاح نژاد و تولید تخم چشم‌زده ماهی، مکانیزاسیون مزارع پرورش ماهی، کاهش اثر آمونیاک در مزارع پرورش ماهی، تولید واکسن در کنترل بیماری‌های ماهی، تولید نانو جاذب حذف آمونیاک در استخرهای مداربسته ماهی، تولید انکوباتورهای بهینه‌شده با اکسیژن تزریقی تخم ماهی، تولید مواد ضدعفونی استاندارد و مجاز مزارع پرورش ماهی از دیگر برنامه‌ها خواهد بود. البته تولید درام فیلتر دومحوره جهت حذف موارد معلق مزارع پرورش مداربسته، اصلاح نژاد و تولید گاوهای گوشتی، مکانیزاسیون گاوداری گوشتی و شیری، به دست آوردن جیره بهینه گاوداری‌های گوشتی و شیری، مکانیزاسیون مرغداری گوشتی و تخم‌گذار و روش‌های افزایش تولید در مرغ گوشتی نیز از دیگر برنامه‌هایمان است.» پهلوان‌افشاری در ادامه گفت: «همچنین فعال‌سازی پایلوت صنایع غذایی، تولید غذای رنگدانه‌ای جهت استفاده در مزارع پرورش ماهی، تعمیر و نگهداری تجهیزات آزمایشگاهی، تولید برنامه‌های محتوایی- آموزشی نوین پرورش ماهی قزل‌آلای رنگین‌کمان، تولید برنامه‌های محتوایی- آموزشی نوین پرورش گاو شیری، تولید برنامه‌های محتوایی- آموزشی نوین پرورش گاو گوشتی، تولید برنامه‌های محتوایی- آموزشی نوین پرورش مرغ تخم‌گذار، تولید برنامه‌های محتوایی- آموزشی نوین پرورش مرغ گوشتی، اصلاح نژاد گاوهای شیری، بهبود تغذیه گاوهای گوشتی جهت افزایش کیفیت لاشه و ایمنی بدن، بهبود تغذیه دام‌های شیری جهت افزایش حجم و کیفیت شیردهی، حذف عوامل بیماری‌زا از طریق مکانیزه کردن مرغداری‌های صنعتی و تولید غذای کنسانتره برای مصارف دام‌های سنگین از طریق کشت هیدروپونیک از دیگر تولیدات و اقدامات سرای نوآوری ورامین- پیشوا خواهند بود.»

یادداشت ادامه از صفحه ۲

برخی از مهم‌ترین چالش‌های اجرا

برخی منابع تعداد املاک و اراضی بدون سند رسمی در کشور را حدود ۱۰ میلیون عنوان کرده‌اند. این مساله را می‌توان یکی از مهم‌ترین موانع برای اجرای طرح «الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول» دانست چراکه از طرفی امکان هرگونه معامله را از صاحبان آنها سلب کرده و از سوی دیگر سنددار کردن آنها با چالش‌های اساسی مواجه است. کافی نبودن دفاتر اسناد رسمی ازجمله مهم‌ترین این چالش‌هاست که درصورت عدم رفع آن، تصویب طرح جدید فرآیند فروش را برای صاحبان غیررسمی این ۱۰ میلیون ملک طولانی و فرسایشی می‌کند؛ امری که حاصلی جز نارضایتی در پی ندارد. علاوه بر این بالا بودن هزینه‌های سنددار کردن املاک دیگر چالشی است که رغبت افراد برای رسمیت بخشیدن به مالکیت خود را کاهش داده و آنها را به سمت معامله از طریق دفاتر املاک سوق می‌دهد. لذا در راستای اجرای هرچه بهتر این طرح، کاهش هزینه‌های ثبتی و همچنین افزایش تعداد دفاتر اسناد رسمی باید جزء اولویت‌های فوری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قرار گیرد.

شرحی بر طرح الزام به تنظیم سند رسمی

در این طرح فرآیندی طراحی شده است که کلیه اسناد عادی که قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون ایجاد شده است پالایش شده و با رعایت قوانین و مقررات مربوط به سند رسمی تبدیل شوند. در این راستا کلیه موانع غیرضرور صدور سند برای اراضی فاقد سند رسمی برداشته شده است. همچنین تنظیم سند رسمی برای انتقال اموال غیرمنقول پس از گذشت مواعدی که در این قانون مشخص شده الزامی شده است. در این راستا اولا تنظیم سند رسمی برای انتقال اموال غیرمنقول تسهیل و موانع آن برداشته شده است. ثانیا امکان تنظیم سند رسمی انتقال آن دسته از اموال غیرمنقول که هنوز سند رسمی برای آنها صادر نشده لکن در سامانه‌ای که به این منظور طراحی شده درج شده و در فرآیند صدور سند قرار گرفته، فراهم شده است. برای تحقق این اهداف، در مصوبه مجلس، همزمان با زوال اعتبار معاملات عادی، تنظیم سند رسمی معاملات اموال غیرمنقول نیز تسهیل و از هزینه‌ها، مراحل و زمان لازم برای آن کاسته شده است. همچنین تنظیم ارتباط بنگاه‌های معاملات املاک با دفاتر اسناد رسمی و ارائه پاسخ استعلامات لازم به‌صورت آنی و لحظه‌ای ازسوی دستگاه‌های دولتی مسئول در مواد مختلف مصوبه پیش‌بینی شده تا امکان تنظیم سند رسمی معامله به‌صورت آنی و در یک روز فراهم شود. علاوه بر این برای آن دسته از معاملات که تا قبل از لازم‌الاجرا شدن مصوبه به‌صورت عادی انجام شده‌اند، در ماده ۱۰ سامانه‌ای در نظر گرفته شده تا هم اشخاص ذی‌نفع طی دوران‌گذار بتوانند با بارگذاری اسناد و ادعاهای خود در سامانه مذکور، حقوق خود را محفوظ نگاه دارند و هم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور بتواند با اطلاع از ادعاهای موجود درخصوص هر ملک، نسبت به ارائه پاسخ صحیح در استعلامات خود به طرفین معاملات اقدام کند. همچنین اخذ سند مالکیت تسهیل شده و بسیاری از موانع موجود در اخذ سند رسمی در مصوبه مجلس برداشته شده‌اند. به‌عنوان نمونه درخصوص آن دسته از اراضی کشاورزی که به دلیل تفکیک و خرد شدن در سنوات گذشته، هم‌اکنون مساحت آنها پایین‌تر از حد نصاب فنی- اقتصادی بوده و امکان صدور سند مالکیت ندارند و به این علت، معاملات آنها با سند عادی انجام می‌شود نیز امکان صدور سند مالکیت پیش‌بینی شده و به این ترتیب امکان معامله رسمی اراضی کشاورزی نیز فراهم شده است. همچنین تنظیم رسمی قرارداد پیش‌فروش در مقایسه با وضعیت کنونی بسیار تسهیل شده است. لذا بررسی‌های انجام‌شده حاکی از این است که درصورت تصویب نهایی و اجرای طرح، ساماندهی معاملات به نحو صحیح و اصولی انجام شده و حجم گسترده‌ای از دعاوی ملکی، جرایم و پرونده‌های قضایی کاهش خواهند یافت و این امر موجب استحکام مالکیت اشخاص و دولت می‌شود. درواقع نقاط قوت مصوبه فوق عبارتند از: ۱. ساماندهی و تعیین تکلیف اسناد عادی موجود تا قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون ۲. تعیین دوره‌گذار از معاملات عادی به معاملات رسمی ۳. تنظیم روابط بنگاه‌های املاک با دفاتر اسناد رسمی با توجه به جایگاه قانونی آنها ۴. الزام دستگاه‌های دولتی به ارائه پاسخ آنی به استعلامات از طریق سامانه الکترونیک ۵. الزام مراجع قضایی به درج آرای مرتبط با اموال غیرمنقول در سامانه ثبت رسمی ۶. اعلام عدم اعتبار معاملات غیررسمی پس از گذشت مهلت‌های مقرر در این قانون ۷. تسهیل صدور سند مالکیت برای اراضی و املاک فاقد سند مالکیت رسمی ۸. تسهیل تنظیم سند رسمی قراردادهای مربوط به اموال غیرمنقول در دفاتر اسناد رسمی ۹. ایجاد بانک جامع اطلاعات اموال غیرمنقول کشور ۱۰. تثبیت مالکیت اشخاص بر اموال غیرمنقول و عدم امکان ابطال اسناد رسمی به استناد اسناد عادی تنظیمی قبلی پس از گذشت مواعد مندرج در طرح.

مجمع تشخیص مصلحت یا دست‌انداز تحقق مصلحت

اینکه یک دستگاه تصمیم‌گیر در مواردی دچار اشتباه شود امری بدیهی و غیرقابل اجتناب است اما اگر موارد این اشتباهات زیاد شده و هیچ مشورتی نیز برای اصلاح رویه پذیرفته نشود امری کاملا مذموم است. مجمع تشخیص مصلحت نظام در چندماه اخیر تصمیمات بحث‌برانگیزی اتخاذ کرده و باعث شده انتقادات زیادی درمورد عملکرد این نهاد شکل بگیرد. مخالفت با طرح واردات خودروهای کارکرده در شرایطی که تنظیم بازار نیاز به تصویب آن دارد یا مخالفت با طرح تناسبی شدن انتخابات در شرایطی که این طرح به افزایش مشارکت و بالاتر رفتن عیار نمایندگان انتخاب‌شده کمک می‌کند، نمونه‌های از اقدامات مجمع است که کمتر استدلال منطقی‌ای برای آنها توسط اعضای مجمع ارائه شده است. شاید بشود این تصمیمات را با استناد به دفاعیه رئیس مجمع این‌گونه توجیه کرد: «اینکه کار هیات عالی نظارت ممکن است دارای نقص باشد طبیعی است، در کار هر نهاد دیگری هم نقص وجود دارد. حتی اینکه یک نماینده بگوید من نظرات مجمع یا هیات عالی نظارت را قبول ندارم، اشکالی ندارد.» اما تعلل و مخالفت مجمع در بررسی طرح «الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول» در شرایطی که رهبر انقلاب تصویب آن را مصلحتی ضروری توصیف کرده‌اند به هیچ عنوان توجیه‌پذیر نیست.

سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

«فرهیختگان» از تغییرات آیین‌نامه مقررات آموزشی وزارت علوم گزارش می‌دهد

عبور از سد آزمون جامع دکتری با ۳ شرط جدید

۱۰ تغییر جدید آموزشی برای دانشجویان دانشگاه‌های دولتی

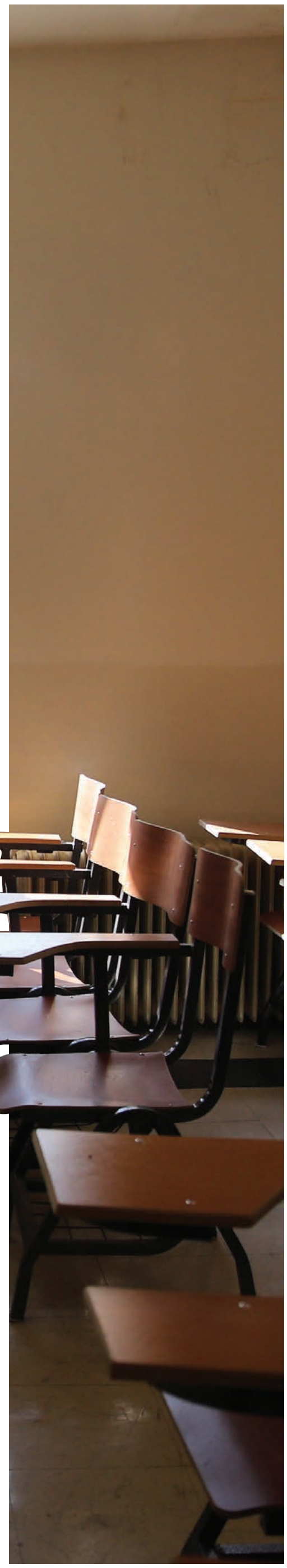

زهرا رمضانی
خبرنگار گروه دانشگاه

قوانین و مقررات آموزشی که براساس آن دانشگاه‌های مختلف اقدام به تربیت دانشجو می‌کنند، برای مقاطع مختلف تحصیلی متفاوت است، یعنی نمی‌توان طبق قوانین مقطع دکتری، دانشجوی مقطع کارشناسی را جذب و آموزش داد. دلیل این مساله هم تفاوت‌هایی است که هرکدام از این مقاطع به‌صورت ذاتی با یکدیگر دارند. بااین‌حال بعد از تصویب طرح آمایش در سال ۹۴ از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، وضع این مقررات هم در مسیر جدیدی قرار گرفت و بالاخره سه سال بعد یعنی اول خردادماه سال ۹۷ برای اولین‌بار آیین‌نامه یکپارچه آموزش دوره‌های تحصیلی از سوی منصور غلامی، وزیر وقت علوم برای اجرا به دانشگاه‌ها ابلاغ شد؛ آیین‌نامه‌ای که تا حد زیادی با لحاظ کردن ملزومات تحصیلی مقاطع مختلف، توانسته بود یکپارچگی را در کلان نظام آموزشی دانشگاه‌ها ایجاد کند. آخرین به‌روزرسانی این آیین‌نامه مربوط به ۲۷ شهریورماه امسال است که در آن از یک‌سو دست دانشگاه‌ها را برای اجرای این آیین‌نامه بازتر و درمقابل تکلیف دانشجویان را برای چگونگی گذراندن مقاطع مختلف در موضوعات مختلف آموزشی روشن‌تر کرده است. البته باید این مساله را هم عنوان کرد که برخی از مواد قید شده در این آیین‌نامه، پیش‌تر در شیوه‌نامه‌های اجرایی دانشگاه‌های بزرگ لحاظ و اجرایی می‌شد، اما به‌صورت کلی در آیین‌نامه جامع که از سوی وزارت علوم تصویب و مشمول همه دانشگاه‌ها می‌شد، وجود نداشته است. به همین دلیل در این گزارش تغییرات دو شیوه‌نامه سال ۹۷ و امسال را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

افزایش ۱۶ ماده به آیین‌نامه جدید آموزشی

هرچند کلیت آیین‌نامه جدید تفاوتی با آیین‌نامه قبلی ندارد اما اضافه شدن ۱۶ ماده جدید در آیین‌نامه به نسبت نسخه سال ۹۷ نشان می‌دهد مولفه‌های جدیدی در این آیین‌نامه لحاظ شده است. یکی از نکات مهمی که بد نیست همین ابتدا به آن اشاره شود، این است که آیین‌نامه در دو بخش مواد عمومی و مواد اختصاصی تدوین شده که بخش مواد اختصاصی شامل مقاطع تحصیلی مختلف کاردانی و کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می‌شود. تغییرات آیین‌نامه را نمی‌توان تنها به یکی از بخش‌ها محدود کرد؛ بااین‌حال بیشترین تفاوت‌ها مربوط به بخش مواد عمومی و بخش مواد اختصاصی در مقطع دکتری است. به‌طوری‌که در نسخه سال ۹۷ این آیین‌نامه، در بخش اول پنج ماده جدید اضافه شده که بخشی از آنها همان تبصره‌هایی آیین‌نامه گذشته به‌شمار می‌روند که با کمی تغییر از تبصره به ماده ارتقا پیدا کرده‌اند. در بخش دکتری با اضافه شدن شش ماده جدید که البته چهار ماده آن را باید درباره لازم‌الاجرا بودن این آیین‌نامه از سال تحصیلی جدید و... دانست.

محدودیت تحصیل مجدد رایگان در یک مقطع حذف شد

این آیین‌نامه با داشتن ۵۴ ماده بناست از سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در دانشگاه‌های کشور اجرایی شود. بخش مواد عمومی خود شامل ۱۳ ماده می‌شود. از سه ماده پایانی این بخش که در آیین‌نامه جدید اضافه شده بگذریم باید عنوان کرد برخی مواد آیین‌نامه قبلی هم با تغییرات جزئی همراه بوده‌اند. به‌طور مثال ماده سوم همین بخش با لحاظ شدن واژه نظام ترمی- واحدی به جای نظام واحدی، دستخوش تغییرشده یا به ماده چهارم آن تنها واژه رشته‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی اضافه شده است. تغییر اصلی را باید به ماده پنج آن مرتبط دانست؛ چراکه به نسبت همین ماده در آیین‌نامه قبلی به‌صورت کامل تغییر کرده و با حذف ماده پنج نسخه قبلی در نسخه جدید تاکیدشده که ارائه تمامی دروس در هر دوره و رشته با رعایت پیش‌نیاز برای هر درس طبق برنامه درسی مصوب برعهده دانشگاه است. هرچند براساس تبصره این ماده، دانشجو در آخرین نیمسال تحصیلی که منجر به فارغ‌التحصیلی‌اش می‌شود، نیاز به رعایت مقررات این بند ندارد. ماده پنج آیین‌نامه قبلی وزارتخانه از تحصیل مجدد یک دانشجو به‌صورت رایگان در مقاطع تحصیلی جلوگیری کرده بوده که در آیین‌نامه جدید حذف شده است.

رعایت انضباط آموزشی برعهده اساتید گذاشته شد

ماده شش این آیین‌نامه با وجود اینکه عملا تبصره ماده پنج آیین‌نامه قبلی است، اما تغییرات قابل‌توجهی هم داشته و براساس آن، تصمیم‌گیری برای پرداخت هزینه دانشجوی مشمول آموزش رایگان -که نتواند نمره قبولی را در خارج از سنوات مجاز تحصیلی در هر درس به‌دست آورد- برعهده هیات امنا خواهد بود. همچنین ماده هفتم که همان ماده ششم آیین‌نامه قبلی است، تنها یک تبصره جدید دارد که طبق آن نظارت بر رعایت نظم و انضباط آموزشی و مقررات دانشگاه از سوی دانشجو برعهده مدرس گذاشته شده است.

البته اضافه شدن تبصره به مواد آیین‌نامه قبلی تنها به اینجا ختم نمی‌شود؛ چراکه ماده هشتم که مانند ماده هفتم است و در آن تنها واژه عضو هیات‌علمی حذف شده، سه تبصره جدید دارد که مهم‌ترین آن تعیین زمان حداکثر ۱۰ روزه برای مقطع کاردانی و کارشناسی و حداکثر ۲۰ روزه برای کارشناسی ارشد و دکتری برای مدرس در راستای رسیدگی به اعتراضات مکتوب دانشجویان است. همچنین مدرس موظف شده برگه‌های امتحانی و دیگر فعالیت‌های درسی را به‌مدت حداقل یک نیمسال تحصیلی بعد از پایان امتحانات نزد خود نگه دارد. آخرین تبصره این بند هم به سختگیری دانشگاه برای اصلاح نمره بعد از اعلام آن از سوی مدرس به آموزش دانشگاه اشاره دارد.

جزئیات مرخصی‌های خارج از سنوات تشریح شد

ماده نهم درباره مدت مجاز مرخصی بوده و تنها تفاوت آن نسبت به ماده هشت آیین‌نامه قبلی، تغییر در تبصره آن است. براساس آن، مدت مجاز مرخصی‌های بدون احتساب سنوات که مطابق ضوابط دانشگاه قابل استفاده برای دانشجو بوده، برای مرخصی زایمان به ازای هر فرزند یک نیمسال درطول دوره بارداری و حداکثر چهار نیمسال پس از زایمان برای مادران دانشجو دارای فرزند زیر دوسال است، همچنین مرخصی پزشکی حداکثر دو نیمسال و سایر مصادیق مرخصی (مانند ماموریت همسر یا والدین و...) حداکثر تا دو نیمسال اعلام شده است.

حذف اثر نمره مردودی فقط برای یک درس

از ماده ۱۰ تا ۱۳ این بخش را که شامل چهار تبصره می‌شود، باید جزء بخش‌های جدید آیین‌نامه قلمداد کرد. طبق آنچه در ماده ۱۰ با دو تبصره تصریح شده، دانشجوی متقاضی انصراف از تحصیل باید درخواست انصراف خود را شخصا یا از طریق وکیل قانونی خود و به‌صورت رسمی به آموزش دانشگاه تسلیم کند و تنها برای یک بار و تا حداکثر دوماه از تاریخ ارائه درخواست، می‌تواند این درخواست را پس بگیرد، همچنین تبصره مهم این بخش را هم باید تبصره دوم دانست که طبق آن عدم انتخاب واحد در هر نیمسال توسط دانشجو را به‌عنوان انصراف از تحصیل قلمداد می‌کند.

ماده ۱۱ هم که شامل دو تبصره می‌شود، تاکید می‌کند دانشجویی که در هر نیمسال در یک یا چند درس نمره قبولی کسب نکند، حتی اگر در نیمسال‌های بعدی، بتواند نمره قبولی در درس‌ها را داشته باشد، باز هم نمره یا نمره‌های مردودی قبلی در ریزنمرات تحصیلی دانشجو ثبت شده و این نمره‌ها در میانگین نیمسال و کل دوره محاسبه می‌شود. بااین‌حال طبق تبصره اول دانشگاه مجاز است تا با درخواست کتبی دانشجو مبنی بر بلااثر کردن نمره حداکثر یک درس مردودی از میانگین کل دوره موافقت کند. این درحالی است که طبق تبصره دوم، تسهیلات این ماده مشمول دانشجویانی نمی‌شود که به‌دلیل تقلب و یا حکم انضباطی نمره مردودی دریافت می‌کنند.

یک نیمسال سنوات در ازای ۲۰ واحد معادل‌سازی

دو ماده پایانی این بخش به ترتیب درباره معادل‌سازی نمرات دروس گذرانده شده و اختیار دانشگاه در حوزه‌های مختلف مانند تقویم آموزشی، زمان حذف و اضافه و... است و آنها برای اولین‌بار در آیین‌نامه قید شده است. ماده ۱۲ این بخش با پنج شرط معادل‌سازی نمرات دروس گذرانده برای دانشجویان انصرافی، اخراجی، تغییر رشته‌ای، انتقال یا تغییر رشته توام با انتقال را امکان‌پذیر کرده که شاید مهم‌ترین آن را بتوان مورد «د» و «ه» دانست. بر این اساس به ازای هر ۲۰ واحد از دروس معادل‌سازی‌شده یک نیمسال از سنوات مجاز تحصیلی دانشجو در دوره‌های کاردانی و کارشناسی و برای دانشجوی کارشناسی ارشد به ازای معادل‌سازی هر ۱۲ واحد درسی، یک نیمسال تحصیلی از سنوات مجاز تحصیل وی کسر می‌شود. همچنین ماده ۱۳ این اجازه را به دانشگاه‌ها می‌دهد که درباره تقویم آموزشی، چگونگی اعلام و ثبت نمرات، زمان حذف و اضافه، حذف اضطراری دروس، نحوه اعتراض به نتایج امتحانات، تاریخ تجدیدنظر و دیگر موضوعات اجرایی براساس شیوه‌نامه موضوع ۵۱ این آیین‌نامه تصمیم‌گیری کنند.

اعمال شهریه سنوات در مدت تعهد خدمت

از ماده ۱۴ تا ۲۵ این آیین‌نامه که مربوط به بخش مواد اختصاصی و صرفا مقطع کاردانی و کارشناسی می‌شود تنها سه ماده جدید اضافه شده و مابقی آنها تغییرات جزئی در حد اضافه شدن یک تبصره یا حذف و اضافه چند واژه تغییر بوده است. به‌طور مثال اولین ماده این بخش که همان ماده ۹ آیین‌نامه قبلی محسوب می‌شود تنها سه تبصره جدید به آن اضافه شده که مهم‌ترین آنها را می‌توان تبصره سوم دانست؛ طبق آن نیمسال‌هایی که دانشجو بابت افزایش سنوات، شهریه پرداخت می‌کند از مدت تعهد خدمت آموزش رایگان وی کسر می‌شود.

ماده ۱۵ را به جز اضافه شدن دوره کاردانی درکنار مقطع کارشناسی باید عینا همان ماده ۱۰ آیین‌نامه قبلی دانست. براساس این ماده تحصیل همزمان دانشجو این دوره‌ها به شیوه حضوری در کلیه دانشگاه‌ها و کلیه‌های دوره‌های تحصیلی ممنوع است. ماده ۱۶ را- که جز اضافه شدن یک تبصره- باید همان ماده ۱۵ آیین‌نامه قبلی در بخش مواد اختصاصی بخش کاردانی و کارشناسی دانست و طبق آن نمره ارزشیابی از هر درس به‌صورت عددی از صفر تا ۲۰ خواهد بود.

«معرفی به استاد» شامل دروس علمی-نظری هم شد

شاید اصلی‌ترین تغییر در این بخش را باید مربوط به ماده ۱۷ دانست که مرتبط با انتخاب واحد است؛ ماده‌ای که هرچند عین آن در ماده ۱۱ آیین‌نامه سال ۹۷ آمده، اما اضافه شدن هشت تبصره به آن وجه تمایزی به این ماده داده است. براساس تبصره ۹ این ماده که به‌نوعی مهم‌ترین آن هم لحاظ می‌شود، دانشجو اگر قبلا یک درس علمی- نظری را اخذ کرده باشد اما نمره قبولی آن را در بخش نظری کسب نکرده باشد، می‌تواند با رعایت مفاد تبصره هشت همین ماده بخش نظری آن درس را به‌صورت معرفی به استاد بگذراند. ماده ۱۸ با دو تبصره را باید جزء مواد جدید لحاظ کرد که براساس آن دانشجو با موافقت دانشگاه می‌تواند یک هفته قبل از شروع امتحانات پایان نیمسال، تنها برای یک درس نظری آن هم در بازه زمانی تعیین‌شده از سوی دانشگاه، اقدام به حذف درس کند. ماده ۱۹ هم که برای اولین‌بار لحاظ شده، به دانشجو این امکان را می‌دهد که با رعایت سنوات مجاز تحصیل، در دوره‌های مدنظر یک نیمسال در دوره کاردانی و کارشناسی ناپیوسته و دو نیمسال در دوره کارشناسی پیوسته با موافقت دانشگاه از مرخصی تحصیلی استفاده کند. از ماده ۲۰ این آیین‌نامه بگذریم که عینا ماده ۱۲ قبل است، باید عنوان کرد ماده ۲۱ این بخش ماده تغییر رشته یا انتقال دانشجو از دانشگاه غیردولتی به دولتی، از شهریه‌پرداز به رایگان، از غیرحضوری به نیمه‌حضوری و حضوری و از نیمه‌حضوری به حضوری از پذیرش سوابق تحصیلی به پذیرش با آزمون را ممنوع ولی عکس آن را مجاز اعلام کرده است. درحالی‌که براساس تبصره دوم ماده ۱۲ آیین‌نامه قبلی تغییر رشته دانشجو در دوره کاردانی پیوسته و کارشناسی ناپیوسته ممنوع شده بود.

شاگردپروری شاکله اصلی آموزش کاردانی و کارشناسی

ماده ۲۲ این آیین‌نامه که تنها تفاوت آن با ماده ۱۴ قبلی قید رویکرد شاگردپروری و نقش مربیگری اعضای هیات‌علمی برای تحقق راهنمای آموزشی است را باید یکی از مهم‌ترین مواد این بخش تلقی کرد. براساس تبصره دوم ماده ۲۳ که دو تبصره بیشتر از ماده ۱۶ آیین‌نامه قبلی دارد، درصورتی‌که دانشجو تعداد بیش از ۶۸ واحد درسی را گذرانده باشد، تنها نمرات دروسی در میانگین محاسبه می‌شود که تاثیر مثبت داشته باشد. ماده ۲۴ همان ماده ۱۷ قبل است و تنها یک تبصره جدید دارد و براساس آن به دانشجویی که میانگین کل کاردانی یا کارشناسی‌اش بعد از گذراندن تمام واحدها کمتر از ۱۲ باشد، یک نیمسال آن هم با رعایت سقف مجاز سنوات تحصیلی فرصت داده می‌شود تا با انتخاب حداکثر ۱۶ واحد کسب نمره ۱۰ تا ۱۲ در آنها، میانگین کل خود را به حداقل ۱۲ برساند.

مدت مجاز افزایش زمان ارشد: حداکثر یک نیمسال

بخش کارشناسی ارشد این آیین‌نامه که مشمول ۱۲ ماده می‌شود و از ماده ۲۶ تا ۳۸ را در برمی‌گیرد هم چهار ماده جدید دارد و در کنار آن برخی از تبصره‌ها تغییر کرده است. شاید مهم‌ترین بخش آیین‌نامه را باید ماده ۲۷ آن دانست که برای اولین بار لحاظ شده و براساس آن در صورت تایید دانشگاه، دانشجوی این مقطع می‌تواند با احتساب سنوات تحصیل، یک نیمسال تحصیلی را مرخصی بگیرد. اما اگر بخواهیم اولین ماده این بخش را که همان ماده ۲۶ می‌شود، بررسی کنیم، باید عنوان کرد این ماده مانند ماده ۱۹ آیین‌نامه قبلی بوده و تنها تفاوت آن تعداد نیمسال‌ها در بحث مدت مجاز تحصیل است. براساس تبصره یک آن برخلاف آیین‌نامه قبلی مدت مجاز افزایش تحصیل به جای حداکثر دو نیمسال به یک نیمسال تحصیلی افزایش پیدا می‌کند

ادامه در صفحه ۵

نیمکت

دانشجویان الکترونیکی حاضر غایب می‌شوند

معاون آموزشی وزارت علوم گفت: «برنامه حضور و غیاب دانشجو که به‌صورت الکترونیک و آزمایشی در چند دانشگاه اجرا و از حالت دستی خارج شده است از امسال در تمام دانشگاه‌ها اجرا می‌شود.» قاسم عموعابدینی در گفت‌وگو با مهر گفت: «موضوع مربوط به غیبت دانشجو یک آیین‌نامه دارد، هر دانشجو اجازه دارد سه جلسه از ۱۶ جلسه کلاس را غیبت کند.» وی ادامه داد: «اگر غیبت دانشجو خارج از سه جلسه از ۱۶ جلسه کلاس بود باید آن درس را حذف کند. این آیین‌نامه مقررات آموزشی نه‌تنها در کشور ما بلکه در خیلی از کشورها اجرا می‌شود، بر همین مبنا هم باید حضور و غیاب دانشجو انجام شود.» معاون آموزشی وزارت علوم افزود: «درحال حاضر سامانه سپاری تمام فعالیت دانشگاهی تحت عنوان برنامه دولت الکترونیک در حال اجرا شدن است، برنامه حضور و غیاب الکترونیک نیز به‌صورت آزمایشی در چند دانشگاه اجرا شده و از حالت دستی خارج شده است و از امسال در تمام دانشگاه‌ها اجرا می‌شود.»

بهره‌برداری از خوابگاه ۲۰۰ نفری دانشگاه خواجه نصیر

سرپرست دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی با تاکید بر اینکه این دانشگاه مشکل کمبود خوابگاه ندارد و تمامی متقاضیان اسکان داده می‌شوند، گفت: «اخیرا خوابگاه دخترانه ۲۰۰ نفری دانشگاه افتتاح شده و خوابگاه‌های استیجاری نیز جمع‌آوری خواهند شد.» امیررضا شاهانی در گفت‌وگو با ایسنا، با تاکید بر اینکه خوابگاه‌های استیجاری دانشگاه خواجه نصیر جمع‌آوری می‌شوند و این دانشگاه مشکل کمبود خوابگاه ندارد، خاطرنشان کرد: «تمامی دانشجویان روزانه دانشگاه خواجه نصیر می‌توانند از خوابگاه استفاده کنند و دانشجویان دوره شبانه نیز می‌توانند از خوابگاه‌های خودگردان که دانشگاه نیز بر کیفیت آنها نظارت می‌کند، استفاده کنند.» وی با اشاره به درخواست جذب ۳۰ عضو هیات‌علمی در دانشگاه خواجه نصیر در فراخوان جدید گفت: «تعداد ۳۰۵ عضو هیات‌علمی در این دانشگاه مشغول تدریس هستند و نسبت استاد به دانشجو در دوره کارشناسی حدود یک به ۲۸ و در دوره تحصیلات تکمیلی کمتر از این میزان است.»

سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

سرپرست دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

شیوه‌نامه استاد راهنما و مشاور آموزشی به دانشگاه‌ها ابلاغ شد

اختیار در آزمون جامع دکتری تخصصی به دانشگاه‌ها سپرده شد

فاطمه طاری‌بخش
خبرنگار گروه دانشگاه

رضا نقی‌زاده، سرپرست دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی درباره روند تصویب و ابلاغ این آیین‌نامه گفت: «برنامه بازنگری آیین‌نامه مقررات یکپارچه آموزشی در مقاطع تحصیلی، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی، به‌صورت ویژه از شهریورماه سال گذشته آغاز شد و در ابتدا کار کارشناسی در دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی انجام گرفت. در این میان مصوباتی که مربوط به دیوان بود، دریافت و نظرات دانشگاه و مشکلاتی که در طول اجرای برنامه وجود داشت شناسایی شد. برنامه‌های مقررات آموزشی در طول دو دهه اخیر به‌صورت کامل ارزیابی و پس از آن جلسه‌ای با معاونان آموزشی دانشگاه‌ها در اجلاس زمستان برقرار شد. در این جلسه اصطلاحات پیشنهادی آیین‌نامه مطرح شد. به‌صورت مجدد و براساس نظرات معاونان آموزشی کارگروه‌های تخصصی شکل گرفت و در کمیسیون مقررات آموزشی و متخصصان این حوزه موضوع به بحث و بررسی گذاشته شد. بر این اساس از جلسه نهصدوپنجاه‌وشش، موضوع در دستور کار شورای عالی برنامه‌ریزی قرار گرفت.»

او تصریح کرد: «ماده به ماده آیین‌نامه، با حضور وزیر علوم و مدیران آموزش عالی بررسی شد. همچنین بعد از بررسی کامل در شورا به موازات آن با روسای دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی این موضوع به بحث و بررسی گذاشته شد و بعد از پایان نقطه نظرات شورای عالی برنامه‌ریزی آیین‌نامه جهت اجرا به کلیه دانشگاه و زیرنظام‌ها ابلاغ شد که موظف به اجرای آن هستند.»

تاکید به شاگردپروری در آیین‌نامه جدید

نقی‌زاده درباره تغییرات صورت‌گرفته در آیین‌نامه نسبت به نسخه قبلی بیان کرد: «آیین‌نامه جدید علاوه‌بر رفع مشکلات آیین‌نامه قبلی، به‌صورت ویژه به موضوع شاگردپروری و همچنین به محوریت اخلاق‌مداری به‌ویژه در تحصیلات تکمیلی توجه کرده است. شاگردپروری را به‌صورت ویژه در مقطع کاردانی و کارشناسی مورد توجه قرار داده؛ چراکه دارای اهمیت بالایی است. همچنین سعی شده در بحث نظم و افزایش کیفیت آموزشی تاکید ویژه‌ای داشته باشد. مواردی که به کیفیت آموزشی خدشه وارد می‌کرد، در مقررات جدید به شکل جدی اصلاح شده تا بتواند به‌عنوان زیربنای آموزشی کشور مدنظر قرار گیرد.»

او ادامه داد: «در مقطع کاردانی و کارشناسی، به غیر از موادی که به‌صورت مشخص برای بحث نظم‌بخشی و کیفیت آموزشی قید شده می‌توانم به تاکید جدی بر بحث فعالسازی استادراهنما و مشاور آموزشی اشاره کنم که شیوه‌نامه آن نیز جهت اجرا به موسسات و دانشگاه‌ها ابلاغ شده است. از این به بعد هر دانشجویی که وارد این دوره می‌شود یکی از اساتید به‌عنوان راهنما و مشاور در کنار او قرار می‌گیرد و ضمن رصد و مدیریت فعالیت‌های آموزشی دانشجویان، با توجه به آشنایی با نظام ارجاع دانشگاه اگر مشکلی در سایر بخش‌ها شکل بگیرد، دانشجو را به بخش‌های تخصصی دانشگاه هدایت می‌کند.»

اختیار در آزمون جامع دکتری تخصصی به دانشگاه‌ها سپرده شد

سرپرست دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی با اشاره به اینکه در مورد دوره‌های تحصیلات تکمیلی تدابیری در آیین‌نامه دیده شد بیان کرد: «سعی کردیم تا سازماندهی درخصوص سنوات تحصیلی، مرخصی‌ها و سایر موارد اتفاق بیفتد. همچنین سعی شد که در مورد شرایط دفاع دانشجو در مقطع ارشد و دکتری تخصصی به شکل دقیق‌تری پیش‌بینی‌های لازم در مورد کفایت علمی انجام شود. شاید یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که در آیین‌نامه آموزشی پیش‌بینی شد، بحث جایگزین‌های آزمون جامع بود که در آن به دانشگاه‌ها اختیار داده شد، اگر شرایط را فراهم دیدند در قالب شیوه‌نامه اجرایی مواردی را مانند معدل، جایگزین آزمون جامع در مقطع دکتری تخصصی کنند و به‌صورت ویژه آن را اجرایی کنند. همچنین در حوزه اخلاق‌مداری سعی کردیم که بحث کارگروه‌های اخلاق در پژوهش را در مقررات آموزشی به‌صورت ویژه ببینیم و از ظرفیت‌های آنها نیز به‌صورت خاص بهره‌ای گرفته شود.»

در ۳ ماده به دانشگاه‌ها اختیار داده‌ایم

نقی‌زاده با اشاره به اینکه تغییرات تقریبا در تمام مقاطع تحصیلی اعمال شده است، افزود: «سعی کرده‌ایم که موارد دقیق باشد و با توجه به اینکه طبق مقررات و ضوابط حاکم بر کشور، شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی باید جزئیات بسیاری از مقررات را تعیین کند و اختیار آن از دست دانشگاه خارج است، سعی کردیم این مواردی که در سال ۹۷ قید نشده بود را بیاوریم تا دانشگاه‌ها مشکلی با بحث مقررات آموزشی نداشته باشند. به‌صورت خاص ما سه مواد را در سه سطح پیش‌بینی کرده‌ایم که دانشگاه‌ها می‌توانند در آنجا اعمال نفوذ کنند. یک مورد براساس مقرراتی است که دارند. مورد دیگر درخصوص شیوه‌نامه اجرایی این آیین‌نامه است که در آن در سه ماده ویژه دانشگاه‌ها است که می‌توانند براساس آن موارد خودشان را در اجرای آن لحاظ کنند. این سه ماده نیز شامل تقویم آموزشی، تعداد واحدی که دانشجو پس از مشروطی در مقطع کاردانی و کارشناسی می‌تواند اخذ کند و ماده سوم، جانشینی یا جایگزینی آزمون جامع بود که در آن ذکر شده دانشگاه‌ها می‌توانند به جای این آزمون موارد دیگری را انتخاب کنند.»

او درباره اختیارات آیین‌نامه به هیات‌های امنای دانشگاه‌ها توضیح داد: «در آنجا پیش‌بینی شده است که هیات‌امنا در این موارد تصمیم‌گیری کند، به‌طور مثال در مورد اخذ وجه از دانشجویان به‌واسطه واحدهای جبرانی و حذف شده یا سنوات غیرمجاز و این دست موارد که برعهده هیات‌امنا گذاشته شده است. همچنین سعی کردیم تا جایی که می‌توان با توجه به شرایط آمایشی و دانشگاه‌ها این موضوعات را به خودشان واگذار کنیم. بخش دیگر نیز بخشی است که به شورای آموزشی دانشگاه و سایر بخش‌های دانشگاه اختیاراتی واگذار شده و بر این اساس شورای آموزشی دانشگاه می‌تواند در این موضوعات تصمیم‌گیری داشته باشد. از جمله این موارد می‌توان به معادل‌سازی نمرات اشاره کرد که در آن درباره نمرات اختیاراتی را به دانشگاه داده‌ایم.» سرپرست دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی در همین زمینه افزود: «یعنی اگر قرار باشد درباره انعطاف این آیین‌نامه صحبت کنیم، در سه سطح می‌توان آن را بررسی کرد. بخشی در شیوه‌نامه اجرایی است، بخش دیگر مرتبط به اختیاراتی است که به هیات‌امنا داده شده و بخش آخر نیز اختیاراتی است که شورای آموزشی دانشگاه واگذار شده است. با این حال درباره مواردی که در آیین‌نامه پیش‌بینی نشده هم اگر ضوابطی در وزارت علوم موجود باشد تابع آن است و اگر وجود نداشته باشد تابع ضوابط عمومی دانشگاه است. دانشگاه‌ها در مواردی که ذکر شد اختیار دارند و می‌توانند دیدگاه و نظرات خود را پیاده‌سازی کنند.»

آیین‌نامه یکپارچگی آموزشی از پرکارترین آیین‌نامه‌های تدوینی وزارت علوم است

نقی‌زاده اظهار داشت: «با توجه به سابقه‌ای که از تدوین آیین‌نامه و ... وجود دارد، می‌توان گفت که این آیین‌نامه یکی از پرکارترین آیین‌نامه‌هایی بوده که در وزارت علوم تدوین شده است. کارگروه‌ها و افراد و ساعات مختلف برای این کار به‌صورت تخصصی و ویژه گذاشته شده است. موارد با اساتید و خبرگان بحث آموزش چک شده است و سعی کردیم تا فرآیند آموزشی یکپارچه پیش‌بینی شود. یعنی در ابتدا شفافیت ضوابط را داشته باشد تا دانشجو بتواند به‌راحتی از مقررات آموزشی استفاده کند و ابهامی وجود نداشته باشد. همچنین در مقطع کاردانی و کارشناسی روی نظم آموزشی که یکی از عوامل پایدار در ارتقای آموزشی است تاکید زیادی شده است.» سرپرست دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی درباره دو مقطع ارشد و دکتری تخصصی این آیین‌نامه تصریح کرد: «شاید یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی که در این دو مقطع مورد بحث قرار گرفت که یک جلسه شورای عالی را به خود اختصاص داد، بخش مربوط به زمان تصویب پیشنهادی یا پروپوزال دوره کارشناسی ارشد یا دکتری تخصصی بود که در آیین‌نامه مذکور به‌صورت خاص پیش‌بینی‌هایی در این مورد انجام گرفت. به‌طور مثال درباره اینکه چه زمانی دانشجو باید پیشنهاد پایان‌نامه خود را ارائه داده و اگر در موعد مقرر دفاع نکند، چه اتفاقی برای او می‌افتد. در دوره دکتری تخصصی نیز این موضوع تعیین شده که در چه زمانی دانشگاه باید موضوع و استاد راهنما را مشخص کند. طبق آن بعد از آزمون جامع نیز باید پروپوزال یا تز دکتری مورد تصویب قرار گیرد. در این آیین‌نامه به‌صورت کامل درباره موادی مانند انصراف یا مشروطی دانشجو که ابهام وجود داشت، اشاره کردیم.»

نقی‌زاده خاطرنشان کرد: «تصور ما این است که اگر این آیین‌نامه به‌خوبی اجرا شود و فرآیند آن به‌درستی جلو رود شاهد نظم منطقی در مقطع‌های مذکور باشیم و می‌توانیم بیش از گذشته کیفیت آموزشی را ارتقا دهیم. همچنین در بحث نظارت برای اجرا تاکید ویژه‌ای داریم که برنامه‌ای در این خصوص خواهیم داشت تا به‌خوبی این مقررات در نظام آموزش عالی کشور جاری شود.»

نمیسال و کل محاسبه می‌شود.

ماده ۴۱ اما اولین ماده جدید این بخش است که برای ورود به مرحله ارزیابی جامع، کسب میانگین کل حداقل ۱۶ و احراز بسندگی زبان خارجی مطابق شیوه‌نامه ابلاغی معاونت آموزشی را الزامی کرده است. این ماده دو تبصره هم دارد که طبق آن حداقل نمره قبولی در ارزیابی جامع ۱۶ اعلام شده و در صورت عدم کسب این نمره، دانشجو تنها یک بار مجاز است در ارزیابی جامع شرکت کند. تبصره دوم هم تاکید دارد اگر میانگین کل نمرات دانشجو پس از گذراندن تمام واحدهای درسی دوره کمتر از ۱۶ باشد، او تنها یک نیمسال فرصت دارد تا دوباره با انتخاب حداکثر شش واحد از درس‌هایی که در آن نمره بین ۱۴ تا ۱۶ کسب کرده میانگین کل دوره خود را به حداقل ۱۶ برساند.

حداکثر زمان برای تصویب موضوع رساله: ترم سوم

ماده ۴۲ هم همان ماده ۳۱ قبل است که تغییر رشته و انتقال و تغییر گرایش دانشجوی این مقطع در همان دانشگاه یا دیگر دانشگاه‌ها اعم از دولتی و غیردولتی ممنوع بوده است. در مقابل اما ماده ۴۳ هم جزء مواد جدید به شمار می‌رود و تاکید دارد دانشجو موظف است مطابق با ضوابط دانشگاه تا قبل از شروع نیمسال سوم تحصیلی، استادراهنما و موضوع رساله خود را به تصویب گروه آموزشی برساند. ماده بعدی را هم باید تنها تفاوتش را در اضافه شدن یک تبصره به ماده ۳۲ آیین‌نامه قبلی دانست که طبق آن دانشگاه مجاز است مواردی را به‌عنوان جانشین آزمون جامع از دانشجو بپذیرد و این موارد در صورت کسب میانگین کل ۱۸ و بالاتر از سوی دانشجو و به شرط عدم مردودی، کسب میانگین ۱۷ و بالاتر و انتشار یک مقاله علمی در پایگاه معتبر بین‌المللی در دوران تحصیل دکتری تخصصی، کسب میانگین کل ۱۷ و بالاتر و ثبت یک اختراع داخلی یا بین‌المللی در مراجع معتبر در دوران تحصیل و تا پیش از زمان برگزاری آزمون جامع است.

ماده ۴۶ هم همان ماده ۳۳ آیین‌نامه قبل است که به دانشجو اجازه می‌دهد در کنار استادراهنمای اصلی، استادراهنمای دوم هم داشته باشد. ماده ۴۷ آیین‌نامه فعلی یا همان ماده ۳۴ آیین‌نامه قبلی تنها دو تبصره جدید دارد که براساس تبصره سه آن اخذ کد doi یا dor (ویژه مقالات علمی پژوهشی مجلات علمی داخل کشور) معادل چاپ مقاله محسوب می‌شود. ماده ۴۹ هم همان ماده ۳۶ است و تفاوتی ندارد اما ماده ۵۰ که معادل قبل آن را می‌توان ماده ۳۷ دانست، یک تفاوت اصلی دارد و آن اینکه تصمیم‌گیری درباره دانشجوی خاطی برعهده دانشگاه گذاشته شده است.

جدیدالورودها مشمول آیین‌نامه جدید می‌شوند

اجرای این آیین‌نامه مثل بسیاری از آیین‌نامه‌های دیگر نیازمند شیوه‌نامه‌ای است که باید توسط هر دانشگاه نوشته شود. البته با این قید که دانشگاه‌های دارای هیات‌ممیزه و هیات‌امنا می‌توانند خودشان برای نگارش شیوه‌نامه دست به قلم شوند و دانشگاه‌های فاقد این دو هیات به‌طور توامان، از شیوه‌نامه دانشگاه جامع و معین استان‌شان تبعیت خواهند کرد. آیین‌نامه تاکید کرده این شیوه‌نامه باید تا پیش از آغاز سال تحصیلی جدید تدوین شود که با توجه به زمان ابلاغ آن بعید به‌نظر می‌رسد. در این شرایط اگر دانشگاهی به شیوه‌نامه نرسیده باشد باید براساس شیوه‌نامه تدوین‌شده برای ورودی‌های سال تحصیلی جدید دانشگاه تهران عمل کند که به‌عنوان ملاک معرفی شده است. براساس ماده ۵۳، دانشجویان جدیدالورود امسال مشمول آیین‌نامه جدید هستند و شرایط برای دانشجویان سال‌های قبل براساس همان آیین‌نامه ابلاغی زمان ورود به دانشگاه پیش خواهد رفت.

تعیین تکلیف پروپوزال ارشد تا قبل از ترم سوم

ماده ۳۱، ۳۲ و ۳۳ این آیین‌نامه هم جدید است. براساس اولین ماده در شرایط اضطرار، حذف یک درس با درخواست کتبی دانشجو و تایید دانشگاه، قبل از شروع امتحانات و با رعایت و احتساب آن نیمسال در سنوات تحصیلی امکان‌پذیر است. همچنین طبق ماده ۳۲، دانشجو موظف است براساس ضوابط دانشگاه تا قبل از شروع نیمسال سوم تحصیلی، استاد راهنما و پیشنهاده خود را با نظر استاد راهنما به تصویب دانشگاه برساند. در ماده ۳۳ هم تاکید شده اگر دانشجو در رشته یا گرایشی غیرمرتبط با رشته دوره کارشناسی خود مطابق ضوابط وزارت پذیرفته شود، باید حداکثر ۱۲ واحد درسی جبرانی طبق نظر گروه آموزشی بگذراند. پرداخت هزینه این بخش برای دروس جبرانی هم از سوی هیات‌امنا دانشگاه تصمیم‌گیری می‌شود.

میزان تخلف ملاک جریمه دانشجوی متخلف

ماده ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷ و ۳۸ درحقیقت عینا همان ماده‌های ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ آیین‌نامه قبلی است و تنها تفاوت‌های جزئی در آن لحاظ شده است. به‌طور مثال تنها در ماده ۳۶، سه تبصره جدید اضافه شده یا درباره ماده ۳۸ تنها تفاوت را تصمیم‌گیری دانشگاه برای دانشجوی خاطی دانسته که اگر تخلف آن در حین تحصیل، انجام پژوهش و تدوین پایان‌نامه از سوی کارگروه اخلاق در پژوهش دانشگاه اثبات شود دانشگاه می‌تواند براساس میزان تخلف درباره او تصمیم‌گیری کند، درحالی‌که در آیین‌نامه قبلی این دانشجو از ادامه تحصیل محروم و اخراج می‌شد.

شروط جدید جایگزین آزمون جامع دانشجویان دکتری

از ماده ۳۹ تا ۵۴ را هم باید ذیل بخش اختصاصی مقطع دکتری دانست. هرچند در عمل تا ماده ۵۰ مربوط به دانشجوی دکتری بوده و سه ماده دیگر به شرایط و نحوه تدوین شیوه‌نامه‌های اجرایی این آیین‌نامه تخصیص پیدا کرده است. به صورت کلی دو ماده جدید، ویژه دانشجویان دکتری قید شده است. از ماده ۳۹ این آیین‌نامه که عینا همان ماده ۲۸ آیین‌نامه قبلی است که طبق آن مدت مجاز تحصیل برای این مقطع حداقل شش و حداکثر هشت نیمسال اعلام شده که بگذریم، باید عنوان کرد ماده ۴۰ این آیین‌نامه با اضافه شدن یک تبصره تفاوت مهمی با ماده ۳۰ آیین‌نامه قبلی دارد. طبق این تبصره درصورتی‌که دانشجو به هر دلیل نتواند درس را بگذراند و درس هم دوباره از سوی دانشگاه ارائه نشود، می‌تواند با نظر گروه آموزشی، درس دیگری را جایگزین کند. البته نمره درس مردودی در ریز نمرات ثبت و در میانگین

ردیف	عنوان	ماده
۱	اعمال نمره‌های مردودی در میانگین نیمسال و کل دوره و امکان بلااثر شدن نمره یک درس مردودی در میانگین کل	ماده ۱۱
۲	اضافه شدن سقف مجاز مرخصی‌های بدون احتساب سنوات (مرخصی زایمان یک ترم در طول دوره و حداکثر چهار ترم پس از بارداری، حداکثر دو ترم برای مرخصی پزشکی و حداکثر دو ترم برای دیگر مصادیق مرخصی)	ماده ۹
۳	شاگردپروری شالکه اصلی آموزش کاردانی و کارشناسی شد	ماده ۲۲
٤	امکان حذف یک درس نظری با موافقت دانشگاه یک هفته قبل از شروع امتحانات پایان نیمسال	ماده ۱۸
٥	اضافه شدن جزئیات استفاده از مرخصی تحصیلی با احتساب در سنوات مجاز (یک ترم در کاردانی، تا دو ترم در دوره کارشناسی و یک ترم در ارشد)	ماده ۱۹ و ۲۷
٦	کاهش مدت مجاز افزایش زمان تحصیل کارشناسی ارشد به یک نیمسال	ماده ۲٦
۷	الزام دانشجویان تحصیلات تکمیلی به تعیین تکلیف پیشنهاده و رساله تا پیش از نیمسال سوم	ماده ۳۲ و ٤۳
۸	الزام گذراندن ۱۲ واحد جبرانی برای قبولی‌های ارشد در رشته یا گرایشی غیرمرتبط با رشته دوره کارشناسی	ماده ۳۳
۹	کسب میانگین کل حداقل ١٦ و احراز بسندگی زبان خارجی برای ورود به مرحله ارزیابی جامع دکتری	ماده ٤١
۱۰	اعمال سه جایگزین برای آزمون جامع دکتری	ماده ٤٤

نفرات برتر المپیاد دانشجویی برای معرفی به دانشگاه درخواست دهند

نفرات اول تا پانزدهم مرحله نهایی بیست‌وهشتمین المپیاد علمی دانشجویی کشور سال ۱۴۰۲ که اسامی آنان اعلام شده می‌توانند از هشتم تا هجدهم مهرماه برای معرفی به دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد درخواست دهند. اسامی برگزیدگان مرحله نهایی بیست‌وهشتمین المپیاد علمی- دانشجویی کشور سال ۱۴۰۲ در سایت سازمان سنجش آموزش کشور اعلام شد. دارندگان رتبه‌های اول تا پانزدهم می‌توانند با مراجعه به پایگاه اینترنتی مرکز المپیاد علمی دانشجویی کشور درخواست صدور گواهی خود را به صورت الکترونیکی ثبت کنند. نفرات اول تا پانزدهم مرحله نهایی بیست‌وهشتمین المپیاد علمی دانشجویی کشور سال ۱۴۰۲ که اسامی آنان در سایت مرکز المپیاد اعلام شده و در زمان ثبت‌نام حائز شرایط بوده‌اند، به‌منظور استفاده از آئین‌نامه‌های استعدادهای درخشان برای معرفی به دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد، لازم است درخواست خود را از تاریخ هشتم تا هجدهم مهرماه ۱۴۰۲ به آدرس پست الکترونیکی olympiad@sanjesh.org ارسال کنند.

فرصت انتخاب رشته در مرحله تکمیل ظرفیت آزمون دستیاری پزشکی

مرحله تکمیل ظرفیت در پنجاهمین دوره آزمون پذیرش دستیار تخصصی پزشکی از دیروز سوم مهرماه آغاز شد. ظرفیت پذیرش در این مرحله ۱۳۳۰ نفر در ۱۳ رشته تخصصی است.

مرکز سنجش آموزش پزشکی اعلام کرده است برای این دوره از آزمون دستیاری، مرحله تکمیل ظرفیت اجرا می‌شود و مرحله تکمیل ظرفیت در پنجاهمین دوره آزمون پذیرش دستیار تخصصی پزشکی از امروز سوم مهرماه آغاز شده است و داوطلبان واجد شرایط تا هفتم مهرماه می‌توانند انتخاب رشته کنند. آن دسته از داوطلبان پنجاهمین دوره آزمون پذیرش دستیار تخصصی که در مرحله اصلی مجاز به انتخاب رشته محل بوده و در اعلام نتایج مرحله اصلی مردود اعلام شده‌اند یا به هر دلیل موفق به انجام انتخاب رشته محل نشده‌اند، می‌توانند از ساعت ۱۰ صبح دوشنبه سوم مهرماه تا ساعت ۲۴ روز جمعه هفتم مهرماه ۱۴۰۲ با مراجعه به سایت مرکز سنجش آموزش پزشکی، انتخاب رشته کنند.

ادامه از صفحه ۴

سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

استفاده از تکنولوژی‌های روز دنیا کیفیت برگزاری بازی‌های آسیایی ۲۰۲۲ را ارتقا داد

۱۰ فناوری مسابقات آسیایی سبز و هوشمند

ندا اظهری
مترجم

بعد از کش‌وقوس‌های فراوان و به تعلیق درآمدن‌های مکرر، سرانجام نوزدهمین دوره بازی‌های آسیایی ۲۰۲۲ «هانگژو» چین از ۲۳ سپتامبر امسال آغاز به کار کرد که تا هشت اکتبر هم ادامه دارد. در این مسابقات بیش از ۱۲ هزار و ۵۰۰ ورزشکار شرکت کرده‌اند و ۴۵ کشور هم برای شرکت در ۴۰ رشته ورزشی به رقابت می‌پردازند. درست است که برای برگزاری مسابقات ورزشی از این دست در کشورهای مختلف، زیرساخت‌های مختلف باید مهیا باشد تا کشور میزبان بتواند به خوبی از عهده برگزاری آبرومندانه مسابقات برآید اما در این بین، نقش‌آفرینی فناوری‌های نوظهور را نمی‌توان دست‌کم گرفت که تا چه اندازه می‌تواند در تسهیل فرآیند برگزاری مسابقات تاثیر داشته باشد. با توجه به اینکه بازی‌های آسیایی ۲۰۲۳ به مسابقاتی «سبز» و «هوشمند» معروف شده، تعدادی از فناوری‌های نوین و به‌ویژه فناوری‌های دیجیتال را به خدمت گرفته تا چین میزبان بهتر و موفق‌تری برای این مسابقات باشد.

آتش‌بازی به سبک دیجیتال

یکی از نکات جالب افتتاحیه بازی‌های آسیایی ۲۰۲۲، اجرای مراسم آتش‌بازی دیجیتال و بدون دود بود که توجه بسیاری را به خود جلب کرد. در سال‌های اخیر، کشورهای دنیا راهکارهایی را برای مقابله با کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای ابداع کرده و اهدافی را برای به صفر رساندن یا به حداقل رساندن حجم گازهای گلخانه‌ای تولیدشده مشخص کرده‌اند که به پاک‌تر شدن هرچه بیشتر شهرهای مختلف دنیا کمک می‌کند. چین هم برای تداوم این مسیر ارزشمند، مراسم افتتاحیه مسابقات بازی‌های آسیایی را به شکلی متفاوت برگزار کرد به طوری که به رغم آتش‌بازی‌ای که در ورزشگاه مراسم افتتاحیه اجرا کرد، هیچ دودی تولید نکرد و تمام این فرآیند به صورت سه‌بعدی به اجرا درآمد. درواقع برگزارکنندگان این مراسم برای اجرای آتش‌بازی‌هایی که در مراسم افتتاحیه پخش شد، از فناوری دیجیتالی برای تولید شعله‌ها استفاده کردند و حتی فردی هم که مشعل مسابقات را حمل می‌کرد دیجیتالی بود و درواقع، بینندگان آتش‌بازی‌ای را از تلویزیون تماشا کردند که حاصل کار با هوش مصنوعی بوده است. همین استفاده نکردن از آتش واقعی و ایجاد دود در ورزشگاه نخستین گام چین برای هر چه سبزتر برگزار کردن این مسابقات بوده است.

افتتاحیه‌ای با نقش‌آفرینی فناوری سه‌بعدی

معمولا در مراسم افتتاحیه بازی‌ها و مسابقات ورزشی از حرکات نمایشی برای سرگرمی تماشاچیان و اجرای مراسم آغازین بازی‌ها استفاده می‌شود. در بازی‌های آسیایی ۲۰۲۳ برای نخستین بار از فناوری هدایت سیمی سه‌بعدی دوقلو برای انجام حرکات نمایشی استفاده شد. مرد و زنی که حرکات نمایشی را اجرا می‌کردند، با کمک سیم‌های سه‌بعدی که آنها را در فضا جابه‌جا می‌کرد، توانستند نمایش زیبایی را به واسطه تصاویر دیجیتالی و سه‌بعدی پخش‌شده در پس‌زمینه به اجرا درآورند. هر کدام از این بازیگران از جهات مختلف با چهار سیم دوقلوی سه‌بعدی هدایت می‌شد و امکان چرخش ۳۶۰ درجه‌ای را برای آنها فراهم می‌کرد. معمولا در انجام چنین حرکاتی از یک سیم هدایت‌کننده استفاده می‌شود که تنها قادر است فرد را به طور عمودی و در فضایی محدود بالا ببرد. اما این بار، در بازی‌های آسیایی، برای نخستین بار از سیم‌های دوقلوی سه‌بعدی استفاده شده که چرخش ۳۶۰ درجه را برای بازیگران این حرکات نمایشی تسهیل کرد به طوری که در فضایی با طول، عرض و ارتفاع یک اندازه، می‌توانستند در تمام جهات عمودی و افقی حرکت کنند تا بتوانند حرکات خود را به طور کامل و بدون نقص انجام دهند. علاوه‌بر این، تمام پس‌زمینه‌ای که دو بازیگر در فضای آن به اجرای نمایش پرداختند به صورت سه‌بعدی طراحی شده بود و مرتب سناریوی نمایش همزمان با اجرای حرکات نمایشی این دو بازیگر تغییر می‌کرد.

سایه‌بان‌های خودتمیزشو

از جمله فناوری‌هایی که در شهر هانگژو برای بازی‌های آسیایی مورد استفاده قرار گرفته، استفاده از سایه‌بان‌های مجهز به فناوری خودتمیزشوندگی است که در طول فرآیند برگزاری بازی‌ها، از تماشاچیان و بازیکنان در برابر بارش باران و وزش باد محافظت می‌کند. در این سایه‌بان‌ها از فناوری فوتوکاتالیست استفاده شده است که به‌رغم نشستن گردوغبار ناشی از باد و باران روی سطح سایه‌بان قادر است با توجه به قابلیت خودتمیزشوندگی‌ای که پیدا کرده، بدون نیاز به شست‌وشوی دستی، آنها را از بین برده و تمیز کند. این فناوری به‌طور موثر از دیواره بیرونی ساختمان محافظت می‌کند.

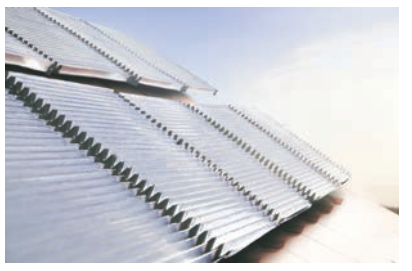

فناوری سیاه در زمین بیسبال

از دیگر فناوری‌هایی که در این بازی‌ها مورد استفاده قرار گرفته، فناوری سیاه در فضای داخلی زمین بیسبال است. مسابقات ورزشی الکترونیک از طریق پخش نمایشگرهای بزرگ ارائه می‌شوند. چگونگی استفاده بهینه از فناوری برای ایجاد تجربه‌ای منحصربه‌فرد برای مخاطبان به نکته مهمی در طراحی مرکز ورزش‌های الکترونیکی تبدیل شده است. برای اینکه مخاطبان هنگام تماشای بازی، تجربه‌ای فراگیر داشته باشند، طراحی تجربه بصری محل برگزاری بازی اهمیت بالایی دارد. دیوار سالن‌های ورزشی به‌طور الکترونیکی از پنل‌های آلومینیومی ریزمتخلخل بسیار پیشرفته با قابلیت جذب صدا ساخته شده‌اند. برای اینکه تماشاچیان بتوانند صداها را با کیفیت بالاتری بشنوند، قسمت بالایی با مشکی اسپری شده و ۱۹۲ نورافکن محیطی با قابلیت افزایش ارتفاع و چرخش ۳۶۰ درجه‌ای نصب شده است. در طول مسابقه هم می‌توان از چراغ‌های قرمز و آبی برای تشخیص اردوی تیم رقیب استفاده کرد. همچنین در فناوری سیاه از یک سیستم پلتفرم یکپارچه و جامع استفاده شده که ۱۵ سیستم هوشمند را ادغام می‌کند و به این واسطه می‌تواند نظارت یکپارچه‌ای را بر تجهیزات ساختمانی، شرایط محیطی، مصرف انرژی و سیستم‌های امنیتی انجام دهد. فناوری به‌کاررفته در این زمین‌های بازی، کل این فضا را به مغز تشبیه کرده و داده‌های مختلفی را پردازش و مدل‌های تصمیم‌گیری برای دستیابی به بهره‌برداری و مدیریت بهینه را ارائه می‌دهد.

مدیریت هوشمند مسابقات با کامپیوترهای صنعتی

در شرایطی چون برگزاری مسابقات مهم، کنترل موارد متعدد در فضا اهمیت بالایی دارد که گاهی به دلیل مشغله‌های متعدد، پشت گوش انداخته می‌شود یا به نحو احسن انجام نمی‌شود. کامپیوترهای صنعتی از دیگر فناوری‌هایی است که در خلال بازی‌های آسیایی در سیستم مدیریت هوشمند مورد استفاده قرار می‌گیرند. با اتصال سنسورها و سایر دستگاه‌ها، کامپیوترهای صنعتی می‌توانند پارامترهایی چون دما، رطوبت و کیفیت هوای محل برگزاری و نیز اطلاعاتی چون تعداد پرسنل و شرایط ایمنی را به‌طور همزمان کنترل کنند. این داده‌ها برای پردازش و تجزیه و تحلیل به سیستم کنترل مرکزی منتقل می‌شود تا مدیریت و بهره‌برداری هوشمندانه مکان‌ها را فراهم کرده و کارایی و ایمنی رقابت را بهبود بخشد.

اتوبوس‌های خودران در خدمت شرکت‌کنندگان

با توجه به وسعت ورزشگاه بیسبال و سافت‌بال، در طول بازی‌های آسیایی، اتوبوس‌های خودران مجهز به فناوری‌های پیشرفته مانند رادار با امواج میلی‌متری، لیدار، دوربین‌های بصری و رادار اولتراسونیک راه‌اندازی شده‌اند. اتوبوس‌های خودران Xiaoyu از جمله نمونه‌های سیستم‌های هوشمند حمل‌ونقلی است که به تردد راحت‌تر بازیکنان و تماشاچیان در سطح شهر کمک می‌کند. این اتوبوس‌ها در صحنه‌های ترافیک‌های پیچیده همواره با ثبات و دقت بالایی حرکت می‌کنند. این سیستم‌های بدون راننده مجهز به رایانه‌های صنعتی در قالب اتوبوس، اتومبیل‌های گشت، وانت و وسایل نقلیه لجستیک ایمن هستند. رانندگی خودکار یکی از سناریوهای آینده جامعه هوشمند است که استفاده از این سیستم حمل‌ونقل هوشمند مانند طرحی آزمایشی عمل کرده و قرار است بعد از پایان مسابقات، در ورزشگاه‌های بیسبال و سافت‌بال مورد استفاده قرار گیرند.

هوشمندی بیشتر با شبکه پیشرفته 5G

در کنار سایر فناوری‌های نوینی که در بازی‌های آسیایی مورد استفاده قرار گرفته، از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته مانند شبکه پیشرفته 5G (همان شبکه ۵٫۵ گیگ) و زیرساخت‌های غیرفعال اینترنت اشیاء هم استفاده شده تا بار هوشمند بودن این بازی‌ها بیشتر شود. سرعت شبکه پیشرفته 5G در مقایسه با شبکه 5G استاندارد ۱۰ برابر بالاتر است که درحال حاضر در بازی‌های آسیایی هانگژو، در وسایل نقلیه هوشمند مجهز به اینترنت، عملیات‌های مکانی هوشمند و سایر سناریوهای بازی‌ها درحال استفاده است. نخستین بار از این شبکه پیشرفته ۱۰ گیگابایتی 5G در امتداد مسیر اتصال مرکز ورزشی المپیک هانگژو و دهکده بازی‌های آسیایی نصب شده است. این شبکه برای پیش‌بینی و نظارت بر تجهیزات شبکه در مکان‌های کلیدی برگزاری مسابقات در زمان واقعی استفاده می‌شود که امکان ارزیابی فعال و پاسخ دادن سریع به هر مشکلی را فراهم می‌کند. برقراری چنین شبکه‌ای در خلال این بازی‌های حساس انقلاب و تحولی را در زمینه شبکه‌های ارتباطی اینترنتی ایجاد می‌کند که زمینه را برای برقراری شبکه 6G فراهم خواهد کرد.

پای اینترنت اشیاء به مسابقات باز شد

اینترنت اشیاء فناوری ارتباطی دیگری است که به‌ویژه در سال‌های اخیر در کنترل از راه دور و هوشمند شرایط محیطی کمک بسیار زیادی کرده است. از این فناوری به‌طور گسترده برای دستیابی به مدیریت هوشمند در بازی‌های آسیایی استفاده شده است. به‌عنوان مثال در مرکز ورزشی هانگژو از برچسب‌های اینترنت اشیاء (IoT) غیرفعال در کابین بازیکنان برای نظارت بر دما و رطوبت محیطی استفاده شده است. این فناوری همچنین در دهکده بازی‌های آسیایی برای تسهیل ردیابی خودروهای لجستیک و مدیریت انبارها به کار می‌رود. این برچسب‌ها همچنین به مدیریت موجودی دارایی انبارها کمک می‌کند و امکان نظارت بر دارایی‌های ارزشمند مانند وسایل نقلیه و دوچرخه‌های برقی را برای جلوگیری از سرقت فراهم می‌کنند.

برگزاری پاک مسابقات با کمک انرژی‌های تجدیدپذیر

در تمام مکان‌های برگزاری بازی‌های آسیایی ۲۰۲۳ از انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده شده و به این ترتیب، این بازی‌ها نخستین میزبان بازی‌های آسیایی با هدف خنثی کردن تولید کربن لقب گرفته است. استفاده منابع تولید برق شامل نیروی فوتوولتائیک منتقل‌شده از مناطق خاصی از چین و نیز استفاده از نیروی باد می‌تواند جزء کاربردهای انرژی‌های تجدیدپذیر باشد. اصطلاح «الکتریسیته سبز» به تولید برقی اطلاق می‌شود که دی‌اکسیدکربن کمی منتشر می‌کند یا اصلا تولید نمی‌کند. مدیر بخش ساخت و مدیریت محل برگزاری بازی‌های هانگژو اعلام کرده است که انرژی سبز ۲۲۰ میلیون کیلووات ساعت را تشکیل می‌دهد و براساس برنامه فعلی توانسته انتشار CO_2 را به میزان ۱۱۵ هزار و ۴۰۰ تن کاهش دهد. همچنین استفاده از خودروهای برقی در فرآیند برگزاری مسابقات هم به کاهش تولید CO_2 کمک می‌کند. برای سهولت شارژ خودروهای برقی، قریب ۲۰۲۴ پورت شارژ مخصوص خودروهای برقی در دهکده بازی‌های آسیایی نصب شده است. محققان از ماه‌ها پیش از شروع مسابقات، پلتفرمی طراحی کرده بودند که می‌تواند میزان انتشار کربن را به‌طور خودکار در مکان‌های برگزاری مسابقات، در سیستم‌های حمل‌ونقل و... محاسبه کند. علاوه‌بر این به منظور انجام روش‌های سازگار با محیط زیست افراد در دهکده بازی‌های آسیایی اغلب با دوچرخه تردد کرده و اقدام به بازیافت بسته‌بندی‌ها و بطری‌ها می‌کنند. همچنین با عدم استفاده از کیسه‌های پلاستیکی امتیاز دریافت می‌کنند.

خیاط دیجیتال بازی‌های آسیایی

در تمام بازی‌های بین‌المللی، لباس ورزشکاران و شرکت‌کنندگان علاوه‌بر اینکه هویتی از کشور آنها را به نمایش در می‌آورد، زیبایی خاصی را به بازی‌ها می‌بخشد. طراحی و فرآیند تولید لباس تشریفاتی نوزدهمین دوره بازی‌های آسیایی هانگژو که توسط شرکت «بویا مد» تولید شده، به‌شدت تحت تاثیر دیجیتالی شدن شهر میزبان قرار گرفته است. در این بازه زمان، بیش از ۸۰۰ لباس تشریفاتی و بیش از ۳۰۰ لباس فرم و نیز بیش از ۲۰ هزار ست لباس برای داوطلبان تولید شده است. کاربرد تکنیک‌های دیجیتالی و خدمات سفارشی‌سازی شده و پاسخگویی سریع به خواسته‌های شخصی‌شده بازی‌ها، اصلی‌ترین مواردی است که به برجسته شدن تولیدات این شرکت کمک کرده است. این شرکت از سال ۲۰۱۴ فناوری‌های دیجیتالی را در طراحی‌های خود استفاده کرده است و توانسته بازارهای اروپایی و آمریکای جنوبی را در اختیار بگیرد. آنها سیستم خیاطی دیجیتالی را برای سفارشی‌سازی لباس‌های شخصی‌سازی بهبود می‌بخشند تا بتوانند اولویت‌ها، تیپ‌ها و استایل‌های مختلف فردی را از طریق طرح‌های نوآورانه متمایز کنند. در این مسیر از افکت‌های سه‌بعدی استفاده می‌شود. تکنیک‌های دیجیتال نقش حیاتی در تولید لباس‌های تشریفاتی، به‌ویژه در طراحی و خیاطی ایفا کرده است چراکه باید اطمینان حاصل کرد که لباس‌ها و یونیفرم‌ها می‌توانند کاملا متناسب با فرم‌های مختلف بدن افراد باشند.

سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

تعداد مهاجران ثبت‌نشده افغانستانی زیاد است، هیچ برنامه‌ای برای آنها در ایران نداریم

مهمان‌های مامان

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقدروز

چند روزی می‌شود که فیلمی از ورود مهاجران غیرقانونی افغانستانی به کشورمان و ترافیک بالای ماشین‌های حامل آنها درحال وایرال شدن است. پیش از شروع جنگ روسیه و اوکراین بحرانی در میان لهستان و بلاروس شکل گرفته بود. لهستان در این چالش بلاروس را متهم کرده بود که مهاجران عراقی و سوری را لب مرز رها کرده و آنها را به ابزار تهدید سایر کشورهای اروپایی تبدیل کرده است. یک ماه تمام اروپا درگیر این مساله بود. تمام جمعیت مهاجرانی که سیستم امنیتی اروپا را درگیر کرده بودند تنها چهارهزار و ۶۰۰ نفر بودند. این درحالی است که آمارهای غیررسمی می‌گویند روزانه نزدیک به چهارهزار مهاجر غیرقانونی افغانستانی وارد کشورمان می‌شوند. اما چه اتفاقی می‌افتد که روزانه ورود چهارهزار مهاجر افغانستانی را مانند لهستان تهدید نمی‌بینیم و چه اقداماتی لازم است که تهدید حضور غیرقانونی مهاجران را به فرصت تبدیل کنیم؟

ما در منطقه‌ای حضور داریم که مهاجرخیز است. در تمام دنیا برخی مناطق مانند آمریکای لاتین، آفریقا و خاورمیانه به‌شدت مهاجرفرست هستند. افغانستان، پاکستان، ایران، سوریه و عراق همه مهاجرفرستند. در این بین به دلایلی مانند عدم دسترسی به اروپا، مهاجران باید از لایه‌های مختلفی عبور کنند تا به کشورهای پیشرفته برسند. بسیاری از آنان توان چندبار مهاجرت را ندارند، برای همین تنها در یک‌مرحله مهاجرت می‌کنند. محمدرسول رستمی، مدیر اندیشکده‌ای در حوزه مهاجرت با نام «دیاران» است. این اندیشکده سال گذشته برای ۱۹ هزار فرزند مادر ایرانی توانسته شناسنامه ایرانی دریافت کند. او درباره حضور مهاجران افغانستانی در کشورمان معتقد است آنها اکثرا به دو کشور پاکستان و ایران و سوری‌ها بیشتر به کشور ترکیه مهاجرت می‌کنند. «به‌تعبیری، شانس خوب ترکیه این است که هم‌مرز اروپاست و هروقت دلش بخواهد می‌تواند از مهاجران به‌عنوان یک ابزار قدرت علیه اروپا استفاده کند و به‌نوعی باج بگیرد. نزدیک به پنج تا شش‌میلیون مهاجر سوری، افغانستانی و سایر کشورها در ترکیه حضور دارند و این موضوع برای اروپا خطر همیشگی به‌حساب می‌آید. می‌دانیم اروپا چند لایه مرز دارد. یک‌لایه‌اش کشورهایی است که خارج از مرزهای اروپاست، مانند ترکیه و یک لایه دیگر کشورهای خود حوزه اروپا هستند. اما ایران متاسفانه چنین وضعیتی ندارد. عمدتا فارسی‌زبان‌های افغانستانی به ایران و پشتون‌ها به پاکستان مهاجرت می‌کنند. از سال ۵۸ که حکومت شوروی در افغانستان و به‌نفع حکومت کمونیستی افغانستان مداخله کرد، اولین‌بار سیل مهاجرتی را از سوی افغانستان به ایران شاهد بودیم. نگاه سیاستمداران ما در دهه ۶۰ سیاست درهای باز بود و پذیرای نزدیک به یک‌میلیون افغانستانی بودیم. موج دوم با حضور طالبان در ابتدای دهه ۷۰ اتفاق افتاد و دوباره ما شاهد یک هجوم جمعیت از افغانستان به‌سمت ایران بودیم. موج سوم مهاجرتی نیز در حمله آمریکا به افغانستان در ابتدای دهه ۸۰ رخ داد و آخرین موج مهاجرتی که از قضا در این سال‌ها بسیار طولانی بود پس از برقراری و استقرار حکومت طالبان از نیمه اول سال ۱۴۰۰ است. در این موج تا سال گذشته نزدیک به یک تا ۱٫۵ میلیون مهاجر افغانستانی وارد کشورمان شدند و تقریبا چنین تعدادی هم به پاکستان مهاجرت کردند.»

آمار حضور افغانستانی‌ها همیشه صعودی بوده است

سیاستی که در کشورمان در رابطه با مهاجران افغانستانی حاکم است، این‌طور است که ما نتوانسته‌ایم موج مهاجرتی قبلی را هضم کنیم. رستمی برای این مساله، مهاجرت روستا به شهر را مثال می‌زند و می‌گوید که وقتی یک فرهنگ روستایی بخواهد در فرهنگ شهری ادغام شود، ۴۰ سال زمان نیاز دارد: «ما هربار که موج مهاجرتی داشتیم، از فرصت پس از آن موج برای ادغام و ساماندهی مهاجران در کشورمان استفاده نکردیم. به‌جز سیاست اخراج که از انتهای دهه ۶۰ تا ابتدای دهه ۷۰ حاکم بود، حتی هیچ سیاست مشخصی در قبال‌شان نداشتیم. از ابتدای ورود مهاجران افغانستانی تا سال ۶۷ سیاست درهای باز را در برخورد با آنان داشتیم و حضرت امام نیز این سیاست درهای باز را تایید می‌کرد. پس از آن در زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی ما در مواجهه با خود خانواده‌های ایرانی سیاست فرزند کمتر زندگی بهتر را داشتیم و سیستم به این نتیجه رسید که خانواده‌های ایرانی را هم کنترل کند. بنابراین سیاست درهای باز به سیاست بازگشت تغییر کرد. از ابتدای دهه ۷۰ هرسال تعداد بسیاری از مهاجران را به‌ناچار اخراج می‌کردیم اما هیچ وقت آمار حضور افغانستانی‌ها در ایران کاهشی نبوده، یعنی اگر آمار حضور افغانستانی‌ها در ایران را بررسی کنیم، می‌بینیم از دهه ۶۰ تا ابتدای دهه ۹۰ همواره صعودی بوده است. به‌جز سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ که قیمت دلار در کشورمان نوسان داشته و از طرف دیگر در افغانستان دولت مستقر می‌شود و بهبود اقتصادی داشته‌اند، هیچ وقت مهاجرت معکوسی از ایران به افغانستان صورت نگرفته است. بعد از گذشت آن سال‌ها، دوباره موج مهاجرت افزایشی بوده است. در موج اخیر مهاجرتی به ایران که در تابستان ۱۴۰۰ بود بالغ بر ۱۰ هزار نفر به‌صورت غیرقانونی وارد کشورمان شده‌اند، البته این افراد به‌عنوان جنگ‌زده وارد ایران شده‌اند و به‌صورت حقوق بشری ایران اجازه جلوگیری از ورودشان را نداشته است.»

همیشه مهاجران افغانستانی را بیگانه دانسته‌ایم

در این مدت سیاست غیرعملیاتی اخراج به‌جای سیاست عملیاتی ادغام اعمال شده است. در تمام مدت تلاش فعالان حوزه مهاجرت این بوده که به مسئولان سیاستگذار بفهمانند درطول این سال‌ها، امکان ادغام این جامعه با جامعه ایرانی وجود داشته است. رستمی در این باره معتقد است هنگامی که آلمان پس از جنگ جهانی دوم با بحران نیروی کار مواجه شد، درمیان همسایگان به‌دنبال کشورهای مهاجرفرست رفت و در این میان ترکیه شاید تنها کشوری بود که به داد آلمان و نیروی کار نداشته‌اش رسید. «ترکیه مهاجران خود را -با وجود اینکه دین، مذهب، نژاد، فرهنگ و تاریخ یکسانی نداشتند- به آلمان فرستاد و آلمان پس از یک تا چند دهه توانست مهاجران را با جامعه‌اش ادغام کند اما کشوری مانند افغانستان که بخشی از شهر هراتش زمانی مال ما بود، زبان یکسانی با ما دارد، همچنین ما با هزاره‌ها دین و مذهبی یکسان داریم و درنهایت یگانگی فرهنگی؛ ما همچنان نتوانسته‌ایم آنها را هضم و ادغام کنیم. بسیاری از نسل‌های چهارم که دهه نودی هستند، نه‌تنها پدران‌شان، بلکه پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایشان هم افغانستان را ندیده‌اند. چگونه ممکن است ما اینها را ایرانی ندانیم؟ چراکه براساس بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی این افراد ایرانی هستند و باید براساس قانون شناسنامه ایرانی به آنها تعلق بگیرد. وقتی روح اخراج بر دستورالعمل‌ها و قوانین‌مان حاکم بوده، اجازه اعمال قانون را به ما نمی‌داد. ما همیشه مهاجران افغانستانی را بیگانه می‌دانستیم و به کسی که در کشورمان به دنیا آمده، زندگی و ازدواج کرده، اتباع خارجی می‌گفتیم. قطعا من مخالف این شکل از حضور افغانستانی‌ها و با این اندازه هستم. تمام افرادی که قصد دارند به‌طور تخصصی و قانونی وارد یک کشور شوند، این اصل را قبول دارند که جامعه میزبان باید ظرفیت‌های لازم را داشته باشد. جامعه ما ظرفیت پذیرش هفت میلیون مهاجر را ندارد.»

اتفاق خوب و سرشماری سال گذشته مهاجران

البته در جریان حضور مهاجران افغانستانی، یک اتفاق خوب نیز رخ داده است. سال گذشته پس از موج اخیر حضور مهاجران، آنها از سوی دولت سرشماری شدند. این یعنی دولت پذیرفت که حضور این تعداد از مهاجران غیرقانونی، بار و تبعات منفی خاص خود را دارد. رستمی، فعال حوزه مهاجران می‌گوید پذیرش این مساله، دولت را مجاب به سرشماری مهاجران کرده است. براساس سرشماری صورت‌گرفته ۴٫۵ میلیون مهاجر در کشورمان حضور دارند. هرکس در سرشماری شرکت کرد، به‌عنوان مهاجر قانونی پذیرفته شد: «دولت معتقد است که برخی مهاجران در این سرشماری شرکت نکرده‌اند. البته در ماه‌های اخیر ما همچنان شاهد ورود غیرقانونی به کشورمان هستیم. طبق برخی آمار بین شش تا هفت‌میلیون مهاجر در کشورمان حضور دارند که ۴٫۵ میلیون‌شان قانونی و مابقی غیرقانونی هستند. البته مهاجران قانونی نیز فرمالیته قانونی هستند و خدمات خاصی به آنان ارائه نمی‌شود. مشکل اساسی در این مساله است که ما سیاست ادغام را پیش‌نگرفته‌ایم. درحالی‌که طبق آمار هرسال به ورودی‌هایمان افزوده شده است. حتی سال گذشته رکورد اخراج را با اخراج بیش از ۷۵۰ هزار مهاجر غیرقانونی از کشورمان شکستیم و این در مقایسه با کشورهای اروپایی عدد بسیار عجیبی است. ۷۵۰ هزار مهاجر غیرقانونی را اخراج می‌کنیم اما همچنان آمار مهاجر غیرقانونی در کشورمان بالاست و این به آن معناست که عدد ورود به کشورمان بیش از ۷۵۰ هزار مهاجر غیرقانونی است و نمودار همچنان رو به صعود است.»

۱۸ میلیون از مرز تا تهران

رستمی معتقد است ۳۰ سال درحال اخراج مهاجران بوده‌ایم اما درمیان آنها افرادی هستند که ۱۲، ۱۳ بار ورود غیرقانونی به ایران داشته‌اند و این یعنی سیاست اخراج دربرابر این مهاجران پاسخگو نبوده است. عدم امکان اعمال این سیاست به‌نظر او دو حالت دارد؛ عملیاتی نمی‌شود یا افرادی که باید اجرا کنند، از اجرای آن سر باز می‌زنند. به‌نظر من بیشتر حالت دوم است. ما شوتی‌هایی را در مرز داریم که سیستم پرنفوذی برای خودشان ایجاد کرده‌اند و هر افغانستانی که از مرز قصد سفر به تهران را دارد، نزدیک به ۱۸ میلیون تومان باید هزینه کند و هر مقصد قیمت و هزینه خاص خودش را دارد. این وضعیت در مرز اقتصاد مخصوص به خودش را به‌راه انداخته و بعضی از افراد که در مساله ذی‌نفع هستند، از چرخش این پول‌ها بدشان نمی‌آید. این فعال حوزه مهاجران می‌گوید: «من معتقدم که می‌توانیم مانند کشورهای دیگر، مهاجران را دسته‌بندی کنیم؛ مثلا کسی که در کشورمان به‌دنیا آمده، با فرهنگ ما عجین‌تر است و باید نگاه دیگری به این افراد داشته باشیم. باید بتوانیم میان افرادی که در کشورمان دکتری می‌خوانند، شاعر یا ادیب هستند با کسی که تازه وارد شده تفاوتی در دسته‌بندی قائل باشیم. یک دسته‌بندی دیگر نیز وجود دارد که مثلا براساس زبان این افراد را دسته‌بندی کنیم. کسی که زبان فارسی بلد است نسبت به کسی که پشتون است، راحت‌تر می‌تواند با جامعه ما ادغام شود. البته من دسته‌بندی اخیر را انسانی نمی‌دانم اما منطقی است کسی که چند دهه در ایران زندگی کرده و فرزندانش را در ایران به‌دنیا آورده اقتضائات و اولویتش را نسبت به فرد تازه‌وارد درنظر بگیریم. اما متاسفانه میان یک کارگر مهاجر با سطح اجتماعی متوسط و یک استاد دانشگاه، پزشک و مهندس با سطح اجتماعی بالا در نگاه‌مان هیچ تفاوتی قائل نیستیم. ما به هر دو دسته از مهاجران نیازمندیم، البته به دسته دوم و دسته‌بندی براساس خدمات و جایگاه افراد نیاز بیشتری داریم. من این مساله را می‌پذیرم که در دسته‌بندی مهاجران اخیر باید سیاست ویژه‌تری اعمال شود.»

درحال حاضر افغانستان دچار بحران امنیتی است و یک کشور جنگ‌زده به شمار می‌آید. یکی از بحران‌های دیگر در این کشور بحران محیط‌زیست است. ۷۰ درصد افغانستان روستانشین هستند و بحران زیست‌محیطی، چالشی جدی برای کشاورزان افغانستانی محسوب می‌شود؛ چراکه کشاورزان افغانستانی به‌جز امرار معاش از طریق کشاورزی، سبک زندگی‌شان نیز وابسته به کشاورزی است. رستمی معتقد است تا زمانی که افغانستان با چنین بحران‌هایی همراه است، دولت‌های ایرانی نمی‌توانند سیاست اخراج را به این نحو درپیش بگیرند. باید شرایطی در افغانستان حاکم شود که زمینه ورودشان به ایران کاهش پیدا کند و پس از آن می‌توان سیاست اخراج را درپیش گرفت. متاسفانه این گزاره در ذهن سیاستگذاران وجود دارد که عدم ارائه خدمات به مهاجران، چراغ‌قرمز نشان دادن برای ورود افغانستانی‌هاست. عکس این گزاره نیز وجود دارد که اگر خدمات ارائه دهیم، به‌معنی چراغ سبز برای حضور افغانستانی‌هاست. اما واقعیت این است که وضعیت در افغانستان به‌حدی بحرانی است که اگر هیچ خدماتی ارائه نشود، باز هم افغانستانی‌ها ایران را به کشورشان ترجیح می‌دهند.

> درحال‌حاضر افغانستان دچار بحران امنیتی است و یک کشور جنگ‌زده به شمار می‌آید. یکی از بحران‌های دیگر در این کشور بحران محیط‌زیست است. ۷۰ درصد افغانستان روستانشین هستند و بحران زیست‌محیطی، چالشی جدی برای کشاورزان افغانستانی محسوب می‌شود؛ چراکه کشاورزان افغانستانی به‌جز امرار معاش از طریق کشاورزی، سبک زندگی‌شان نیز وابسته به کشاورزی است. رستمی معتقد است تا زمانی که افغانستان با چنین بحران‌هایی همراه است، دولت‌های ایرانی نمی‌توانند سیاست اخراج را به این نحو درپیش بگیرند

بازهم حس خوب یکی شدن

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

مدال‌های امسال ایران در بازی‌های آسیایی هانگژو، یک جور دیگر به دل می‌نشیند، آن‌هم وقتی که اولین مدال ایران در این بازی‌ها به دست بانوان قایقران ایرانی کسب شد و ایران با مدال بانوان خود وارد جدول مدال‌ها شد. این تنها اتفاق شگفت‌انگیزی نبود که در بازی‌های آسیایی امسال اتفاق افتاد. اولین مدال تاریخ دوچرخه‌سواری زنان و کسب مدال تنیس روی میز مردان آن‌هم بعد از ۶۵ سال، جزء اولین‌های شیرین بازی‌های آسیایی هانگژو تا الان بودند. سال گذشته و در جریان اتفاقاتی که رخ داد ورزش کشور نیز دستاویز بهره‌برداری‌های رسانه‌های معاند قرار گرفت، برخوردهایی که دقیقا امر ملی را نشانه گرفته بود. از یک طرف با کاروبژه منزوی کردن ایران، تلاش می‌کردند تیم‌های ایرانی از کارزارهای ورزشی بین‌المللی حذف شوند و گام بعد، اعمال فشار به ورزشکاران تیم ملی بود که تلاش می‌شد، با فشار وارد کردن به ورزشکاران آنها را به خروج از تیم ملی ایران دعوت کنند. در این بین نیز هیچ موضوع کوچک و حاشیه‌ای نبود که به دست این رسانه‌ها ضریب پیدا نکند و تبدیل به موضوعی بزرگ نشود تا هم روی اعصاب مردم برود و هم روان ورزشکاران را به‌هم بریزد. ضربه به امرملی و افتخار جمعی، نقطه هدف این رسانه‌ها بود. ورزش در شرایطی که اوضاع کشور دچار التهاب شده بود و دوقطبی‌سازی در آن تشدید شده بود، می‌توانست وسیله خوبی برای اجماع‌سازی میان جامعه ایرانی بشود. با همین نگاه بود که نوک حمله رسانه‌های معاند به ورزشکاران و مسابقات ورزشی و تلاش برای عدم حضور ایران در این مسابقات متمرکز شده بود، طبعا به دنبال آن نیز پیروزی در این کارزارها، می‌توانست حس امید در جامعه ایجاد کند که نقطه مقابل چیزی بود که کشور در آن روزها تجربه می‌کرد. حالا و با گذشت یک‌سال از اتفاقات سال گذشته و درحالی‌که فراخوان‌ها برای سالگرد اتفاقات با شکست جدی همراه شد، می‌توانیم بگوییم روزهای شیرینی از ورزش ملی ایران را تجربه می‌کنیم، روزهایی که دوباره همچون گذشته همگی با شکست حسن یزدانی در کشتی غمگین می‌شویم، با پیروزی زارع احساس غرور می‌کنیم و هرچه از غم و شادی هست را با هم قسمت می‌کنیم. اولین مدال ایران در بازی‌های آسیایی هانگژو آن‌هم توسط خانم‌ها به شیرینی این حس ملی اضافه کرد. تصویر این پیروزی را می‌شود مقابل اخباری قرار داد که تلاش می‌کرد با خبر سفر اولین فضانورد زنی که در ناسا کار می‌کرد و اصالتی ایرانی داشت، این احساس را ایجاد کند که زنان در ایران نه امکان پیشرفت و رشد دارند و نه حتی کورسویی از امید برای پیشرفت دیده می‌شود. تصویری که مهم نبود واقعی است یا ساخته شده اما سعی داشت بعد از اتفاقات سال گذشته، به زنان ایرانی این تصویر را نشان دهد که برخلاف وجود استعداد در بانوان ایرانی، به آنها اجازه پیشرفت داده نمی‌شود. حال مدال‌آوری‌ها در عرصه‌های مختلف ورزشی توسط بانوان ایرانی را می‌توان خنثی‌کننده این اخبار دانست. مسابقات ورزشی امسال و پیروزی‌های به‌دست‌آمده در این کارزار، شیرینی دوچندان دارد و علاوه‌بر اولین‌های مدال‌آوری خانم‌ها در این بازی‌ها، جامعه ایرانی این بار با لذت و شوق بیشتری، مسابقات ورزشی را دنبال می‌کند و حس خوب یکی شدن، یک ملت شدن و غرور و افتخار را بعد از گذر از التهابات جامعه بیشتر از گذشته احساس می‌کند.

سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

تداوم اقدام عربستان و امارات علیه جزایر سه‌گانه منطقه را به بی‌ثباتی سوق می‌دهد

سناریوی خطرناک حاشیه‌نشین‌ها

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

روابط ایران و امارات بر سر «جزایر سه‌گانه» همواره تحت‌تاثیر مشکلات موجود مابین ایران با قدرت‌های عرب (مصر، عراق و عربستان سعودی) و غربی (انگلیس و آمریکا) بوده است با این وجود به مرور و با روند تکثر قدرت و آزادی عمل افزایش‌یافته کشورها، امارات خود نیز به این بازی کشانده شده است. همراهی چین، روسیه، ژاپن و آمریکا در پای بیانیه‌هایی که به طور مشترک با کشورهای عربی، به موضوع جزایر سه‌گانه پرداخته‌اند، به معنای تلاش پکن، مسکو، توکیو و آمریکا برای تغییرات مرزی در خلیج‌فارس نیست، اما این رویکرد، بیانگر نقش‌آفرینی ویژه عربستان سعودی و امارات در تحولات جدید دارد.

در شرایط کنونی و با تضعیف کشورهای داعیه‌دار رهبری جهان عرب شامل مصر، عراق، سوریه و الجزایر، رهبری این جهان تقریبا برعهده عربستان سعودی قرار دارد. ریاض نه به جهت استعدادش در سیاست خارجی که بیشتر به واسطه توان اقتصادی، موقعیت جغرافیایی و میل به ماجراجویی‌اش پیش افتاده است. سعودی‌ها یک دهه پیش و در ماجرای موسوم به بهار عربی نیز در صف اول برای سرنگونی حکومت بشار اسد در سوریه قرار داشتند اما به مرور از صحنه حذف شدند تا بدانند جایگاه واقعی‌شان در تحولات منطقه‌ای کجاست. در چنین صحنه‌ای، اماراتی‌ها تلاش دارند با وجود بازیگری برمبنای طرح سعودی، به اهداف خود نیز دست پیدا کنند.

ایران البته در برابر این تلاش‌ها سکوت نکرده است و جدا از اظهارنظرهای مقامات سیاسی و نظامی، دست به برگزاری رزمایش در خلیج‌فارس نیز زده است. یکی از جدی‌ترین هشدارها نسبت به ماجراجویی ریاض و ابوظبی درباره جزایر ایرانی از سوی علی‌اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل، اتخاذ شد. او با این جمله که «جمهوری اسلامی ایران خواهان نزاع و تنش با همسایگانش نیست» ادامه ادعاهای امارات در مورد جزایر سه‌گانه را منجر به «بی‌ثبات» شدن منطقه خواند و گفت که ایران اجازه عملی شدن «ادعاهای باطل» درخصوص خلیج‌فارس را هرگز نخواهد داد. او البته به نقش غرب در این ماجرا نیز اشاره کرد و به آنها نصیحت کرد که «دست از تحریک و تنش‌زایی در منطقه حساس و خطیری چون خلیج‌فارس بردارند.»

درخصوص تحولات جدید پیرامون جزایر سه‌گانه نکاتی وجود دارد:

۱. در دهه‌های اخیر به مرور از ابزارهای لازم برای مهار ایران کاسته شده است. رژیم صدام که از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ درحال جنگ با ایران بود نه خود وجود دارد و نه عامل نیابتی دیگری برای جنگ با تهران یافت می‌شود. به لحاظ بهره‌گیری از تهدید و فشار نظامی نیز دیگر فضایی که در طول سه دهه ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ در منطقه وجود داشت، نیست و غرب نمی‌تواند تحرک موثری نشان دهد. اگر قرار بر ایجاد ائتلاف منطقه‌ای علیه ایران بود، عراق که زمانی اصلی‌ترین دولت و عامل نیابتی غرب و اعراب علیه ایران بود به متحد تهران بدل شده است. یمن نیز که زمانی نیرو و تسلیحات برای مبارزه با ایران ارسال می‌کرد، درحال حاضر تبدیل به متحد تهران شده است. قدرت نظامی آمریکا که برای دهه‌ها به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برابر ایران عمل می‌کرد در حال حاضر کم‌اثر شده و تهران نه‌تنها وقعی به خطوط قرمز واشنگتن نمی‌گذارد که صراحتا اعلام می‌کند به دنبال اخراج آمریکا از منطقه است. با از دست رفتن ابزارها و نقاط مقابله با ایران، اعراب به دنبال حفظ و تقویت نقاط باقی‌مانده‌اند. در فقدان ابزارها و امکان‌های اعمال فشار علیه ایران، غرب و اعراب به دنبال استفاده بیشینه از ابزارهای باقی‌مانده هستند.

۲. کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس تا پیش از این تقریبا روابط امنیتی-نظامی سطح بالای انحصاری با آمریکا داشتند و در قالب دیدارهای مشترک با این کشور درباره جزایر سه‌گانه موضع‌گیری می‌کردند. حالا اما اعراب در قالب اتحادیه عرب و ساختار کوچک‌تری با نام شورای همکاری خلیج‌فارس، با دیگر قدرت‌های جهانی همکاری‌های بیشتری تعریف کرده و در دیدارهای خود موضوع جزایر سه‌گانه را نیز می‌گنجانند. به عبارت دیگر کشیده شدن موضوع جزایر سه‌گانه به روابط عربی با چین، روسیه و ژاپن به معنای اقدام جدی اعراب در این خصوص نیست، بلکه پیامد طبیعی خروج روابط بین‌المللی آنها از انحصار رابطه با آمریکاست.

اماراتی‌ها با شناخت این روند یا بدون شناخت آن، نسبت به بروز این پدیده ذوق‌زده شده و نسبت به امتحان شانس خود در این خصوص طمع کرده‌اند. امارات به دنبال بهره‌گیری از وقوع روند تکثر قدرت و چندجانبه‌گرایی در جهان است که روابط عربی را از قید «فقط آمریکا» رهانده است، بدون آنکه مضرات آن را بشناسد.

بیانیه‌های امارات با کشورهای دیگر صرفا «تعددآفرین» است نه «تحول‌آفرین». اگر قرار بر تحول‌آفرینی بود ائتلاف آمریکا و اعراب خلیج‌فارس -در گذشته که فاصله قدرت زیادی با ایران داشتند- بهتر و بیشتر می‌توانستند راهگشای امارات باشند. آمریکا در جهان تک‌قطبی بیشتر آماده اقدام عملی درخصوص جزایر بود، درحالی که در شرایط فعلی و با ظهور ایران به‌عنوان یک مدعی در نظام درحال گذار و شکل‌گیری، نمی‌توان از کشورهایی مانند روسیه، چین و ژاپن توقع حرکت علیه ایران را داشت.

به‌عنوان یک نمونه، امروزه ژاپن با رها شدن جهان از قید و بند سلطه آمریکا ناچار از افزایش قدرت خود شده و می‌داند باید خود به مقابله با تهدیدات کره شمالی رفته و در سایه کاهش نیروهای واشنگتن در خلیج‌فارس، مستقیما در روند تامین امنیت خطوط انتقال انرژی جهان مشارکت کند. به همین دلیل نیز توکیو بر شدت نظامی‌گری خود افزوده و بودجه نظامی‌اش از ۵٫۴ تریلیون ین را به ۶٫۸ تریلیون ین رساند. بااین‌حال مشخص است ژاپن به هیچ عنوان قادر به سازماندهی تحرک در خلیج‌فارس نیست.

۳. در آینده جهان، ضمن رها شدن نظام بین‌الملل از تصلب تک یا دو قطبی، با شکل‌گیری قطب‌های متعدد در سطوح متفاوت مواجه خواهیم بود. اعراب برای جلوگیری از همکاری موثر ایران با این قطب‌ها که می‌تواند در کسب جایگاه مناسب توسط تهران در نظام آتی موثر باشد، قصد دارند نقاط تنشی میان تهران و این قدرت‌ها تعریف کنند. این اقدام به صورت حداقلی مانع هم‌افزایی میان ایران و این قدرت‌ها می‌شود. به‌عنوان نمونه اگر ایران نسبت به چین دیدگاهی امنیتی بیابد، مانعی در برابر همکاری دو کشور در طرح کمربند جاده ایجاد خواهد شد.

۴. خلیج‌فارس در زمانه‌ای به محل حضور پرتغالی‌ها و انگلیسی‌ها تبدیل شد که هنوز خبری از کشف نفت و گاز در این منطقه نبود؛ مساله‌ای که اهمیت این منطقه فراتر از موضوع انرژی را نشان می‌دهد. اماراتی‌ها با پیش‌بینی دورنمای کاهش اهمیت نفت یا اتمام ذخایر انرژی خود به دنبال برنامه‌ریزی برای آینده است. اماراتی‌ها نمی‌خواهند اگر با افزایش اهمیت انرژی برآمدند، با کاهش آن شاهد فروکش قدرت‌شان باشند. به همین دلیل اماراتی‌ها به نوعی درپی زمینه‌سازی در حوزه‌های غیرنفتی هستند تا بتوانند برای آینده آماده شوند. اماراتی‌ها قصد دارند با سلطه بر تنگه هرمز و خلیج‌فارس، به قدرتی مسلط و دارای توانمندی نظارتی در خلیج‌فارس تبدیل شوند.

۵. اماراتی‌ها بر مبنای هدف خود برای ایمن‌سازی جایگاه کشورشان از خطر کاهش اهمیت انرژی و از بین رفتن درآمدهای نفتی، به دنبال برنامه‌ای منطقه‌ای و حتی جهانی برای توسعه شبکه‌ای از بنادر و جزایر هستند. آنها بر مبنای این برنامه تلاش کرده‌اند بر سواحل و جزایر یمن نیز مسلط گردند. آنها امروز در این مناطق مستقر شده‌اند. اماراتی‌ها قصد دارند از خود همانند پرتغال، یک قدرت دریایی تجاری با قابلیت‌های نظامی برای دفاع از منافع‌شان بسازند.

۶. عربستان سعودی و امارات برای جلوگیری از پیشروی «سیاست همسایگی ایران» که نیازمند ایجاد رابطه‌ای پایدار میان تهران قدرتمند و دولت‌های همسایه اغلب ضعیف‌تر است، می‌کوشند به لحاظ ادراکی به مسائلی دامن بزنند که نشان‌دهنده استفاده ایران از قدرت برای ظلم به همسایگانش است. به عبارتی دیگر آنان با ایجاد سروصدا و تبلیغات درخصوص جزایر سه‌گانه می‌کوشند احساسات را کشورها و دولت‌های پیرامون ایران، نسبت به تهران جریحه‌دار کنند.

ادعاهای پوچ امارات

دو خاندان و قبیله آل‌نهیان و آل‌مکتوم که به ترتیب بر ابوظبی و دوبی حاکمیت داشته و دو ستون کشور امارات را تشکیل می‌دهند، نسب‌شان به قبیله بنی‌یاس می‌رسد که خود از زیرشاخه‌های کلان قبیله قضاعه است. منشأ کلان قبیله قضاعه، یمن است که به مرور زمان به دلایلی همانند افزایش جمعیت و رشد درگیری در این منطقه، کمبود منابع غذایی یا در جست‌وجوی زندگی بهتر راهی مناطقی مانند حجاز، شامات یا عمان شده‌اند. آل‌نهیان، یکی از شاخه‌هایی است که اجدادشان پیش از این در عمان حضور داشته‌اند. گفته می‌شود دسته‌هایی از بنی‌یاس در سال ۱۷۶۴ (۲۵۹ سال قبل) از مناطق داخلی‌تر شبه‌جزیر عربستان به منطقه ابوظبی مهاجرت کرده‌اند. اداره امور قبیله را در آن برهه دیاب بن عیسی بن نهیان آل‌نهیان بر عهده داشته است. قبیله‌ای که همواره شکلی مهاجر داشته و از یمن تا مناطق شمال شرقی و اطراف ربع‌الخالی را پیموده و کمتر از ۳۰۰ سال قبل در ساحل جنوبی خلیج‌فارس جاگیر شده است، نمی‌تواند مدعی مالکیت بر جزایر ایرانی باشد.

منابع

اهمیت ژئوپلیتیکی جزایر ایران در خلیج فارس (مطالعه موردی: جزیره فارسی)
نویسندگان: محراب هداوند میرزایی و آزیتا رجبی
نقش جزایر سه گانه در سیادت دریایی ایران در خلیج فارس نویسندگان علی امیری و حجت نادری

چرا جزایر مهم هستند؟

در منطقه خلیج‌فارس ۹۰ جزیره کوچک و بزرگ وجود دارد. یک‌سوم این جزایر یعنی ۳۴ جزیره متعلق به ایران است. جزایر ایرانی که در بخش شمالی خلیج‌فارس قرار دارند اکثرا مسکونی هستند. از مجموع جزایر ایرانی خلیج‌فارس، ۱۷ جزیره از نظر حاکمیت بر آبراه بین‌المللی تنگه هرمز و کنترل آن و همچنین کنترل تردد ناوگان بیگانه دارای اهمیت ژئوپلیتیکی و استراتژیک می‌باشند. از این تعداد، هفت جزیره هرمز، قشم، لارک، هنگام، تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی کلید تنگه هرمز هستند و برای تهران اهمیتی استراتژیک دارند. جزایر تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی در عمیق‌ترین قسمت خلیج‌فارس و در داخل دو طرح تفکیک تردد کشتی‌ها قرار گرفته‌اند. تمام کشتی‌هایی که در مسیر خلیج‌فارس و تنگه هرمز تردد می‌کنند، ناگزیرند از کنار این جزایر عبور کنند، لذا این جزایر علاوه‌بر اینکه با توجه به ادعای کشور امارات متحده عربی نسبت به آنها از اهمیت سیاسی خاصی برخوردارند، موقعیت استراتژیکی و ژئوپولیتیکی، اهمیت دریایی آنها را چند برابر کرده است.

کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ ژنو و ۱۹۸۲، جزایری که خارج از خط مبدا آب‌های سرزمینی جدا از سرزمین خشکی کشور مادر هستند یا به عبارتی فاصله آنها بیشتر از ۱۲ مایل دریایی از سرزمین اصلی هستند را دارای آب داخلی و سرزمینی مختص به خود می‌داند. حد خارجی آب داخلی این جزایر پایین‌ترین حد جزر می‌باشد که این حد پایین‌ترین خط جزر، خط مبدا آب‌های سرزمینی محسوب می‌شود و به شعاع ۱۲ مایل از این خط مبدا، آب‌های سرزمینی محسوب می‌شود. اما به دلیل اینکه فاصله این جزایر از همدیگر و از خاک اصلی کشور کمتر از ۲۴ مایل دریایی است، درنتیجه آب‌های سرزمینی آنها دارای همپوشانی است و حاکمیت ایران بر آب‌های داخلی این جزایر و سرزمین اصلی یا آب‌های پشت خط مبدا از نوع رژیم حقوقی حاکمیت مطلق و حاکمیت بر آب‌های سرزمینی از نوع رژیم حاکمیت نسبی است. درصورت عدم وجود جزایر سه‌گانه، حاکمیت دریایی ایران بسیار محدودیت پیدا می‌کرد و بخش وسیعی از شرق و جنوب خلیج‌فارس و غرب تنگه هرمز از حوزه حاکمیت ایران خارج می‌شد. اما از آنجا که جزایر سه‌گانه از موقعیت جغرافیایی بسیار مناسبی از ساحل ایران و در یک محور شمالی جنوبی قرار گرفته‌اند، در ابتدا فاصله تنب‌ها از نقاط تعیین خط مبدا مذکور و سپس ابوموسی از تنب‌ها از ۲۴ مایل کمتر است و از طرف دیگر براساس قوانین دریایی که جزایر دارای رژیم حقوقی خود هستند، باعث گردیده است که دریای سرزمینی ایران در قالب دو دایره متداخل به سمت جنوب گسترش یافته و حاکمیت ایران براساس قانون دریای سرزمینی به سمت جنوب گسترش یابد تا تهران بتواند از کاربری‌های اقتصادی و ارتباطی و نظامی استراتژیکی فضا و عناصر و پتانسیل‌های قلمرو مزبور به‌ویژه در تنگه هرمز که نفتکش‌ها و کشتی‌های جنگی از آنجا عبور می‌کنند، استفاده کند. این اهمیت باعث شده تا رهبر انقلاب شخصا دستور بدهند تلاش‌هایی برای افزایش جمعیت جزایر به‌عنوان ابزاری برای افزایش امنیت آنها انجام شود. ایران در تابستان، مجموعه‌ای از رزمایش‌های نظامی را در جزایر برای نشان دادن آمادگی‌اش به نمایش گذاشت. در همان زمان سپاه پاسداران اعلام کرد سامانه‌های دفاع موشکی و تسلیحات ضدهوایی را در جزایر مستقر کرده و یک شناور جدید مجهز به موشک‌هایی با برد تا ۶۰۰ کیلومتر را به نمایش گذاشت. سردار تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه، جزایر خلیج‌فارس را «ناموس» کشور خواند و گفت: «ما به‌عنوان فرزندان این ملت شجاع موظفیم از ناموس خود دفاع کنیم.»

صنعا: قیمومیت خارجی را نمی‌پذیریم

رئیس شورای عالی سیاسی یمن به دشمنان این کشور هشدار داد که یمن هیچ قیمومیت خارجی را از سوی هیچ‌کس قبول نخواهد کرد. به گزارش فارس، مهدی المشاط، رئیس شورای عالی سیاسی یمن بعدازظهر دیروز دوشنبه تاکید کرد که مردم یمن، کشور آزاد و مستقلی خواهند ساخت. المشاط در جریان سخنرانی در بین خانواده‌های شهدای یمنی گفت: «کشور ما هیچ قیمومیت خارجی را از سوی هیچ‌کس قبول نخواهد کرد.» وی با بیان اینکه اگر دشمن، مطالبات ملت یمن را رفع نکند با آتش و خشم نیروهای یمنی مواجه خواهد شد، تصریح کرد: «کشورهای زیادی به ما هشدار داده‌اند، ولی به آنان می‌گوییم که ما سرزمین شهدا هستیم و هر کاری که می‌توانید انجام دهید.» المشاط پیش از این هم گفته بود که ائتلاف سعودی- اماراتی به‌صورت بیهوده به دنبال استمرار جنگ و تشدید محاصره یمن است.

پاشینیان: حمایت آمریکا برایمان ضروری است

دفتر نخست‌وزیری ارمنستان اعلام کرد نخست‌وزیر این کشور روز گذشته در دیدار با یک سناتور آمریکایی بر اهمیت حمایت آمریکا برای حل بحران‌های کنونی ارمنستان تاکید کرده است. به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک، دفتر نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان در بیانیه‌ای اعلام کرد: «نخست‌وزیر بسیار از سفر گری پیترز، سناتور آمریکایی به ایروان در این شرایط دشوار استقبال کرده و بر اهمیت حمایت آمریکا جهت غلبه بر مشکلات ایجاد شده تاکید کرد. گری پیترز هم با ابراز نگرانی از وضعیت انسانی دشوار در منطقه قره‌باغ کوهستانی، بر لزوم ارسال سریع غذا، دارو و دیگر مایحتاج ضروری به این منطقه تاکید کرده است.» در این بیانیه آمده است: «در این دیدار به وضعیت انسانی قره‌باغ کوهستانی و مسائل مربوط به حفاظت از حقوق و امنیت مردم ارمنی‌تبار قره‌باغ اشاره شد.»

ترامپ: ژنرال مارک میلی لایق اعدام است

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری پیشین آمریکا با حمله به اقدامات مارک میلی، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا در زمان خروج از افغانستان وی را لایق مجازات اعدام دانست. به گزارش ایرنا، تارنمای روزنامه ایندیپندنت نوشت ترامپ با انتشار مطلبی در شبکه اجتماعی متعلق به خود موسوم به تروث تاکید کرد: «مارک میلی که شاید شرم‌آورترین لحظه تاریخ آمریکا را پس از خروج از افغانستان، به قیمت جان باختن، جاگذاشتن صدها شهروند آمریکایی و میلیاردها دلار تجهیزات نظامی پیشرفته ایالات متحده را در آن کشور رهبری می‌کرد، هفته آینده از ارتش کنار می‌رود.» وی افزود: «این زمان جشن و شادی همه شهروندان ایالات متحده خواهد بود.» وی سپس با اشاره به اقداماتی که این ژنرال آمریکایی به‌ویژه در زمان خروج از افغانستان انجام داده، اضافه کرد: «چنین اقداماتی در گذشته مجازات مرگ داشتند.»

ورود اولین تانک‌های آبرامز به اوکراین

اولین مجموعه از تانک‌های آبرامز آمریکا تحویل نیروهای اوکراینی شد. به گزارش تسنیم، نیویورک تایمز به نقل از مسئولان آمریکایی از ورود اولین مجموعه از تانک‌های آبرامز به اوکراین خبر داد. چندی پیش جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا در دیدار با ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین در کاخ سفید اعلام کرد که تانک‌های آبرامز طی هفته‌های آینده به کی‌یف منتقل خواهند شد. وی گفت: «من بسته جدیدی از کمک نظامی ایالات متحده را تایید کرده‌ام که شامل توپخانه، مهمات و سلاح‌های ضدتانک می‌شود. علاوه‌بر این هفته آینده اولین تانک‌های آبرامز آمریکایی به اوکراین تحویل داده خواهد شد.» گفته می‌شود اولین محموله از این نوع تانک آمریکایی شامل ۱۰ دستگاه از این خودروی رزمی خواهد بود. پیش از این غرب تانک‌های لئوپارد-۲ ساخت آلمان و چلنجر-۲ ساخت انگلیس را به اوکراین ارسال کرده بود.

فرهیختگان ورزشی
شماره مسلسل ۴۷۰۴
سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲
۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۵
۲۶ سپتامبر ۲۰۲۳
شماره ۳۹۶۶
| Tue | 26 Sep 2023 | vol.15 |
No. 3966 | 16 Pages

گزینه ازبکستانی استقلال به سرنوشت تورس دچار نمی‌شود و تیم سیرجانی تصمیمی برای خرید او ندارد

گل‌گهر ماشاریپوف را نمی‌خواهد

سرخابی‌ها به دنبال زمین برای میزبانی

لیگ قهرمانان هم از آزادی خارج می‌شود؟

سفر زودهنگام به قطر فعلا قطعی نیست

درخواست پرهزینه یحیی برای پرسپولیس

آخرین وضعیت ورزشگاه تختی از زبان مدیرمجموعه:

یک ورزشگاه شیک را آماده میزبانی از سرخابی‌ها می‌کنیم

پیشکسوت آبی‌ها خطاب به مدیریت باشگاه توصیه‌هایی را مطرح کرد

با بازیکنان تسویه کن، به مجادلات پایان بده و تیم را تقویت کن

سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

پیشکسوت آبی‌ها در گفت‌وگو با «فرهیختگان» خطاب به مدیریت باشگاه توصیه‌هایی را مطرح کرد

با بازیکنان تسویه کن، به مجادلات پایان بده و تیم را تقویت کن

■ چرا وزارت ورزش استقلال را گردن نمی‌گیرد؟ ■ مدیریت خطیر من را یاد دوران مددی می‌اندازد

محمدرضا حاجی‌عبدالرزاق
خبرنگار گروه ورزش

مشکلات استقلالی‌ها در راه آماده‌سازی این تیم به‌منظور حضور پرقدرت در رقابت‌های لیگ برتر همچنان ادامه دارد. این تیم بیشتر از ۴۰ روز فرصت داشت تا با کنار گذاشتن جنگ و دعواهای فرسایشی گذشته، به بهترین شکل خود را بازسازی کرده و رقابت‌ها را از سر بگیرد. آبی‌ها که با ۹ امتیاز حالا بعد از کسر امتیاز از سپاهان در رده دوم قرار دارند حتی بیشتر از دوران پیش‌فصل این فرصت را داشتند تا مهیای حضور در ادامه رقابت‌های لیگ برتر شوند، اما همچنان برای این تیم در روی همان پاشنه چرخیده و نه‌تنها جنگ و دعوای اخیر حل و فصل نشده، بلکه به‌نظر می‌رسد ماجرای اختلاف بین سرمربی با مدیریت باشگاه تشدید هم شده باشد. واقعیت این است که نه هنوز تسویه‌حسابی در قبال بازیکنان از بابت مطالبات فصل گذشته آنها صورت گرفته، نه پنجره باز است و نه مربی بدنساز به تهران بازگشته و به‌تازگی نیز در قبال جذب بازیکنان خارجی هم طرفین دچار سوءتفاهماتی شده‌اند که تا حدود زیادی کار را برای ادامه بسیار دشوار کرده است.

حال اینکه در این بین چه کسی مقصر است شاید این موضوع جای بحث نباشد و حالا نباید برای پاسخ به آن دست به کنکاش زد. واقعیت این است که اگر استقلال امسال موفقیت می‌خواهد باید همه ارکان درگیر در این دعوای خانمان‌سوز، تمامی اختلافات را کنار گذاشته و تا طرفین دعوا هرچه سریع‌تر به راهکارهای مشترک برای تقویت و بهبود شرایط دور یک میز جمع نشوند مطمئنا خبری هم از موفقیت و احیانا قهرمانی نخواهد بود. از تعطیلات چند روزی بیشتر باقی نمانده و اگر این چند روز هم با دست و چشم بسته سپری شود مطمئنا شاگردان نکونام در ادامه رقابت‌های لیگ و در رقابت با مدعیان با موانع جدی‌تری برای برتری و موفقیت مواجه خواهند شد. در این مدت البته در فضای پیشکسوتان استقلال، بسیاری از آنها به ابعاد این ماجرا اشاره کرده و توپ را در زمین مدیریت انداختند و به این موضوع اشاره کردند که علی خطیر باید عملکرد قوی‌تری برای مدیریت استقلال داشته باشد و با این دست فرمان، کار در آینده برای او سخت خواهد شد. با این حال نصرالله عبداللهی بازیکن، سرمربی و سرپرست اسبق آبی‌ها توصیه‌هایی را به علی خطیر کرده که این موارد می‌تواند در ادامه برای این چهره و در راس آن برای باشگاه استقلال راهگشا باشد.

در رفتارش تجدیدنظر کند

در این سال‌های اخیر که علی خطیر در فوتبال ایران نامی را برای خود دست و پا کرده است، بعضا شاهد برخی جنجال‌ها پیرامون وی بوده‌ایم. در هفته‌های اخیر هم اگرچه او سعی کرد در برنامه فوتبال برتر خود را آرام و خونسرد جلوه دهد، اما برخی شنیده‌ها حاکی از آن است که بعضا عصبانیت‌های بی‌موقع و برخی رفتارهایش باعث شده است تا او به ستوه آمده و واکنش‌های تندی را از خود به‌نمایش بگذارد.

عبداللهی معتقد است علی خطیر باید در رفتارهایش تجدیدنظر کند: «او شاید اعتقاد دارد که جواد نکونام سر ناسازگاری داشته اما باید به این موضوع فکر کند که این سرمربی تیم است که درنهایت باید پاسخگوی نتایج تیمش باشد و باید بهترین و کارآمدترین ابزار که همان بازیکنانی هستند که او می‌خواهد را در اختیارش قرار دهد. من معتقدم کسی که مدیرعامل استقلال می‌شود باید خیلی پارتی‌اش کلفت باشد و اعتبار، پشتیبان و حامی داشته باشد تا به او و استقلال کمک کنند. خطیر در این مدت نشان‌داده اینها را ندارد؛ هرچند در ابعاد اخلاقی هم درخصوص این چهره بعضا اخباری به گوش می‌رسد که جالب نیستند. البته او برخی روابط بین‌المللی خوبی دارد و حقوق بین‌الملل را بلد است، اما همه چیز فوتبال این مسائل نیست. بنابراین در وهله اول به او توصیه می‌کنم هرچه سریع‌تر در رفتارش تجدیدنظر کند. با این وضعیت او با مشکلات بیشتری با مربیان و بازیکنان تیمش مواجه خواهد شد که می‌تواند کار را برای ادامه فعالیت وی در استقلال دشوار کند.»

با بازیکنان تسویه‌حساب کند

عبداللهی در ادامه گفت‌وگو با «فرهیختگان» تاکید کرد: «اصلا این‌طور نیست که مثلا شما ۵۰ میلیارد از رایتل بگیرید و کارتان راه بیفتد. الان بازیکنان هنوز بابت فصل گذشته از باشگاه طلبکار هستند و به‌نظر می‌رسد رقم زیادی هم درمجموع برای تسویه‌حساب باقی مانده است. در ادامه با این وضعیت، باشگاه چه زمانی می‌خواهد از بابت مطالبات فصل جاری به بازیکنان پرداختی داشته باشد؟ آیا حتما آنها باید خارجی باشند تا با چوب فیفا و تهدید و زور و ضرب و نوتیس و این داستان‌ها قبل از موعد پول خود را بگیرند؟ چون بازیکن داخلی هستند باید بسوزند و بسازند. باید هرچه سریع‌تر مطالبات فصل قبل را با آنها تسویه کرد تا هم آنها برای ادامه کار دلگرم شده و انگیزه لازم را به‌دست بیاورند و از لحاظ روحی تقویت شوند و هم اینکه بخش عمده‌ای از مطالبات به این شکل تسویه شود. اینها چند ماه هست که اصلا پولی نگرفته‌اند و اصلا نمی‌شود به این شکل کار را ادامه داد. درست است که می‌گویند آنها میلیاردی می‌گیرند اما این پول برای استقلالی‌ها کجاست؟»

هرچه سریع‌تر تیم را تقویت کند

سرپرست سابق استقلال در ادامه توصیه‌های خود به علی خطیر گفت: «چند هفته است که می‌گویند قرار است دو بازیکن خارجی به تیم اضافه شوند. یکی از آنها هم آمده اما جالب اینکه نه قرارداد می‌بندد نه تمرین می‌کند. وضعیت تیم از لحاظ فنی بد نیست و فقط باید بازیکنان خارجی جدید را اضافه کرد. اگر بازیکن جدید بیاورند (البته اگر بخواهند بیاورند) باید هرچه سریع‌تر این کار را انجام داد. چشم به هم بزنید تعطیلات تمام شده است و رقابت‌ها از سر گرفته می‌شود. در این مدت هم استقلال هیچ‌کاری نکرده است. خطیر باید هرچه سریع‌تر بازیکنانی که نکونام می‌خواهد را جذب کند. البته مشکلات مربوط به سقف قرارداد را می‌فهمم اما وقتی این کار را انجام بدهد می‌تواند مدعی شود من وظیفه‌ام را به‌موقع انجام دادم و اگر تیم نتیجه نگیرد دیگر این مساله‌ای دیگر است، ولی وقتی کسی کارش را انجام نداده می‌توان همه نوع ایراد را به وی وارد دانست.»

به مجادلات پایان دهد

وی ادامه داد: «الان مدیریت خطیر من را یاد دوران مددی می‌اندازد. آخرش هم استقلال در آن دوران هیچی نشد. حتما دعواهای مجیدی با مددی را در آن زمان به یاد دارید؟ دود آن دعواها به چشم هواداران استقلال رفت و حالا هم شاهد هستیم اتفاقات آن زمان در حال تکرار شدن است. مجادله و دعوا در تیم‌های بزرگ به‌ضرر هواداران تمام می‌شود و باید هرچه سریع‌تر طرفین دعوا و به‌خصوص مدیریت به آن پایان دهند. برای همین است که می‌گویم خطیر باید در رفتارش تجدیدنظر کرده و کمی به خود مسلط‌تر باشد.»

پنجره را باز کند

سرمربی اسبق استقلال تاکید کرد: «حالا هم که پنجره بسته است و بلانکو پشت آن مانده است. خطیر باید هرچه سریع‌تر این محدودیت را رفع کرده و پنجره استقلال را باز کند. اگر این قضیه ادامه داشته باشد مطمئن باشید آبی‌ها بیشتر از اینها متضرر خواهند شد. بنابراین باید همه تلاش‌ها روی این نقطه متمرکز باشد که هرچه سریع‌تر پنجره باز شود. الان با رقم کمی می‌شود این کار را کرد، چون فردا روزی محکومیت ساپینتو و برخی بازیکنان خارجی بیاید کار برای تسویه‌حساب و باز کردن پنجره آن زمان خیلی دشوارتر خواهد شد. در هر صورت این تیم می‌تواند امسال نتیجه لازم را بگیرد به‌شرط آنکه خطیر در رفتارش بازنگری کند، به‌موقع تقویت شود و با بازیکنان از بابت فصل قبل تسویه‌حساب صورت گیرد.»

با وزارت ورزش ارتباط بگیرد

نصرالله عبداللهی در پایان با انتقاد از وزارت ورزش یادآور شد: «واقعا نمی‌دانم چرا وزارت ورزش استقلال را گردن نمی‌گیرد. استقلال در این سال‌ها یک ریال هم از وزارت ورزش کمک نگرفته است. البته شاید در دوران گذشته حمایت‌های غیرمستقیمی از استقلال می‌شد. اما وقتی کسی را نداشته باشید و ارتباط‌تان خوب نباشد نمی‌توانید کاری کنید. حالا هم اگر کمک نمی‌کنند اگر این ارتباط برقرار باشد شاید راه‌وچاه را نشان‌تان بدهند و بگویند فلان کار را برای درآمدزایی انجام دهید.»

تیم‌های جنوبی هنوز توقعات را برآورده نکرده‌اند

حال فوتبال خوزستان خوب نیست

نیلوفر مژدهی
خبرنگار

حال فوتبال در خوزستان خوب نیست. فولاد قعرنشین رقابت‌هاست، استقلال خوزستان نیز همشهری خود را در انتهای جدول همراهی می‌کند و صنعت نفت هم وضعیت چندان خوبی ندارد. شاید علاقه‌مندان به فوتبال دیگر عادت کرده باشند که تیم‌های خوزستانی را معمولا در نیمه پایینی جدول ببینند اما حضور همزمان سه تیم خوزستانی آن هم در پایین جدول و مخصوصا در انتهای جدول بسیار ناراحت‌کننده است. هواداران این تیم‌ها مخصوصا تیم‌های استقلال خوزستان و فولاد اصلا از شرایط موجود راضی نیستند. آنها در انتظار تیمی بهتر بودند. شاید تعطیلات پیش آمده بهترین فرصت باشد تا عوامل این دو تیم و حتی تیم صنعت نفت مشکلات را برطرف کرده و راهکاری برای فرار از انتهای جدول پیدا کنند.

فولاد سورپرایز می‌کند

۱۴ مهر فرصت مناسبی است تا دستپخت سرمربی جدید فولاد را در بازی با هوادار ببینیم. شاگردان ایگناسیو مارتینز در این مدت به خوبی آماده شده‌اند و این مربی موفق شده خود را با تیم هماهنگ کند. تعطیلات اخیر لیگ اگر برای هر تیمی بد بود برای فولاد حکم تولدی دوباره داشت به‌طوری‌که شاید با این شوک در ادامه مسابقات شاهد تیمی برتر نسبت به تیم هفته‌های اول لیگ باشیم.

فولاد که با منصوریان فصل را پر تنش و عجیب آغاز کرد یکی از بدترین شروع‌های خود را داشت و نه‌تنها نتیجه نمی‌گرفت بلکه بسیار ضعیف ظاهر می‌شد. قعرنشین رقابت‌های لیگ برتر نه‌تنها هنوز موفق به کسب هیچ پیروزی نشده بلکه با تفاضل گل منفی ۱۰ حتی موفق به کسب تساوی هم نشده است. فولادی‌ها با ۴ شکست متوالی در انتهای جدول جا خوش کرده‌اند اما این امید می‌رود که با ازسرگیری مسابقات متحول شوند. تیم فولاد به دلیل تاخیر در مسابقات بازی با سپاهان از هفته پنجم و بازی با گل‌گهر در هفته ششم را از دست داد. از این‌رو شاگردان مارتینز باید ۱۴ مهر در اولین آزمون اسپانیایی خود به مصاف تیم هوادار بروند. این تیم در تعطیلات اخیر به‌شدت تجهیز شده است. آنها اردوی تدارکاتی در تهران برگزار کردند و مارتینز در بازی‌های تدارکاتی عیار تیمش را سنجیده است. رقابت‌های دوستانه فولادی‌ها نشان می‌دهد این مربی از تیم ناآماده فولاد تیمی تازه ساخته است. همان بازیکنان که نای دویدن در زمین در هفته‌های ابتدایی را نداشتند در دو بازی تدارکاتی اخیر فولاد در اردوی تهران متحول شده و شرایط خوبی را داشتند به‌طوری‌که علاقه‌مندان به این تیم از روند رو به رشد تیم‌شان به‌شدت راضی هستند. گادوین منشا که تا قبل از تعطیلات به‌شدت افت کرده بود در بازی تدارکاتی اخیر چنان عملکرد خوبی از خود به نمایش گذاشت که مسئولان باشگاه را تحت تاثیر قرار داد. اگر مصدومیت محمد عباس‌زاده زودتر برطرف شود بدون شک او و منشا با عملکردی که از خود نشان دادند می‌توانند یکی از خطوط آتشین لیگ برتر را تشکیل دهند.

فولادی‌ها اگر با همین فرمان به کارشان ادامه دهند بدون شک در ادامه مسابقات خود را بازیابی کرده و به کورس رقابت برمی‌گردند. البته بازی‌های دوستانه به‌شدت با رقابت‌های رسمی متفاوت است اما به نظر می‌رسد مارتینز به خوبی تیمش را شناخته و باید منتظر یک فولاد جدی باشیم. نکته قابل توجه در مورد فولاد امکانات و تجهیزات خوبی است که این باشگاه را جزء معدود تیم‌های متمول قرار داده است. فولادی‌ها برای موفقیت در لیگ برتر از بسیاری از حریفان از نظر لجستیکی یک سروگردن بالاتر هستند. آنها امکانات خوبی دارند که حالا با مربی طراز اول، شرایط بهتری هم پیدا کرده‌اند. از این‌رو فولاد با ورژن جدید بدون شک جذاب خواهد بود.

استقلال خوزستان و مقاومت درمقابل تهدیدها

بومی‌ترین تیم لیگ برتر حال خوشی ندارد. آنها که تصور می‌شد با توجه به عملکرد فنی تیم‌شان در ادامه باعث خوشحالی هواداران خوزستانی شوند، به‌جز تک امتیاز هفته اول، در تمام بازی‌ها بازنده بودند. آنها با یک امتیاز در رده یکی مانده به آخر قرار دارند و به لطف همتای فولادی خود قعرنشین نیستند. هرچند برخی این را از بومی بودن و بی‌تجربگی تیم سیروس پورموسوی می‌دانند و معتقدند بستن تیم بومی هزینه دارد اما واقعیت این است که خیلی‌ها نیز ناراضی هستند. علاقه‌مندان به فوتبال در خوزستان با انتقاد از عملکرد پورموسوی حتی او را تا مرز اخراج بردند اما در آخرین روزها حمایت ناگهانی مدیرعامل این باشگاه همه چیز را تغییر داد. پورموسوی که آلارم‌هایی از سوی مدیریت دریافت می‌کرد و خود را برای هر اتفاقی آماده کرده بود بعد از چند نشست متوالی با مدیران باشگاه و گروه ملی ابقا شد تا حمایت برخی خوزستانی‌ها از این مربی جواب دهد. در واقع پورموسوی همانقدر که به‌خاطر نتایج تیمش در استان تخریب شد به همان اندازه نیز حمایت شد. بدون شک در صورتی که این مربی نتواند با شروع مسابقات از هفته هفتم و بازی با پیکان نتیجه بگیرد این فشار روی او بیشتر شده و ممکن است به ادامه مسابقات نرسد.

در هر حال تعطیلات اخیر فرصت خوبی شد تا این مربی با احیای توانایی تیمش به نتیجه برسد. حتی شنیدیم او در تمرینات روزهای اخیر بازیکنان را متوجه شرایط تیم کرده و آنها دیگر می‌دانند عدم نتیجه‌گیری می‌تواند به قیمت جدایی پورموسوی تمام شود. در واقع استوری مشترک بازیکنان استقلال خوزستان در حمایت از این مربی نیز به همین دلیل بود.

استقلالی‌های خوزستان که در تمرینات خود بازنگری کردند امیدوارند تا شاید تحولی ایجاد کنند. آنها تصور نمی‌کردند که با توجه به بازی‌های خوبی که به نمایش می‌گذارند، به نتیجه نرسند. البته این تیم پرمهره نیست و حتی در بازی با ذوب‌آهن از چند چهره جدید رونمایی کرد. با این حال از این تیم و این مربی توقع می‌رود در ادامه راه عملکرد بهتری به نمایش گذاشته و ناکامی هفته‌های نخست را جبران کند. هرچند با وقفه‌های مکرر لیگ بعید است این اتفاق رخ دهد و با توجه به توقف‌های متعدد هیچ تیمی نمی‌تواند به ثبات برسد و تمرکز تاکتیکی داشته باشد.

صنعت نفت

تیم صنعت نفت شاید در ظاهر وضعیت بدی ندارد و در جایگاه دوازدهم این لیگ ۱۶ تیمی تکیه زده اما در واقع آنها از ۱۲ امتیاز ممکن از ۴ بازی که پشت‌سر گذاشتند فقط ۴ امتیاز کسب کردند. این برای تیمی که با آن همه سختی ماند، وضعیت خوبی نیست. بدون شک ویسی که برای بقا شرط و شروط زیادی گذاشته است برای ابقا این تیم در لیگ برتر نیز باید شرط و شروط مدیران شرکت نفت را فراهم کند. این تیم البته در همان ابتدای لیگ و پیش از آغاز مسابقات به‌خاطر از دست دادن یکی از جوان‌ترین و آینده‌دارترین بازیکنانش دچار شوک شد اما با این حال چنین وضعیتی برای این تیم خوزستانی پذیرفتنی نیست. هرچند مدیرانش به ضعف مالی همیشگی تیم‌شان هم اعتراف کردند. یکی از اصلی‌ترین ایرادات تیم صنعت نفت دفاع ضعیف این تیم است. آنها هرچند در تعطیلات لیگ و در جریان بازی‌های دوستانه تلاش کردند این نقیصه را برطرف کنند اما عیار این تمرینات در بازی‌های رسمی مشخص می‌شود. برای تیم‌هایی مثل صنعت نفت دیگر اصطلاح ناهماهنگی جواب نمی‌دهد چراکه آنها فرصت کافی برای هماهنگی داشته و در شروع مجدد مسابقات بدون شک باید منتظر تیمی هماهنگ از صنعت نفت مخصوصا در خط دفاعی باشیم.

اگر بازی‌ها به گفته سازمان لیگ واقعا در موعد اعلام شده برگزار شود، صنعت نفت هفته آینده در هفته هفتم میهمان سپاهان است و این فرصت خوبی برای ویسی و شاگردانش است تا توانایی‌های خود را نشان داده و دستاوردشان از این تعطیلات را به معرض نمایش بگذارند. هرچند ویسی برای سرعت دادن به تیمش باید روی نام برخی بازیکنان پا به سن گذاشته خط بکشد و روح تازه‌ای را در این تیم بدمد. البته این مربی به شاگردان قدیمی خود اعتماد ویژه‌ای دارد اما امروزه در فوتبال سرعت حرف اول را می‌زند و او مخصوصا برای برطرف کردن ایرادات دفاعی تیمش لازم است که به جوان‌ها اعتماد کرده و ترکیب تیمش را تغییر دهد.

سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

آخرین وضعیت ورزشگاه تختی از زبان مدیرمجموعه:

یک ورزشگاه شیک را آماده میزبانی از سرخابی‌ها می‌کنیم

نگران چمن ورزشگاه نباشید، تا ۱۰ سال می‌توانیم میزبان لیگ برتر باشیم

حمیدرضا اسکندری
خبرنگار گروه ورزش

زمین چمن مناسب این روزها به یکی از دغدغه‌های مهم فوتبال کشور ما تبدیل شده و این درحالی است که کشور قطر در نزدیکی ما همین چندماه پیش میزبان جام جهانی بود و عربستان با جذب ستاره‌های فوتبال دنیا امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاریش را به رخ دنیا می‌کشد. چمن زمین شماره یک ورزشگاه آزادی مدت‌هاست که کیفیت مطلوبش را از دست داده و در سال‌های اخیر مدیران این ورزشگاه و شرکت توسعه بیشتر به‌دنبال این بوده‌اند که به نمای این زمین به اصلاح سر و دستی بکشند تا حداقل ظاهر قضیه را حفظ بکنند. اما وقتی قرار شد سرخابی‌ها ورزشگاه آزادی را به‌عنوان ورزشگاه محل بازی‌های خانگی خود معرفی کنند، وزارت ورزش و شرکت توسعه و تجهیز به تکاپو افتادند تا حداقل سکوهای این ورزشگاه را ایمن‌سازی و مشکل نور آن را به اضافه موارد دیگر حل کنند. اما در این میان از رسیدگی به زمین چمن ورزشگاه غفلت شد و با شروع بازی‌های لیگ قهرمانان مشخص شد که چمن این ورزشگاه تا چه حد کیفیت خود را از دست داده و نیاز به یک بازسازی اساسی دارد. در همین راستا فدراسیون فوتبال اعلام کرده اگر قرار باشد چمن آزادی درست شود باید مدتی در این ورزشگاه بازی انجام نشود.

در چنین شرایطی ورزشگاهی در تهران باید باشد که سرخابی‌ها بتوانند میزبان حریفان خود در آنجا باشند و ورزشگاه تختی بهترین گزینه به حساب می‌آید. اما در شرایط فعلی این ورزشگاه هم حداقل تا چندماه آینده شرایط میزبانی از بازی‌های لیگ برتر را ندارد. در این زمینه روز گذشته تصاویری از آخرین وضعیت ورزشگاه تختی در یکی از رسانه‌ها منتشر شد که نشان می‌داد اوضاع ورزشگاه تختی اصلا مساعد نیست. با توجه به این موضوع محمدرضا مجیدی، مدیر مجموعه ورزشی تختی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به سوالات مطرح‌شده پاسخ داد.

تصاویری که در رسانه‌ها از شرایط ورزشگاه تختی منتشرشده نشان می‌دهد که ظاهرا اوضاع چندان مساعد نیست و کار زیادی در آنجا باید انجام شود تا بتواند شرایط برگزاری مسابقات را داشته باشد.

به دوست خبرنگاری که برای تهیه عکس و گزارش به ورزشگاه تختی آمده بود، گفتم شرایط حال حاضر ورزشگاه طوری نیست که ظاهر خوبی داشته باشد، اجازه بدهید زمانی از ورزشگاه گزارشی تهیه شود که تعمیرات انجام شده باشد اما اصرار کرد که می‌خواهد کارش را انجام دهد و درنهایت به آن شکل قضاوت شد. اما لازم است عنوان کنم که کار کشت زمین چمن ورزشگاه از ۴، ۵ ماه پیش آغاز شده و طبیعی است که الان وازدگی داشته باشد. درکنار آن قراردادهای مرتبط با صوت و نور ورزشگاه تازه با پیمانکار انجام شده و اقدامات لازم در دستور کار است. آنچه مشخص است ورزشگاه تختی چندسالی به‌خاطر برخی مسائل چندان مورد توجه نبوده که خوشبختانه با تلاش مدیرکل ورزش استان تهران و تشکیلات سعی شده که زودتر این ورزشگاه را آماده میزبانی از مسابقات لیگ برتر کنیم. البته در این زمینه نیاز به اعتبارات لازم است که ان‌شاءالله تامین شود و بتوانیم با سرعت بیشتری کارها را پیش ببریم. در چنین شرایطی که تعمیرات در زمین تارتان و جاهای مختلف ورزشگاه درحال انجام است، طبیعی است همه جا را خاک گرفته باشد و شرایط مطلوبی را در ورزشگاه شاهد نباشیم.

دلیل عدم رسیدگی به ورزشگاه تختی چه بوده؟

سال‌ها این ورزشگاه با مشکل آب مواجه بوده و برای اینکه بتوانیم کارهای زیربنایی را انجام دهیم نیاز به آب داشته‌ایم. در همین راستا با تلاش‌های گسترده و علمی توانسته‌ایم دو حلقه چاه بزنیم که خوشبختانه آب لازم تامین شد. این درواقع یکی از کارهای زیربنایی خیلی خوب بود که در ورزشگاه انجام شد و در ادامه توانستیم اقدامات زیربنایی دیگری را درپیش بگیریم، ازجمله کشت زمین چمن بود که کم‌کم درحال آماده کردن آن برای مسابقات هستیم. مشکل آب درواقع در این چندساله مربوط به کل کشور بوده اما برای رفع آن ۷، ۸ ماه تلاش شبانه‌روزی انجام شده تا حدی که من برای گرفتن مجوز برخی اوقات شب را در ورزشگاه سپری کردم. اینکه الان یک سری مشکلات را در اطراف زمین و نامرتب بودن سکوها، سالن‌ها و رختکن‌ها می‌بینید، می‌شود خیلی زود حل کرد. فکر می‌کنم تا چندماه دیگر شرایط برای میزبانی از تیم‌ها فراهم خواهد شد.

زمین چمن ورزشگاه تختی شرایط مطلوبی دارد؟

مطابق آنچه در تصاویر نشان داده می‌شود طبیعتا وضعیت زمین چمن مطلوب نیست و این برای زمینی که تقریبا ۵ ماه پیش زیرکشت رفته طبیعی است. یک مقداری پالایش، لکه‌گیری دارد که توسط پیمانکار درحال انجام است. این زمین حداقل دو، سه‌بار نیاز به رویش و کوتاه کردن دارد تا یکدست شود. در هیچ جای دنیا بعد کاشت اول شما شاهد زمین یکدست نخواهید بود. پیمانکار تقریبا ۶۰ درصد کارهایش را در زمین انجام داده و همچنان کارش را انجام می‌دهد. به‌هرحال چندماه بعد از کشت مشخص می‌شود برخی جاهای چمن به دلایل مختلف رویش نداشته یا دچار وازدگی شده است. اینها مواردی است که قابل‌رفع خواهد بود و جای نگرانی ندارد.

آیا مشکل ورزشگاه تختی فقط زمین چمنش است؟

پیمانکاران در بخش‌های مختلف ورزشگاه درحال کار هستند. ورزشگاه مشکل نور هم دارد که درحال نصب پروژکتورها و تقویت نور هستیم و ان‌شاءالله از این لحاظ مشکلی نخواهیم داشت. تاکید می‌کنم وقتی بخش‌های مختلف ورزشگاه درحال تعمیرات است نباید انتظار داشته باشیم همه‌چیز سرجای خودش باشد و جایی هم خاکی نباشد. ما مجبوریم یک‌سری وسایل را که دیگر احتیاجی به آن نیست در جایی بگذاریم که امن باشد تا با طی شدن مراحل اداری آن کارهای مربوط به مزایده این وسایل انجام شود. من از شما چند روز دیگر دعوت می‌کنم تا به ورزشگاه بیایید و آن موقع شرایط واقعی آن را تصویربرداری کنید. آن موقع بعد از بازدید متوجه خواهید شد که چه اقداماتی انجام می‌شود و چه کمبودهایی وجود دارد. ما استقبال می‌کنیم از اینکه ایرادهای کار گفته شود اما اینکه درحال انجام کار به این شکل تصویربرداری شده و آنطور قضاوت شود کار درستی نیست و کمکی به جامعه ورزش نمی‌کند. اول باید بیاییم ببینیم چه بوده و الان به کجا رسیده است. ما برای زدن چاه مطالعات علمی گسترده‌ای داشتیم که خوشبختانه نتیجه داد.

آیا ورزشگاه تختی تا بهمن‌ماه آماده میزبانی از مسابقات خواهد شد؟

تا آن موقع اگر کارها خوب پیش برود و اعتبارات تامین شود بله آماده خواهد شد. اما یک مشکل وجود دارد. ما الان سایه‌بانی را که در ورزشگاه می‌بینیم سال ۵۳ ساخته شده و بعد از چندین سال طبیعی است که نیاز به احیا داشته باشد. احیای ورزشگاه ۱۱۰ هکتاری قطعا زمانبر و هزینه‌بر خواهد بود. انصافا مدیرکل ورزش استان تهران شاید نزدیک به ۲۰ بار به این مجموعه آمده و برای حل مشکلات اقدام کرده است که جای قدردانی دارد. ما اهل همین کشوریم و اینجاییم که کارها به‌خوبی پیش برود. اینکه شما می‌گویید در عرض چندماه همه‌چیز ایده‌آل شود ممکن نیست. مشکل آب مجموعه تازه دوماه است به‌طور کامل حل شده، البته چاه اول را ۷، ۸ ماه قبل زدیم و بهترین بذر را بعد از کشت ریختیم و دوماه پیش چاه دیگری حفر کردیم تا مشکل آب نداشته باشیم. بهترین پیمانکار را برای زمین چمن گرفتیم و همه کارهای لازم در زمین درحال انجام است. اتفاقا از همین امروز کارهای رنگ‌آمیزی نرده‌ها را آغاز کرده‌ایم. همه اقدامات درحال انجام است و امیدواریم اعتبارات به‌موقع برسد تا بتوانیم در بهترین زمان ورزشگاه را آماده کنیم. مطمئن باشید که اداره کل در زمینه فراهم کردن اعتبارات بسیار فعال ظاهر شده است. در اقدام اول باید کارهای زیربنایی و کلی انجام شود و بعد به‌دنبال نصب بنر، زیباسازی و... باشیم. ان‌شاءالله با بازسازی خیلی شیک ورزشگاه را آماده مسابقات خواهیم کرد. سه مقوله مهم باید در بازسازی و احیای یک ورزشگاه رعایت شود؛ اول زمین چمن، بعد صوت و سوم نور ورزشگاه که بسیار اساسی هستند. بعد از آن جایگاه تماشاگران و سکوها که همه را درحال انجام است. پله‌به‌پله باید پیش‌رفت تا به نتیجه لازمه رسید. اگر غیر از این است بگویید. ظرف یک هفته آینده لکه‌گیری‌های زمین چمن انجام خواهد شد.

زمین چمن ورزشگاه تختی تا چندسال شرایط مطلوب خواهد داشت؟

ما سعی کردیم که در موارد مربوط به زمین همه چیزمان مطلوب باشد تا عمر بیشتری داشته باشد. این زمین بعد از آماده شدن ۷ تا ۱۰ سال شرایط میزبانی مطلوب از تیم‌های لیگ برتری را خواهد داشت. البته باید در این سال‌ها حتما رسیدگی‌های لازم به زمین انجام گیرد تا از آن بهره‌وری شود. مثل چمن آزادی که بعد از ترمیم سال‌ها شرایط مطلوبی داشت و به‌تازگی شرایط به این شکل شده است. اداره کل این ورزشگاه را به تیم‌های لیگ برتری با عقد قراردادی اجاره خواهد داد تا بتوانند میزبان حریفان و تماشاگران خود باشند. مورد دیگری که خواستم بگویم بحث ساختمان اداری ورزشگاه است که با تحول بزرگی همراه بوده و حتما موقع بازدید از مجموعه خواهید دید که در بخش خصوصی چه اتفاق بزرگی در ورزشگاه رخ داده و درحال رخ دادن است.

ورزش کشور باید با منافع و اعتبار ملی همسو شود

مجید خاتونی
کارشناس مدیریت و جامعه‌شناسی ورزش

آنچه مسلم است در جریان حضور تیم النصر با همراهی ستاره پرتغالی خود به ایران، علاوه‌بر رفتارهایی که شأن و جایگاه مدیریت ورزشی را به چالش کشاند، جنبه‌های دیگری از مدیریت غیرحرفه‌ای ورزش کشور را آشکار کرد. در اینجا به دو جنبه از آن اشاره می‌کنم:

۱. غفلت از مدیریت سرمایه‌های فیزیکی و ملی: وضعیت نامناسب زمین چمن و چهره فرسوده سکوهای ورزشگاه آزادی نشان داد در مراقبت و نگهداری اماکن ورزشی و سازه‌های ملی باضعف عملکرد روبه‌رو هستیم و مدیریت این سرمایه‌های فیزیکی هنوز به اصول تخصصی و نگاه دلسوزانه مجهز نشده است. کاهش عمر مفید و نزول بهره‌وری امکانات و سازه‌های ورزشی همچون مجموعه ورزشی آزادی موجب زیان‌های اقتصادی، ورزشی، فرهنگی و اعتباری می‌شود که این مساله چندوجهی باید مورد توجه جدی قرار گیرد و مدیریت مجموعه‌های ورزشی با بازنگری ذیل مدیریت تخصصی و کارآمد سپرده شود. نسپردن مدیریت مجموعه‌های ورزشی به متخصصان و اهالی فن و فقدان ارزیابی عملکرد مدیران آنها، موجب استهلاک میراث و اموال ملی و به چالش کشیدن شدن شأن و اعتبار کشورمان می‌شود.

همان‌طورکه کیفیت چمن ورزشگاه آزادی دستمایه تمسخر و موجب خجالت‌مان شد، ورزش‌های رسانه‌ای چون فوتبال می‌تواند فراتر از مرزهای ورزشی، در ساختن الگوی ادراکی ملت‌ها از میزان پیشرفت و توسعه یک کشور اثر بگذارد. بنابراین نباید نسبت به جزئی‌ترین موارد هم نگاه سرسری و سهل‌انگارانه داشت. از این رو نگهداری و سرمایه‌گذاری در بازسازی و نوسازی مجموعه‌های ورزشی، یکی از وظایف و تکالیف مدیریتی در ورزش است. به‌عبارت دیگر امروز روز مراقبت از سرمایه‌های فیزیکی ورزش به‌شیوه علمی و تخصصی یکی از جنبه‌های مدیریت ورزشی و شهری محسوب می‌شود. کیفیت میزبانی و عملکرد مدیران ورزشی در سفر رونالدو به ایران مورد رضایت و تایید اجتماعی قرار نگرفت.

۲. اهمیت مدیریت رویدادهای ورزشی: به‌دلیل اثربخشی و هم‌پیوندی حوزه‌های اجتماعی باید در نظر داشت که مدیریت ورزشی، شاخه‌ای تک‌بخشی و تیم‌ها محدود به مسائل فنی ورزشی نیست، بلکه حوزه‌ای چندساختی و انگاره‌ای چندوجهی است. بدیهی است حضور در مسابقات بین‌المللی با میزبانی از تیم‌های خارجی همراه است. در این عرصه میزبانی با تشریفات و آمادگی همه جانبه و خدمات رسانی استاندارد تعریف می‌شود و اگر شاخص‌های استاندارد رعایت نشود جلوه‌ای از ناکارآمدی و ضعف مدیریت را نشان می‌دهد، مساله‌ای که در باشگاه‌های ما به‌ندرت رعایت می‌شود. در سفر اخیر تیم النصر در پس رفتارهای نمایشی، کیفیت پایین مدیریت باشگاه پرسپولیس به چشم آمد که نشان می‌دهد در بخش مدیریت هم بازی را به رقیب خود واگذار کردیم. امروز با توجه به پوشش رسانه‌ای گسترده و قدرت نفوذ ورزش در جامعه، رفتارهای مدیران زیر ذره‌بین نقادانه قرار می‌گیرد و یک خطا و سهل‌انگاری می‌تواند اعتبار بین‌المللی، کیفیت میزبانی و دیپلماسی ورزشی را به چالش بکشاند. مدیریت یک شاخه استراتژیک زیربنایی مورد استفاده حوزه‌های مختلف از جمله ورزش است که یک ابزار طلایی در اداره و بهبود امور ورزشی محسوب می‌شود. از طرفی چشم‌پوشی از خطای مدیران، بحران‌آفرین است. به‌گواه تاریخ هر وقت جامعه نسبت به اشکالات و ایرادهایش بی‌تفاوت شد، خودش قربانی این بی‌تفاوتی می‌شود. همان‌طورکه عدم پرسشگری از عملکرد گذشته، مسائل و مشکلات مختلف بعدی را به‌وجود آورده است. با توجه به نیاز جامعه و همچنین شتاب تغییرات جهانی و خیز پیشرفت‌گرایی کشورهای دیگر، ایران را باید کشور واجب‌التوسعه بنامیم و بر این اساس حفظ وضع فعلی و رضایت به آنچه موجود است، قابل پذیرش نیست و نوعی واپس‌گرایی محسوب می‌شود. ما باید آگاه به شرایط و تحولات جهانی و در فکر ساخت آینده خویش باشیم، بنابراین رویکرد تخصصی و علمی در حوزه مدیریت باید در اولویت برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های دستگاه ورزش کشور باشد. وجود سیاست‌زدگی، انحصار و انسداد جریان گردش شایستگان در حوزه مدیریت ورزش، گونه‌ای خودتخریبی است که موجب کاهش توان و عملکرد دستگاه ورزش و قمار با اعتبار و آبروی ملی می‌شود. در جامعه ورزش کشور ایجاد فرصت و اختصاص هزینه‌های بسترساز، امری ضروری و گریزناپذیر است. باید به منظومه مدیریت ورزش معنا و محتوا بخشید و در آن تخصص و دانش شغلی را به رسمیت شناخت تا فضایی جهت ورود تفکرات نو و اثربخشی نیروهای سازنده فراهم شود.

سرخابی‌ها به دنبال زمین برای میزبانی

لیگ قهرمانان هم از آزادی خارج می‌شود؟

دو باشگاه استقلال و پرسپولیس از وضعیت چمن زمین شماره یک ورزشگاه آزادی رضایت ندارند و به دنبال این هستند تا در ورزشگاه دیگری میزبان حریفان خود باشند. در همین راستا روز یکشنبه (دو روز پیش) نشست مشترکی بین مهدی تاج، علی خطیر، رضا درویش و علی جوادی (مدیرکل ورزش استان تهران) برگزار شد تا طرفین به یک جمع‌بندی برسند. در این میان وزارت ورزش و شرکت توسعه و تجهیز به دنبال این هستند تا چمن ورزشگاه آزادی را بازسازی اساسی کنند و در همین راستا لازم است تا احتمالا چند ماه بازی در این ورزشگاه برگزار نشود. با توجه به همین مساله پرسپولیس و استقلال باید هرچه زودتر راهکاری برای حل این مساله پیدا کرده و محل بازی‌های خانگی خود را در رقابت‌های داخلی مشخص کنند. در تهران ورزشگاه تختی حداقل تا بهمن ماه شرایط میزبانی از تیم‌های لیگ برتری را ندارد. ورزشگاه دستگردی هم مجوز میزبانی از تماشاگران سرخابی را ندارد و از این‌رو این دو باشگاه مجبورند بازی‌های خود را بدون تماشاگر در این ورزشگاه برگزار کنند یا اینکه بازی‌های خود را در یکی از شهرستان‌ها برگزار کنند. مساله دیگر اینکه پرسپولیس و نساجی ورزشگاه آزادی را محل میزبانی بازی‌های خانگی خود در لیگ قهرمانان معرفی کرده‌اند و چنانچه به AFC ثابت کنند این ورزشگاه شرایط لازم را برای میزبانی ندارد، آن وقت می‌توانند در ورزشگاه دومی که به AFC معرفی کرده‌اند میزبان حریفان آسیایی خود باشند.

هایجک دوباره گل‌گهر از استقلال؟

یک مدیر تیم سیرجانی: تیم را بسته‌ایم و بازیکن جدید نمی‌خواهیم

تیم فوتبال استقلال در حالی به‌منظور تقویت خود اقدام برای جذب بازیکنان جدید را مجددا در دستور کار قرار داده که تکلیف جذب دو بازیکن آرژانتینی و ازبکستانی و انعقاد قرارداد با این نفرات در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. درباره بلانکو با وجود آنکه با این بازیکن عقد قراردادی صورت نگرفته، شنیده می‌شود قرار است منزل مسکونی در نظر گرفته شده برای وی تغییر کرده و از سعادت‌آباد راهی حوالی کمپ حجازی شود. این در حالی است که درخصوص جلال‌الدین ماشاریپوف ازبکستانی نیز اخبار حکایت از آن دارد که به تازگی پیشنهاد رسمی استقلالی‌ها به دست وی رسیده و قرار است مذاکرات بر سر جذب این بازیکن ادامه پیدا کند. نکته قابل توجه درباره ماشاریپوف اینکه طی روزهای اخیر برخی از رسانه‌ها از هایجک بازیکن ازبک توسط گل‌گهر سیرجان خبر دادند تا درصورت تحقق این امر، باشگاه سیرجانی بعد از تورس دومین ضربه را هم به آبی‌پوشان پایتخت زده باشد. البته به نظر نمی‌رسد این خبر صحت داشته باشد؛ چراکه یکی از مدیران گل‌گهر در این خصوص به خبرنگار «فرهیختگان» گفت: «تا جایی که می‌دانم ما تیم خود را بسته‌ایم و برنامه دیگری برای جذب بازیکن جدید نداریم. این خبر هم درست نیست و آن را تکذیب می‌کنیم.»

سفر زودهنگام به قطر فعلا قطعی نیست

درخواست پرهزینه یحیی برای پرسپولیس

یحیی گل‌محمدی به دنبال این است که تیمش قبل از بازی با الدحیل سه جلسه تمرین در دوحه داشته باشد. از این‌رو او خواسته سرخپوشان روز جمعه پیش‌رو عازم دوحه شده و از همین روز تمرینات خود را در این شهر برگزار کنند. این در شرایطی است که سرخپوشان در شرایط عادی باید یکشنبه صبح عازم دوحه شده و یک روز هم در زمین اصلی تمرین داشته باشند و روز دوشنبه هم بعد از بازی سریعا عازم تهران شوند. اما خواسته یحیی چند جلسه تمرین در دوحه و ریکاوری در آنجاست که قطعا هزینه سنگینی را روی دست باشگاه پرسپولیس خواهد گذاشت. در همین راستا تلاش رضا درویش این است که شرایط را برای آماده‌سازی هرچه بهتر تیمش فراهم کند اما تا الان موفق به قطعی کردن سفر زودهنگام سرخپوشان به دوحه نشده است. در این مورد باید تامین مالی صورت گیرد که با شرایط مالی بد باشگاه پرسپولیس باید دید چه پیش خواهد آمد. ناگفته نماند برخی از مسئولان باشگاه پرسپولیس در نظر دارند در این سفر همراه تیم‌شان باشند که درصورت سفر روز جمعه سرخپوشان به دوحه، آنها دو روز بعد راهی این شهر خواهند شد.

سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

گزارش ویژه «فرهیختگان»: شبکه نمایش خانگی در ۶ ماه اول سال نتوانست برگ جدیدی رو کند و کیفیت عمومی آثار کاهش پیدا کرد

پلتفرم‌ها درجا زدند

مصطفی قاسمیان
خبرنگار

صنعت نمایش خانگی در بیش از یک دهه فعالیت، محصولات موفق و پرتماشاگری را روانه بازار کرده و همه‌ساله نیز آثار جذاب و چشمگیری برای عرضه به مخاطبان داشته که برخی مانند «شهرزاد»، «خاتون»، «یاغی» و «پوست شیر» موجی از استقبال مردمی را برانگیختند، اما بعضی دیگر نتوانستند به آن حد از موفقیت برسند و بیشتر نقش پر کردن سبد محصولات پلتفرم‌ها را برعهده گرفتند. با این حال برخی سریال‌ها نیز به قدری پایین‌تر از حد انتظار، ضعیف و کم‌مخاطب از آب درآمدند که محصولاتی یکسره شکست‌خورده لقب گرفتند. اینها البته اقتضای طبیعی یک صنعت است؛ چراکه نمی‌توان انتظار داشت همه محصولات یک صنعت، موفق و جالب توجه باشند. در این میان اما به نظر می‌رسد سال ۱۴۰۲ که حالا دیگر نیمی از آن گذشته، سال خوبی برای سریال‌های نمایش خانگی محسوب نمی‌شود و شمار مجموعه‌های شکست‌خورده و کم‌بیننده در آن بالاست؛ تا جایی که جز «حیثیت گمشده»، به سختی بتوان سریال غیرتلویزیونی بزرگسالانه‌ای یافت که در سال ۱۴۰۲ آغاز شده و مخاطب قابل توجهی جذب کرده باشد. جالب است که در جمع مجموعه‌های موفق امسال، ۳ اثر «پوست شیر»، «رهایم کن» و «آکتور» از جمله سریال‌هایی‌اند که در سال ۱۴۰۱ آغاز شده و امتداد آنها به ۱۴۰۲ رسیده. در این پرونده با بررسی ۱۸ مجموعه که حداقل ۵ قسمت از آنها در سال ۱۴۰۲ منتشر شده، به بررسی کارنامه سریال‌های نمایش خانگی در نیمه نخست این سال پرداختیم و به همین دلیل، آثاری مانند «مترجم» و «جیران» که در همان روزهای اول سال به پایان رسیدند را کنار گذاشتیم.

انتشار روی دست مانده‌ها

می‌دانیم که سریال‌های پلتفرمی دو دسته هستند؛ یک گروه، آثاری که از ابتدا با سرمایه‌گذاری پلتفرم تولید می‌شوند و دیگری محصولاتی که خارج از پلتفرم‌ها و به شکل مستقل تولید و آماده می‌شوند و بعد، برای عرضه به پلتفرم‌ها داده می‌شوند. یکی از پدیده‌های جدید سال ۱۴۰۲، انتشار مجموعه‌هایی است که خارج از پلتفرم‌ها تولید شده و برای چند سال، بی‌مشتری مانده بودند. «آمستردام» اثر مسعود قراگزلو، «عقرب عاشق» به کارگردانی حسین سهیلی‌زاده و «پدرگوارد یولا» ساخته سعید نعمت‌الله، سه محصولی هستند که تا اینجای کار، این گروه را شکل می‌دهند که البته باید به آنها «خائن‌کشی» اثر مسعود کیمیایی را که اثری سینمایی بود و پیش‌بینی می‌شد در اکران عمومی ناموفق باشد و همچنین «دادزن» به کارگردانی سیامک خواجه‌وند را هم اضافه کرد که اگرچه توسط پلتفرم پخش‌کننده‌اش (فیلم‌ناب) ساخته شده بود، اما برای مدت‌ها آماده پخش قرار داشت و در دسترس قرار نمی‌گرفت. حضور پنج اثر که روی دست سازندگان‌شان مانده بودند و پس از پخش مشخص شد بی‌انگیزگی پلتفرم‌ها برای انتشار آنها بی‌جهت نبوده، از عوامل پایین آمدن سطح کلی سریال‌های خانگی در سال ۱۴۰۲ به شمار می‌رود. اما باید پرسید چه اتفاقی افتاده که پلتفرم‌ها مجبور به انتشار چنین آثاری شدند؟ آیا تولید رونق سابق را ندارد؟ شواهد نشان می‌دهد که این اتفاق رخ داده و پلتفرم‌ها به اندازه گذشته، محصول در حال تولید و آماده پخش ندارند.

افزایش سریال‌های کوتاه

صنعت نمایش خانگی یک تغییر جالب توجه دیگر را نیز تجربه می‌کند که کاهش تدریجی قسمت‌های سریال‌هاست. نه نسبت به «قهوه تلخ» بیش از ۱۰۰ قسمتی، بلکه سریال‌ها نسبت به «دل» ۴۰ قسمتی، «جیران» ۵۲ قسمتی و «آقازاده» ۲۹ قسمتی کاهش شمار قسمت‌ها را تجربه می‌کنند. این روزها اغلب مجموعه‌های خانگی حدود ۱۵ قسمت دارند و بدون احتساب معدود فیلم‌های تبدیل‌شده به سریال مانند «روز بلوا» و «خائن‌کشی»، شمار آثاری با ۱۰ قسمت یا کمتر نیز بیش از گذشته شده است؛ به‌طوری که در نیمه اول سال، یک مجموعه ۹ قسمتی و سه مجموعه ۱۰ قسمتی به نمایش درآمد که از سال‌های گذشته، بیشتر به نظر می‌رسد. گویی پلتفرم‌ها برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری چندده میلیارد تومانی روی هر اثر، ترجیح می‌دهند قصه‌هایی کوتاه‌تر را در تعداد قسمت‌های کمتر بسازند تا اگر در میانه اثر، متوجه شکست محصول شدند، ضرر کمتری ببینند.

موفقیت سریال‌های کودک

به خلاف سریال‌های بزرگسالانه که اغلب شکست خوردند و محصولات در خور توجه کم‌شماری برای مخاطب بزرگسال در این سال به انتشار رسید، محصولات کودک و نوجوان سال موفقی در نمایش خانگی سپری کردند. بهار ۱۴۰۲، بازار نمایش خانگی در اختیار «دیو و ماه‌پیشونی» قرار داشت که همزمان از چند پلتفرم منتشر شد و برای نخستین بار، همکاری فیلیمو و فیلم‌نت را در غیاب نماوا رقم زد؛ اثری که نسبتا پربیننده هم شد. با شروع فصل تابستان، فیلیمو مجموعه «جزیره جادویی پیکولو» و فیلم‌نت مجموعه «فوفو: مسافری از کامادو» را منتشر کردند تا این دو پلتفرم، در عین رقابت در این عرصه، نشان دهند برای انتشار محصولات کودک، برنامه ویژه‌ای دارند. با همزمانی دو سریال در ایام تابستان که انتشار هر دو تا پایان این فصل به طول انجامید، روشن شد که پلتفرم‌ها برای استفاده از اوقات فراغت کودکان و پر کردن آن برنامه‌ریزی دارند.

جزیره جادویی پیکولو

مجموعه «جزیره جادویی پیکولو» اثری در قالب عروسکی، رئال و انیمیشن است که برای کودکان ساخته شده و اولین تجربه سریال‌سازی علی احمدی، کارگردان جوان تئاتر در عرصه نمایش خانگی به شمار می‌آید. هومن حاجی‌عبداللهی و مهسا طهماسبی تنها بازیگران این اثرند و دیگر شخصیت‌های سریال، عروسک‌هایی با صداپیشه‌های شاخص و شناخته‌شده‌اند. «پیکولو» در قسمت‌هایی کوتاه، قصه‌هایی متنوع، آموزنده و بامزه را برای کودکان به تصویر می‌کشد و رنگ‌ولعاب و موسیقی‌های جذابی برای خردسالان دارد. حاجی‌عبداللهی هم البته تجربه کار با عروسک‌ها را در تلویزیون دارد و از همین روست که اغلب کامنت‌ها هم درباره حضور او در این اثر، مثبت است. پیکولو البته در جذب کودکان سنین بالاتر از ۷-۶ سال موفق نیست و با فهم آنها از موضوعات مختلف تناسب ندارد.

دیو و ماه‌پیشونی

تنها سریال کودک نمایش خانگی در بهار ۱۴۰۲ که البته دو قسمت از آن در اسفند سال گذشته منتشر شد، اثری به کارگردانی حسین قناعت بود که تجربیات مثبتی در زمینه ساخت پروژه‌های تصویری ویژه کودکان دارد. قناعت البته در این اثر نیز مانند اغلب آثار اخیرش و همچنین بیشتر سریال‌های کودک و نوجوان، محصولی فانتزی را روانه بازار کرد که قصه‌ای سرراست، اما پرماجرا را برای کودکان و نوجوانان روایت می‌کرد و اشتیاق آنها را برای تماشای قصه و ماجراجویی سیراب می‌کرد. «دیو و ماه‌پیشونی» از حضور چهره‌هایی چون علی صادقی، لیلا اوتادی، رامین ناصرنصیر، حسن پورشیرازی، افسانه بایگان و رضا شفیعی‌جم بهره می‌برد و کامنت‌های مثبتی هم در شبکه‌های اجتماعی گرفت. این سریال البته به خلاف «پیکولو» و «فوفو» که برای خردسالان مناسبند، برای مخاطب بیشتر از ۱۲ سال تولید شده بود.

فوفو: مسافری از کامادو

یکی از دو سریال کودک نمایش خانگی که از تابستان ۱۴۰۲ شروع شده، «فوفو: مسافری از کامادو» محصول فیلم‌نت است که به کارگردانی میثم معراجی ساخته شده. این سریال با حضور جمعی از چهره‌های آشنای تلویزیون مانند سید جواد رضویان، الیکا عبدالرزاقی، بهراد خرازی، پاشا جمالی، رضا شفیعی‌جم، السا فیروزآذر، یوسف صیادی و لاله صبوری اثری در ژانر کمدی و فانتزی است که از مولفه‌های آشنای سینمای کودک در سال‌های اخیر بهره می‌برد و احتمالا از معدود سریال‌های محبوب نمایش خانگی (در میان مخاطب هدف آن) است. «فوفو» هرچند سروصدای زیادی به راه نینداخته، اما کودکان خردسال را سرگرم می‌کند و برای آنان لحظات شیرینی دارد. اگرچه در فیلمنامه نکاتی هم برای جذب مخاطب بزرگسال تعبیه شده، اما قصه سهل‌گیرانه آن تنها برای بیننده کودک جذابیت دارد.

دادزن

در سال‌های اخیر جریان کمدی‌های خالتور سینما، در نمایش خانگی هم امتداد یافته که «دادزن»، آخرین مورد از این دست به شمار می‌رود. این سریال محصولی از پلتفرم فیلم‌ناب و به کارگردانی سیامک خواجه‌وند از همان قسمت نخست، سه هیچ از رقبای کمدی خود در پلتفرم‌های رقیب عقب بود. ایفای نقش اصلی توسط بهرنگ علوی و حضور جمعی از بازیگران روتین سریال‌های تلویزیون نظیر نسرین مقانلو، رضا فیاضی، علیرام نورایی، محمدرضا رهبری، نفیسه روشن و امیر کربلایی‌زاده روشن می‌کرد که دادزن در لیگ متفاوتی نسبت به بقیه محصولات کمدی بازی می‌کند. شوخی‌های کهنه و از مد افتاده، شخصیت‌هایی شبیه به کمدی‌های دهه ۷۰ با چهره‌پردازی اغراق‌آمیز و داستان و موقعیت‌هایی دستمالی شده، نشان می‌داد که این سریال نمی‌تواند موفق و پربیننده شود و نشد.

قهوه ترک

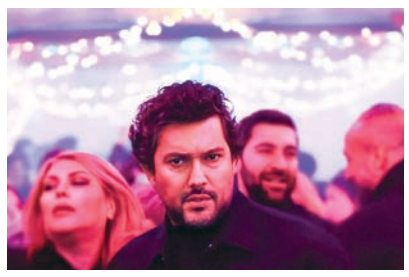

سریال «قهوه ترک» جدیدترین اثر پایان‌یافته نمایش خانگی که تقریبا در تمام طول تابستان در حال پخش اختصاصی از پلتفرم فیلم‌نت بود، با حضور ستاره‌هایی چون حامد بهداد، سارا رسول‌زاده، امیر جعفری، مجتبی پیرزاده و بهاره کیان‌افشار اثری کم‌وبیش پربیننده بود که رضایت کمی را از مخاطبان جلب کرد. این مجموعه به کارگردانی علیرضا امینی، با وجود آنکه از حضور نغمه ثمینی نویسنده «شهرزاد» به‌عنوان یکی از دو طراح قصه بهره می‌برد، اما از نظر بسیاری مخاطبان، ضرباهنگی پایین و منطقی ناقص در قصه داشت و شخصیت‌های اصلی آن دور خودشان می‌چرخیدند. قهوه ترک به این دلایل مورد انتقاد قرار گرفت، اما پایان‌بندی مبهم و عجیب اثر در قسمت هجدهم، میخ آخر تابوت این سریال بود که به نسبت معمول سریال‌ها، مخاطب قابل توجهی جلب کرده بود، اما آنها را درنهایت ناراضی کرد.

آمستردام

اولین سریال مسعود قراگزلو که با حضور پرتعداد بازیگران شناخته‌شده مثل مهدی پاکدل، هنگامه قاضیانی، شهرام حقیقت‌دوست، مهدی سلطانی و مجتبی پیرزاده همراه بود، بعد از گذشت چند سال از تولید، بالاخره بهار امسال به‌عنوان اولین محصول پلتفرم تماشاخونه آغاز شد اما قسمت آخر آن نزدیک به دو ماه است که بدون دلیل مشخص، متوقف شده و پخش نمی‌شود. جدا از این تاخیر عجیب، گنگستربازی‌های غیرقابل باور، بازی تصنعی برخی هنرپیشه‌ها خصوصا یکی دو بازیگر جدید و ماجراهای پرخون خارجی‌طور انتقادات تماشاگران را برانگیخت. «آمستردام» اگرچه به نظر اثری تین‌ایجری می‌ماند و از قضا با همین سبک و سیاق، تماشاگرانی نیز جذب کرده، اما درمجموع اثری ناموفق محسوب می‌شود که اغلب مخاطبانش بعد از دو سه قسمت اول، تماشای آن را کنار گذاشتند.

ادامه در صفحه ۱۳

سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مگه تموم عمر چند تا بهاره؟

سروش صحت بعد از پایان «فوق لیسانسه‌ها» و تمدید نشدن «کتاب‌باز» از سوی تلویزیون، ترجیح داد بیشتر به سینما و نمایش خانگی بپردازد و حاصل آن، ادامه مسیرش برای خلق طنزی با مایه‌های سوررئال در «مگه تموم عمر چند تا بهاره؟» شد. این سریال که پخش آن از اوایل تابستان آغاز شد و تاکنون به قسمت ۱۲ رسیده، اثری است که مخاطبان را به دو دسته تقسیم کرده؛ عده‌ای در هر قسمت بیشتر با آن ارتباط برقرار می‌کنند و عده‌ای از ابتدا سبک شوخی‌های آن را نپسندیدند. در عین حال، آنچه روشن است، اینکه «مگه تموم عمر...» با وجود پخش مشترک در پلتفرم‌های پرکاربر فیلیمو و نماوا، نتوانست موج بزرگی از تماشاگران را با خود همراه کند و اگرچه ممکن است اثری شکست‌خورده محسوب نشود، اما نمی‌توان به آن صفت «پربیننده» را اطلاق کرد.

خائن‌کشی

مسعود کیمیایی که بیش از یک دهه است با هیچ فیلمی منتقدان یا تماشاگران را به وجد نیاورده و در سینما پی در پی شکست را تجربه کرده، با نمایش فیلم «خائن‌کشی» در جشنواره فجر، حمایت طیفی از منتقدان و مخاطبان را جلب کرد؛ فیلم البته اکران نشد و نسخه مفصل‌تر آن به شکل مینی‌سریال در تابستان ۱۴۰۲ نماوا منتشر شد. سریال بسیار پرستاره خائن‌کشی با حضور امیر آقایی، پولاد کیمیایی، مهران مدیری، پانته‌آ بهرام، سارا بهرامی، سام درخشانی، نرگس محمدی، رضا یزدانی، فرهاد آئیش و حمیدرضا آذرنگ امتیازات مثبتی در رنگ، نور، فیلمبرداری، طراحی صحنه و حتی بازی‌ها دارد، اما باز هم نتوانست موجی در میان کاربران راه بیندازد که دلیل آن را می‌توان ضعف در درام، شخصیت‌پردازی، قصه‌پردازی و حتی الکن بودن فیلمنامه دانست.

عقرب عاشق

«عقرب عاشق» به کارگردانی حسین سهیلی‌زاده، اثری در ژانر درام عاشقانه و علمی - تخیلی است؛ ژانری که در کشورمان محصولات کمی دارد. سریال اگرچه از این جهت اثری جالب توجه به شمار می‌آید، اما از همین مساله ضربه دیده؛ چراکه به علت داشتن صحنه‌های باورناپذیر فضایی و کهکشانی و همچنین موجودات عجیب‌وغریب فضایی، مورد انتقاد بسیاری از کاربران قرار گرفته است. سهیلی‌زاده که پس از شروع کار در نمایش خانگی روند نزولی جدی آغاز کرده، پس از «مانکن» و «ملکه گدایان» با عقرب عاشق شکست دیگری را تجربه می‌کند. سریال او مدت‌ها آماده پخش بود و حتی ترانه تیتراژ آن یک سال پیش رونمایی شد، اما از اوایل تابستان ۱۴۰۲ در نماوا به انتشار رسید. عقرب عاشق از حضور محمدرضا فروتن، آرمان درویش، آتنه فقیه‌نصیری، حسین پاکدل، متین ستوده و رضا بهبودی بهره می‌برد.

حیثیت گمشده

ازجمله معدود سریال‌های موفق امسال، «حیثیت گمشده» به کارگردانی سجاد پهلوان‌زاده است که در تابستان ۱۴۰۲ در فیلیمو منتشر شد. این سریال اثری تقریبا کم‌هزینه و کم‌ستاره به شمار می‌رفت که تنها از مهدی حسینی‌نیا، بهاره افشاری و الناز حبیبی بهره می‌برد، اما با استفاده از فرمول‌های فیلمفارسی توانست توجه مخاطب را جلب کند و محصولی عامه‌پسند لقب گیرد. طرح معمایی ناموسی که با جوشش غیرت مردانه و انتقام‌جویی همراه شد، همراه با بازی خوب بازیگران اصلی، از این سریال محصولی موفق ساخت. با این کامیابی، هم سجاد پهلوان‌زاده کارگردان و احمد سلگی نویسنده حیثیت گمشده پرکارتر خواهند بود و هم محصولاتی شبیه به این سریال بیشتر خواهد شد. این اثر با داشتن ۹ قسمت، دومین سریال کوتاه نمایش خانگی در نیمه نخست سال ۱۴۰۲ به شمار می‌آید.

سیاه‌چاله

اولین سریال کمدی حسین نمازی که در نیمه دوم بهار ۱۴۰۲ پخش می‌شد، نه توانست گل طلایی را بزند و نه اثری شکست‌خورده لقب گرفت. «سیاه‌چاله» در قصه خود جذابیت‌هایی داشت که بخشی از مخاطبان را جذب می‌کرد، اما آنقدر که بیننده از محصولات کمدی سینما، تلویزیون و نمایش خانگی انتظار دارد، نتوانست خنده‌دار باشد. این سریال ۱۰ قسمتی محصول فیلم‌نت با حضور مهران احمدی، ژاله صامتی، حسن پورشیرازی، الناز حبیبی، مجید نوروزی، عباس جمشیدی‌فر و بهرنگ علوی اگرچه ویترین مناسبی داشت، ولی اغلب آنها در خنداندن مخاطب ناکام بودند و حتی مهران احمدی نیز نتوانست سایه‌ای از «بهبود» سریال «پایتخت» باشد. تغییر مسیر قصه در میانه اثر نیز که آن را به فضای پلیس، دادگاه و... برد و این سریال را جدی‌تر کرد، از دلایل انتقادات مخاطبان به سیاه‌چاله بود.

زخم‌کاری: بازگشت

سریال پربیننده «زخم کاری» که در سال ۱۴۰۰ منتشر می‌شد، آنقدر موفق بود که پلتفرم فیلیمو و تیم سازنده را وسوسه کرد که فصل دوم آن را جلوی دوربین ببرند. فصل دوم آن از حدود ۲۰ روز پیش آغاز شده و شاید قضاوت آن در این مقطع درست نباشد، اما آنقدر که پیداست، اینکه واکنش‌ها به آن مثبت نبوده و لااقل به اندازه انتظاراتی که به واسطه محبوبیت فصل اول ایجاد شده بود، نیست. در این فصل چهره‌هایی مانند کامبیز دیرباز و مهران غفوریان به سریال اضافه شدند و از قضا دیرباز که ظاهرا دارای نقشی مهم در این فصل است، از نظر چهره‌پردازی و نقش‌آفرینی بیشترین واکنش‌های منفی را دریافت کرده. با این حال به هر حال کارگردان سریال محمدحسین مهدویان است که پروژه‌های مخاطب‌پسند کم نداشته و هنوز زود است که فصل دوم آن را اثری شکست‌خورده بدانیم.

نیوکمپ

تازه‌ترین تجربه کارگردانی منوچهر هادی که این بار کوتاه‌تر از سریال‌های قبلی‌اش بود، در تنها ۱۰ قسمت، یک ماجرای نیمه‌فوتبالی را روایت می‌کرد و از حضور بازیگرانی چون اکبر عبدی، حمید گودرزی، حسن معجونی، بهاره افشاری، حامد آهنگی، ایمان صفا و فرزاد فرزین بهره می‌برد. «نیوکمپ» مانند دو سریال قبلی هادی از سوی منتقدان جدی گرفته نشد و مثل «نیسان آبی»، در میان مخاطب عام نیز نظرات متفاوتی را برانگیخت که برخی آن را جذاب و دنبال‌کردنی می‌دانستند و برخی دیگر به علت آنکه نمی‌توانست مخاطب را به قهقهه وادارد، این اثر را نپسندیدند. نیوکمپ درمجموع محصولی پربیننده و موج‌ساز نشد، اما شوخی‌های کاراکتر حامد آهنگی، بیش از دیگر فصول این سریال مورد توجه قرار گرفت. این اثر از نیمه اردیبهشت تا نیمه تیر ۱۴۰۲ منتشر شد، اما خیلی‌ها متوجه آمدن و رفتنش نشدند!

پدرگوارديولا

یکی از پرستاره‌ترین سریال‌های نمایش خانگی که اولین تجربه کارگردانی سعید نعمت‌الله در این مدیوم به شمار می‌رود، با گذشت مدت‌ها از تولید، بالأخره از مرداد ماه در پلتفرم تماشاخونه به انتشار رسید. از این اثر تاکنون ۶ قسمت اصلی و یک قسمت پیش‌درآمد منتشر شده، اما در همین قسمت‌ها با واکنش‌های اغلب منفی مواجه شده؛ چراکه عده‌ای آن را برای داشتن شخصیت‌های اغراق‌شده، دیالوگ‌های آهنگین و فضای شلوغ‌پلوغ نمی‌پسندند و به نظر می‌رسد آنقدر که از ستاره‌های فراوان آن مانند حمید فرخ‌نژاد، ستاره اسکندری، امیرمهدی ژوله، هنگامه قاضیانی، مهدی سلطانی، مهران مدیری، نرگس محمدی، آرش عدل‌پرور و... انتظار می‌رود، نتوانسته مخاطب جذب کند. گفته می‌شود تعداد قسمت‌های پدرگوارديولا بالاست و تا اواخر سال ۱۴۰۲ در حال پخش خواهد بود.

سریال‌هایی که در ۱۴۰۱ شروع و در ۱۴۰۲ تمام شدند

سرگیجه

سریال «سرگیجه» به کارگردانی بهرنگ توفیقی، از آثار ناموفق پلتفرم‌ها در دو سال اخیر است که ۱۰ قسمت آن در زمستان ۱۴۰۱ و ۱۴ قسمت آن در بهار ۱۴۰۲ به پخش رسید. این سریال جنایی و معمایی که از حضور حامد بهداد، رعنا آزادی‌ور، شبنم مقدمی، هادی حجازی‌فر و هومن سیدی بهره می‌برد، در قسمت‌های نخست فضای معمایی مناسبی داشت و واکنش‌های مثبتی برانگیخت، اما بعد از چند قسمت به تدریج ریتمی کند و کم‌اتفاق پیدا کرد و حتی در نیمه دوم آن، عملا دور خودش می‌چرخید و پیش نمی‌رفت. در میانه قصه سرگیجه بسیاری از مخاطبان از تماشای آن ناامید شدند و این اثر را رها کردند. بسیاری از همان‌ها هم که همچنان مخاطب سریال باقی ماندند، کامنت‌های فراوانی علیه این سریال نوشتند تا روشن شود اثری ناموفق در کارنامه سازندگان «سرگیجه» ثبت شده است.

آکتور

اولین سریال نیما جاویدی که در هر دو پلتفرم فیلیمو و نماوا به شکل مشترک به انتشار می‌رسید، اثری تقریبا محبوب و موفق از آب درآمد که بینندگان پرشماری داشت. حضور نوید محمدزاده، هانیه توسلی و احمد مهرانفر که همگی نقش‌آفرینی‌های خوبی نیز به نمایش گذاشتند، «آکتور» را به اثری قابل توجه تبدیل کرد. با این حال انتقاد برخی مخاطبان به پیش نرفتن قصه و تکرار موقعیت‌هایی مشابه، از جمله ضعف‌هایی بود که انتقاداتی را نیز نسبت به این اثر به وجود آورده بود. با این وجود، آکتور کیفیت بالای ساخت خود را تا پایان حفظ کرد و از معدود محصولات سریالی ایران بود که به یکی دو جشنواره خارجی هم راه یافت. با همه آنچه گفته شد، البته این سریال جزء آثاری بود که تماما در سال ۱۴۰۲ منتشر نشد و هشت قسمت از ۲۰ قسمت آن در سال قبل به انتشار رسید.

رهایم کن

بعد از «می‌خواهم زنده بمانم» دومین تجربه همکاری شهرام شاه‌حسینی در مقام کارگردان و مجید مولایی در مقام نویسنده نیز اثری موفق از آب درآمد. سریال «رهایم کن» محصول فیلیمو با تمام انتقاداتی که برانگیخت، با قصه‌ای جذاب و عامه‌پسند که تنه به فیلمفارسی می‌زد، نظر مثبت تماشاگران را جلب کرد و در زمان پخش، پرمخاطب شد. این سریال از حضور محسن تنابنده، هوتن شکیبا، هدی زین‌العابدین، مهدی حسینی‌نیا، حسن معجونی و آزاده صمدی بهره می‌برد. رهایم کن البته بیشترین انتقادات محتوایی را نیز برانگیخت که بخش زیادی از آن به نمایش شراب‌خواری کاراکترها برمی‌گشت. انتشار سریال در میانه دعوای ساترا و فیلیمو و درحالی‌که گفته می‌شد هیچ مجوزی از سوی ساترا ندارد، باعث تند شدن آتش علیه آن هم شد. پنج قسمت از ۱۸ قسمت این اثر در سال ۱۴۰۱ منتشر شد.

پوست شیر

مجموعه «پوست شیر» احتمالا با اختلاف بهترین و پرمخاطب‌ترین سریال خانگی در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ محسوب می‌شود. سریالی پلیسی ساخته برادران محمودی که با قصه‌ای جذاب و پرکشش، بازی‌هایی خوب و کارگردانی قوی، بیشترین واکنش‌های مثبت را از تماشاگران و حتی منتقدان سینما دریافت کرد. این اثر آنقدر محبوب از آب درآمد که پلتفرم فیلم‌نت را در حد رقبای اصلی‌اش بالا کشید. هادی حجازی‌فر، شهاب حسینی، پردیس احمدیه، علیرضا کمالی، مهرداد صدیقیان و پانته‌آ بهرام بازیگران اصلی این اثر بودند که تقریبا همگی تحسین شدند. پوست شیر در سه فصل هشت قسمتی (مجموعا ۲۴ قسمت) ساخته شد. این اثر را با اغماض می‌توان از محصولات ۱۴۰۲ نمایش خانگی به شمار آورد؛ چراکه تنها ۵ قسمت از آن در این سال به انتشار رسید و ۱۹ قسمت آن در ۱۴۰۱ در دسترس قرار گرفت.

ادامه از صفحه ۱۲

سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

رضا پهلوی و یک عمر شکست مطلق در دنیای سیاست

روزگار سخت شازده

علی فلاحی
خبرنگار

رضا پهلوی مانند دیگر چهره‌های اپوزیسیون این روزها دوران سختی را می‌گذراند. تجارت و کسب‌وکار براندازی که طی دهه گذشته به آرامی رو به گسترش بود، سال گذشته با اتفاقات پس از فوت مهسا امینی با سرعت بی‌سابقه‌ای رشد کرد و گسترش یافت. وقایع پاییز ۱۴۰۱ و تغییرات ناگهانی‌ای که شاهد آن بودیم بارقه‌های امید زیادی را در دل اپوزیسیون روشن کرد. خام‌ترهایشان مشغول روزشماری برای براندازی جمهوری اسلامی بودند و چمدان‌هایشان را برای بازگشت به ایران به‌قول خودشان آزاد بسته بودند، اما باتجربه‌ترهایشان با کوله‌باری از تجربه شکست‌های ریز و درشت براندازان را در دهه‌های گذشته، به‌خوبی می‌دانستند که باز هم خبری از براندازی نیست و سرمست از فرصت جدیدی که پیش آمده بود تنها به فکر افزایش سهم خود از منابع مالی سرشار اسپانسرهای پروژه براندازی بودند. اما دسته دوم نمی‌توانستند بدون شور و هیجان و انگیزه دسته اول کاری از پیش ببرند. ساده‌لوحانی باید می‌بودند که سراب را آب نمی‌دیدند و با تکاپوهای حقیقی و مجازی خود تنور پروژه براندازی را داغ نگه می‌داشتند تا دسته دوم همزمان که جلوی دوربین‌ها از نزدیک بودن روز پیروزی نهایی می‌گفتند، در پشت‌صحنه تلاش‌های دسته اول را برای اسپانسرها فاکتور کنند تا این‌گونه از سرابی که حتی یک قطره آب هم نداشته ماهی خود را گرفته باشند. اما رفته‌رفته و با گذشت زمان، هرچه پیاده نظام اپوزیسیون به سراب پوچ رویای براندازی نزدیک‌تر می‌شدند و هرچه بیشتر درد سیلی‌های محکم واقعیت را روی صورت‌های خود حس می‌کردند، تکاپوی سردمداران اپوزیسیون برای زنده نگه‌داشتن جریان نیمه جان براندازی بیشتر می‌شد. اگر براندازی برای پیاده نظام رویا و آرمانی بود که روز و شب چشم انتظارش بودند، برای رهبران اپوزیسیون کسب‌وکاری بیش نبود. اما تجارتی بسیار پرسود که به هیچ قیمتی حاضر نبودند از شیرینی آن دست بکشند. اما این تکاپوی سردمداران اپوزیسیون مانع سهم‌خواهی‌ها و خودخواهی‌های هریک از آنها نشد و با پایان شلوغی‌های خیابانی در ایران هریک از آنها به‌تنهایی مشغول دست‌وپا زدن برای حفظ پروژه نیمه جان براندازی شدند. درحالی‌که فرارسیدن سالگرد فوت مهسا امینی نیز نتوانسته این جریان نیمه جان را دوباره در خیابان‌ها و فضای مجازی زنده کند، روزگار برای چهره‌های شاخص اپوزیسیون که نگران از بین رفتن منابع درآمدشان هستند به سختی می‌گذرد. اما حساب رضا پهلوی از همه آنها جداست، چون هریک از آنها منبع درآمد دیگری به‌جز تجارت پررونق براندازی بازی دارند. اگر مسیح علی‌نژاد می‌تواند از تجربه خبرنگاری‌اش استفاده و از این راه کسب درآمد کند، اگر حامد اسماعیلیون می‌تواند روی مطب دندانپزشکی‌اش حساب کند، اگر نازنین بنیادی امیدوار است به حرفه سابقش که همه می‌دانیم و بهتر است چندان به آن نپردازیم برگردد، رضا پهلوی جز سرمایه‌های به‌سرقت‌رفته از ملت ایران و کسب درآمد از پروژه براندازی امیدی به هیچ‌گونه منبع درآمدی ندارد. او ۴۰ سال است که به‌قول خودش «تمام‌وقت مشغول فعالیت سیاسی علیه جمهوری اسلامی بوده و فرصتی برای هیچ کار دیگری نداشته است.» کسی مانند او که در هفتمین دهه زندگی‌اش هیچ حرفه و مهارت مشخصی ندارد، طبیعی است که بیش از همه نگران از دست رفتن این منبع بی‌نهایت پول و سرمایه باشد. از طرف دیگر او برخلاف سایر چهره‌های شاخص اپوزیسیون که به‌تازگی وارد عرصه تجارت براندازی شده‌اند، دوران کودکی و نوجوانی خود را در دربار پهلوی و با امید و آرزوی رسیدن به سلطنت گذرانده و امروز بیش از سایر اپوزیسیون در حسرت رسیدن به قدرت در ایران می‌سوزد. روح‌الله زم در مصاحبه‌ای درباره او گفته بود برخی شب‌ها در خانه خود برای سان دیدن از ارتش خیالی شاهنشاهی تمرین می‌کند. گرچه او به‌تازگی یاد گرفته که حرف از رفراندوم آزاد و تشکیل دموکراسی سکولار بعد از براندازی بزند اما سال‌ها خود و طرفدارانش با آرزوی بازگشت سلسله پهلوی به قدرت روزگار گذرانده‌اند. اما حالا امروز ولیعهدی که دستش به ته‌دیگ ۲۵۰۰ سال نظام شاهنشاهی هم نرسید و در آستانه رسیدن به سلطنت کاخ آرزوهایش فرو ریخت، بیش از همیشه شکست‌خورده و درمانده است. ۴۳ سال از روزی می‌گذرد که در قاهره سوگند پادشاهی یاد کرد اما امروز بیشتر از همیشه از رویای دیرین خود دور شده و با ته کشیدن منابع مالی‌ای که پدر و مادرش از ملت ایران دزدیده بودند در تکاپوی زنده نگه‌داشتن تجارتش و پول به دست آوردن از تنها راهی است که درطول ۴۴ سال گذشته یاد گرفته است؛ درآمدزایی از اپوزیسیون‌بازی. به بهانه حال و روز اسفناک رضا پهلوی بر کارنامه ۴۰ سال فعالیت سیاسی که او سراسر شکست مطلق بوده نگاهی می‌اندازیم و شرایط امروز او را بیشتر بررسی می‌کنیم.

۴۳ سال پر از حسرت و شکست

گرچه او هیچ‌گاه شخصیت سیاسی موثری نبوده و نیست اما اولین فرزند پسر شاه مملکت که باشی، ناخواسته تولدت هم اتفاقی سیاسی است؛ خصوصا وقتی که شاه از دو همسر اولش هیچ پسری نداشت و خاندان پهلوی نگران سرنوشت مبهم ادامه سلطنتش بود. اما با به دنیا آمدن رضا همه چیز تغییر کرد و همه فکر می‌کردند که او قرار است شخصیت مهمی در آینده سیاسی ایران باشد. وی از هفت سالگی رسما ولیعهد سلسله پهلوی شد و از همان سن برای برعهده گرفتن سمت پادشاهی ایران آموزش می‌دید و آماده می‌شد. او دوران کودکی خود را در ناز و نعمت گذرانده است؛ از شش سالگی در کاخ اختصاصی خود زندگی می‌کرد، در تولد هفت سالگی تاج ولیعهدی به سر گذاشت و طبیعی است که در تمام ایام کودکی و نوجوانی‌اش با رویای تاج و تخت پادشاهی زندگی کرده بود. اما در ۱۸ سالگی وقتی که در آمریکا بود، خانواده‌اش از ایران فرار کردند و با سقوط نظام پادشاهی در ایران تمام رویاهای او بر باد رفت. حسرت همین رویای از بین رفته تا امروز با او باقی مانده و تمام تلاش‌ها و تکاپوهایش در ۴۰ سال گذشته اگرچه بی‌ثمر و بی‌فایده، اما در راستای رفع همین حسرت رقم خورده‌اند. او در روزهای ابتدایی پس از پیروزی انقلاب مثل سایر اعضای خانواده‌اش فراری و آواره کشورهای مختلف بود. ۲۶ دی ۱۳۵۷ آغاز حدود ۱۴ ماه دربه‌دری خانواده پهلوی بود. در این مدت آنها به کشورهای مصر، مراکش، باهاما، مکزیک، آمریکا و پاناما سفر کردند اما هیچ دولتی حاضر نبود رابطه خود را با دولت ایران با اعطای پناهندگی به این خانواده مطرود پهلوی خراب کند. دولت انگلیس نیز به همین دلیل زیربار پذیرش پهلوی‌ها در خاک خودش نرفت. سرانجام بعد از ماه‌ها آوارگی انور سادات رئیس جمهور وقت مصر حاضر شد که محمدرضا پهلوی و خانواده‌اش را به صورت دائمی در کشورش بپذیرد. محمدرضا چند ماه بیشتر فرصت پیدا نکرد که از آسایش بعد از آوارگی لذت ببرد و در مردادماه ۱۳۵۹ به‌دلیل سرطان مرد؛ رضا پهلوی هم کم‌کم داشت با زندگی جدیدش کنار می‌آمد و بعد از مرگ پدرش هوس مبارزه سیاسی به سرش زد. یک روز بعد از مرگ محمدرضا درحالی‌که فقط ۲۰ سال داشت و می‌دانست که دیگر رویای جشن تاج‌گذاری باشکوه را باید به گور ببرد در قاهره و در مقابل معدود خدم و حشم باقی‌مانده برای خانواده پهلوی سوگند پادشاهی یاد کرد و از مبارزه با جمهوری اسلامی سخن گفت. این سوگند نقطه آغازی بر فعالیت‌های سیاسی او بعد از سرنگونی خاندان پهلوی بود. به‌نظر می‌رسد همین نقطه آغاز تصویر بسیار خوبی از سایر فعالیت‌های او نیز باشد؛ تمام اقدامات سیاسی او بعد از مرگ پدرش دقیقا به اندازه همین سوگند بی‌معنی، بی‌ثمر و مضحک بودند و دقیقا مثل همان جلسه تشریفاتی قاهره که برای کسی مهم نبود، سایر اقداماتش نیز برای هیچ‌کسی جز سینه‌چاک‌های خاندان پهلوی و سلطنت‌طلبان هیچ اهمیتی نداشتند اما این تازه سرآغاز چالش‌های متعدد و پرشمار او بود. در ادامه به‌مرور مهم‌ترین چالش‌ها و بحران‌های رضا پهلوی می‌پردازیم.

شازده و بحران حل‌نشدنی محبوبیت

رضا پهلوی بعد از اموال سرقتی بسیار زیادی که بدون هیچ زحمتی به‌دست آورده، تنفر اکثریت مردم ایران از خاندان پهلوی را از پدرش به ارث برده است. این اولین مانع بزرگ بر سر رسیدن به رویای دوران کودکی‌اش بود. خود او اخیرا در یک برنامه تلویزیونی در پاسخ به سوال مخاطبی که از او درباره پروژه شکست‌خورده «وکالت» پرسید، به همین چالش و مانع بزرگ اشاره کرده و گفته در سال‌های اول پس از انقلاب هر بار که برای درخواست کمک سراغ مسئولان دولت‌های غربی می‌رفتیم، اولین سوال‌شان این بود که «بر چه اساسی ادعای براندازی می‌کنید؟» و اصلا «نماینده چه کسانی هستید؟» بحرانی که اگرچه رضا پهلوی تلاش داشت آن را منحصر به سال‌های آغاز به کارش به‌عنوان اپوزیسیون جمهوری اسلامی بداند، اما ناخواسته اعتراف کرد این بحران تا همین امروز هم گریبانگیر اوست و اصلا پروژه وکالت برای عبور از همین بحران طراحی شده بود. وقتی از مضحک و بی‌ثمر بودن تمام فعالیت‌های سیاسی وی صحبت می‌کنیم، یکی از بهترین مصادیق آن همین پروژه شکست‌خورده وکالت است. اوج بی‌ثمری آن وقتی مشخص می‌شود که خود رضا پهلوی به‌صراحت از هدفش از راه‌اندازی این پروژه سخن می‌گوید.

او ادعا می‌کند این پروژه در تلاش بود پاسخی باشد به سوال همیشگی دولتمردان غربی که «شما دقیقا نماینده چه کسی هستید؟» با اینکه از همان لحظه اول بسیاری از شخصیت‌های اصلی اپوزیسیون از جمله هنرمندان و ورزشکاران سرشناس از هیچ حمایتی از این پروژه دریغ نکردند و تبلیغات بسیار زیادی برای این کارزار صورت گرفت اما درنهایت جمعیت کسانی که به رضا پهلوی برای سرنگونی جمهوری اسلامی وکالت دادند به ۵۰۰ هزار نفر هم نرسید. جمعیتی به اندازه تنها حدود نیم درصد جمعیت مردم ایران؛ آن هم برای کارزاری که امضای آن هیچ هزینه‌ای نداشته و حتی هویت امضاکنندگان نیز محرمانه باقی مانده است. رضا پهلوی گرچه سعی داشت از پذیرش عدم مقبولیتش فرار کند اما با اظهاراتش درباره پروژه‌ای که نهایتا با چند صد هزار امضا به شکست منجر شد، بیش از پیش بر نگرانی و سوال همیشگی دولتمردان غربی مهر تایید زد. او و تیم رسانه‌ای‌اش به دست خود با آغاز کردن این کارزار به خوبی نشان دادند که رضا پهلوی نماینده مردم ایران نیست تا بحران همیشگی خود را تشدید کرده باشد. در بخش دیگری از همین برنامه تلویزیونی که از طریق یکی از شبکه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور تهیه و پخش شده، خود او به صورت غیرمستقیم به کم بودن کل جمعیت حامیان براندازی در داخل کشور اشاره و از آن به‌عنوان علت شکست‌های پیاپی و صدمات زیادی که به براندازان وارد شده است یاد می‌کند.

جیب خالی شازده و سودای دست‌درازی دوباره به اموال مردم

مشکل بزرگ دیگری که سال‌ها گریبان‌گیر همه شخصیت‌های بزرگ اپوزیسیون از جمله رضا پهلوی بوده، مساله تامین مالی فعالیت‌های پرخرجی است که تحت عنوان مبارزه سیاسی با جمهوری اسلامی فاکتور می‌شوند. گرچه خانواده پهلوی سال‌هاست از اموالی که از مردم ایران دزدیده‌اند ارتزاق می‌کنند و شازده این خانواده نیز خودش چندین بار اظهار داشته که هیچ منبع درآمدی ندارد و با کمک همان ثروتی که پدر و مادرش حین فرار از کشور با خود بردند گذران زندگی می‌کند، اما در هر صورت آنها نمی‌خواهند در جریان تجارت پرسود براندازی از قافله بقیه چهره‌های سرشناس اپوزیسیون عقب بمانند. اما همه آنها یک چالش مشترک دارند؛ همه کارنامه‌ای پر از شکست‌های بزرگ و کوچک دارند و از آن مهم‌تر، اعتبار و محبوبیتی در بین مردم ایران ندارند؛ پس طبیعتا دولت‌های غربی نیز دلیلی نمی‌بینند بودجه‌هایی را که برای براندازی جمهوری اسلامی کنار گذاشته‌اند برای این شخصیت‌های تاریخ انقضا گذشته خرج کنند. در شرایطی که دست اپوزیسیون از بودجه دولت‌های غربی کوتاه می‌ماند، آنها به سمت دست‌درازی به سمت اموال بلوکه‌شده مردم ایران در خارج از کشور حرکت می‌کنند. رضا پهلوی نیز یکی از اولین افرادی بود که به بهانه تامین مالی اعتصابات در داخل کشور ایده استفاده از اموال بلوکه‌شده مردم ایران را مطرح کرد. او هنوز هم بر ایده خود اصرار دارد و حتی در هفته گذشته در واکنش به قطعی شدن توافق آزادی زندانیان آمریکایی درمقابل آزاد شدن بخشی از اموال بلوکه‌شده ایران، حملات تندی به بایدن و دولت آمریکا داشت. طبیعی است با توجه به میزان اهمیتی که دولت‌های غربی برای او قائل هستند، نه به اعتراضاتش- حتی در سطح مقامات سطح پایین- واکنش دادند و نه به اصرارهای مکررش برای استفاده از اموال بلوکه‌شده ایران در جهت براندازی نظام جمهوری اسلامی توجهی کردند. مطابق انتظار این پروژه هم علی‌رغم تلاش‌های بسیار زیادی که پهلوی و نوچه‌هایش برای تحقق آن انجام دادند به ثمر نرسید و به لیست بلندبالای شکست‌های سیاسی ربع پهلوی اضافه شد.

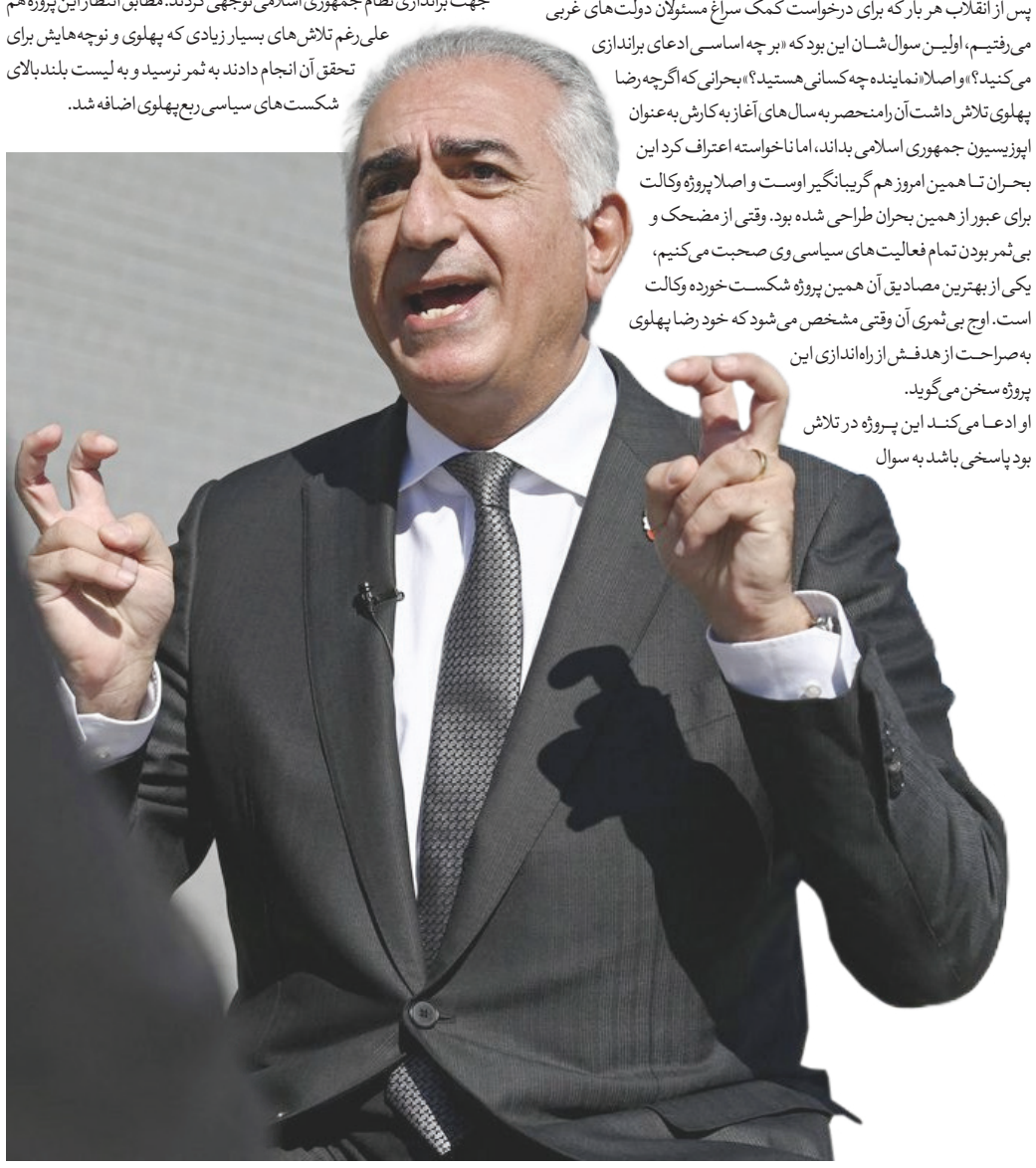

مغز خالی و پز عالی شازده

اما این تمام بحران‌های رضا پهلوی نیست. او با وجود همه ویژگی‌های منفی‌اش همچنان بارزترین چهره اپوزیسیون به حساب می‌آید و اگرچه پروژه کارزار وکالت او با شکست سختی مواجه شد اما فراموش نکنیم سایر چهره‌های اپوزیسیون حتی عرضه و جرات رقم زدن چنین شکستی را هم ندارند و از نظر محبوبیت در میان مردم ایران از پهلوی هم اوضاع اسف‌بارتری دارند. گرچه دولت‌های غربی طی سال‌های گذشته تلاش کرده‌اند تا با حمایت از چهره‌های جدید اپوزیسیون از مهره‌های سوخته خود مانند رضا پهلوی عبور کنند اما اوضاع آنقدر بغرنج است که نتوانسته‌اند پس از سال‌ها تلاش چهره‌ای را معرفی کنند که توان رقابت با رضا پهلوی را- که خود به معنای حقیقی کلمه یک ورشکسته سیاسی است- داشته باشد. به همین دلیل او همچنان کاندید شماره یک دولت‌های غربی برای رهبری جریان اپوزیسیون است و بدنه براندازان نیز در رویاهای خود برای هدایت و رهبری ایران پس از براندازی بیش از همه به رضا پهلوی فکر می‌کنند. او که تازه چند سالی است به خود آمده است و متوجه شده صحبت از بازگشت به نظام پادشاهی در این روزگار بیش از حد مضحک است، در ظاهر ادعا می‌کند که نظام مطلوب او یک جمهوری سکولار است. رضا پهلوی که در تلاش است که از خود یک چهره شایسته برای رهبری ایران نشان دهد مدعی است در ایران پس از براندازی همه چیز با رفراندوم و انتخابات آزاد مشخص خواهد شد. اما مشکل او دقیقا همین جاست؛ او هیچ ایده‌ای که از این یک جمله فراتر باشد برای حکمرانی کشور ندارد. وی بارها و بارها در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و برنامه‌های تلویزیونی متعدد مدعی شده است که تیم‌های زیادی متشکل از متخصصان در حوزه‌های مختلف زیر نظرش به مسائل و ابعاد مختلف حکمرانی در ایران فکر کرده‌اند و از الان برای اداره کشور برنامه‌های زیادی تدوین شده‌اند. او در سال ۹۷ نیز پروژه ققنوس ایران را کلید زد. مدیران این پروژه خود را این‌گونه معرفی می‌کنند: اندیشکده‌ای متشکل از گروه‌های مختلف علمی و دانشگاهی که به بررسی مشکلات ایران در عرصه‌های مختلف بپردازد و برای حل آنها پس از فروپاشی نظام جمهوری اسلامی راهکارهای علمی و عملی ارائه بدهد. برخی از طرفداران پهلوی نیز آنچنان از شروع به کار این پروژه ذوق‌زده شده بودند که مدعی شدند این پروژه درواقع دولت در سایه شاهزاده است که در فردای براندازی دیگر معطل پیدا کردن افراد شایسته و برنامه‌های کارآمد نباشیم! اما پس از گذشت چند سال و ادعاهای فراوان رضا پهلوی و نوچه‌هایش، این کوه حتی موش هم نزاییده است. تمام این ادعاهایی که گوش فلک را کر کرده‌اند، به برگزاری رفراندوم پس از براندازی رسیده است و کسی از رضا پهلوی هیچ ایده مشخص دیگری نشنیده است که چه برنامه‌ای برای ایران پس از براندازی دارد. تنها برنامه او هم ایده‌ای است که هر نوجوانی که تنها چند دقیقه به براندازی فکر کرده باشد به آن می‌رسد. پیشنهاد دادن چنین ایده‌ای دیگر نیازی به ۴۰ سال فعالیت سیاسی و تشکیل اندیشکده و... ندارد. اما او پس از ۴۰ سال فعالیتی که به زعم خودش تلاش برای براندازی و برنامه‌ریزی برای ایران فردا بوده است، نه‌تنها هنوز هم هیچ ایده مشخصی ندارد بلکه تازه چند سالی است که الطاف ملوکانه‌اش شامل حال مردم ایران شده و زیر بار ایده برگزاری رفراندوم و کنار گذاشتن نظام پادشاهی رفته است.

سینه‌خیز تا قهقرا و فراتر از آن

اصل حرف همان است که اول گفتیم؛ رضا پهلوی شاهزاده‌ای که روزی قرار بوده بر تخت پادشاهی بنشیند، روزگار بسیار سخت و تلخی را می‌گذراند. ۴۰ سال بار نفرت مردم از خاندان پهلوی را به دوش کشیده و دربه‌در به دنبال ذره‌ای محبوبیت در میان مردم دویده است. اما ثمره همه تلاش‌هایش در این ۴۰ سال را در کارزار وکالت با امضای مجازی و فاقد اعتبار تنها نیم درصد جمعیت مردم ایران تحویل گرفت. ۴۰ سال تلاش کرده از خود چهره‌ای شایسته برای رهبری ایران بسازد، اما امروز حتی یک قدم هم جلوتر از نوجوانانی که سابقه هیچ فعالیت سیاسی‌ای ندارند نایستاده است؛ با ایده‌هایی که به اندازه نظرات همان نوجوانان خام، غیرواقعی، ناشی از هیجان و فقدان ذره‌ای درک از عالم سیاست و حکمرانی هستند. هنوز هم چیزی جز پسر محمدرضا پهلوی نیست و تمام هویت سیاسی‌اش در نام خانوادگی‌اش خلاصه شده، بدون آنکه هیچ اعتبار و شخصیتی برای خود دست‌وپا کرده باشد. ۴۰ سال از سقوط حکومت پدرش گذشته و هنوز هم آنقدر در میان سیاستمداران غربی بی‌اعتبار است که باید همچنان از این کشور به آن کشور برود و با خواهش و التماس همین حمایت‌های حداقلی موجود از خودش را حفظ کند. بیش از ۶۰ سال از عمرش گذشته اما هنوز برای تامین هزینه‌های روزمره‌اش یا محتاج پول توجیبی مادرش آن هم از اموال به سرقت رفته از مردم ایران است یا باید برای حفظ تنها کسب‌وکارش یعنی اپوزیسیون‌بازی دست‌وپا بزند. او که سال‌ها خود را برای به ارث بردن تاج پادشاهی از پدرش آماده می‌کرد ۴۰ سال است که زندگی‌اش سرتاسر شکست و تحقیر بوده است. نه امیدی به آینده دارد و نه می‌تواند از گذشته خود فرار کند. چاره‌ای هم جز سینه‌خیز ادامه دادن به مسیری که همین الان هم مشغول تجربه کردن پایان سیاه و تباه آن است، ندارد. در این شرایط منصفانه هم نیست وی را بابت خیالبافی‌هایش سرزنش کنیم. هرکسی هم جای او بود شاید برای تسکین حداقلی به رویاپردازی پناه می‌برد و با تمرین سان دیدن از ارتش خیالی خود و دست‌تکان دادن برای جمعیت خیالی استقبال‌کنندگانش تلاش می‌کرد تا کمی از شرایط بغرنج خود فاصله بگیرد و دلش را به به و چه چه‌های طرفدارانش خوش کند، طرفدارانی که شاید تعدادشان بسیار کم باشد اما خیالبافی را خوب از شاهزاده محبوب‌شان یاد گرفته‌اند و هر از چندگاهی با ترسیم رویای روز بازگشت او به حکومت کمی دلداری‌اش می‌دهند. البته در این میان هر از چندگاهی هم یکی از چهره‌های اپوزیسیون از راه می‌رسد و از خجالتش درمی‌آید. یکی می‌گوید به اندازه یک گاو مهربان هم نمی‌فهمد، دیگری او و نوچه‌هایش را عامل تفرقه بین براندازان می‌داند، آن یکی... خلاصه کلام آن که روزگار شازده قصه ما بسیار سخت می‌گذرد؛ بد وضعیتی است رضا پهلوی بودن!

نوبت دوم

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
سهامی خاص

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی دومرحله‌ای
مناقصه شماره: ۰۱۰۱۳۱۰۱۳۶۰۰۵_DT۱
تقاضای شماره: ۰۱۳۶۰۰۵-۴۲-۳۱-۰۱/فیلتر HP۱۰۰

شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در نظر دارد کالای مورد نیاز خود را مطابق جدول زیر به‌صورت فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) تامین نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه، از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تعداد قلم	موضوع مناقصه	مقدار کالا	شماره فراخوان در سامانه ستاد	مبلغ تضمین
۱	فیلتر HP۱۰۰	۳۰۰۰	۲۰۰۲۰۹۲۲۸۸۰۰۰۸۹۸	۱,۰۷۱,۱۴۵,۰۰۰ ریال
کالای ارائه‌شده باید از تولیدات داخلی باشد.				

لذا کلیه شرکت‌هایی که فعالیت آنها مرتبط با شرح کالای مورد درخواست می‌باشد می‌بایست ظرف مدت ۱۴ روز از تاریخ درج آگهی فراخوان نوبت دوم با مراجعه به سایت www.setadiran.ir، نسبت به چاپ و تکمیل «فرم تعهدنامه ارائه کالا مطابق با استانداردهای شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب» و بارگذاری آن به همراه مدارک و مستندات، براساس موارد مندرج در جدول ارزیابی کیفی (برای معاملات کمتر از بیست برابر نصاب معاملات متوسط) در سامانه ستاد اقدام نمایند.
کسب حداقل نمره ۶۰ در ارزیابی کیفی، جهت دریافت اسناد مناقصه توسط فروشندگان/ سازندگان الزامی است.
اسناد و مدارک مناقصه پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه، از طریق سامانه ستاد برای مناقصه‌گران واجد شرایط ارسال خواهد شد.
با وصول دو فقره پیشنهاد معتبر در موعد زمانبندی مناقصه گشایش پاکات انجام می‌شود.
گشایش پاکات مالی بین مناقصه‌گرانی انجام خواهد شد که کلیه اقلام تقاضا مورد تایید کمیته فنی بازرگانی قرار گرفته باشند.
خرید کالا به‌صورت یکجا برای تمام اقلام تقاضا به یک مناقصه‌گر (سرجمع پیشنهادی مناقصه‌گر)
کلیه مدارک ارزیابی کیفی در قالب یک فایل PDF در سامانه ستاد بارگذاری گردد.
ضمنا مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱,۰۷۱,۱۴۵,۰۰۰ ریال می‌باشد.
واحد مکانیکال تدارکات خرید کالای داخلی (تلفن ۲۴۶۱۸-۳۴۱-۰۶۱)

شماره شناسه آگهی ۱۵۶۸۷۰۹

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی مریم لیراوی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۳۱ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی مهندسی منابع طبیعی – محیط زیست صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۸۱۱۰۶۳۱۹۴۵۰ مورخ ۸۲/۱۰/۲۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک موقت محمد گلزار فرزند احمد دارای شناسنامه به شماره ۱۲۱۰۲ صادره تهران رشته کارشناسی برق قدرت صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهینامه مذکور را به آدرس: استان مرکزی- ساوه- کیلومتر ۴ جاده نورعلیبیک- شهرک دانشگاهی خاتم‌الأنبیاء (ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷-۳۶۶ ارسال نماید.

گواهی موقت دوره کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی نرم‌افزار کامپیوتر اینجانب لیلا ابوسعیدی فرزند محمدرضا به شماره کد ملی ۳۰۳۱۴۲۵۷۵۸ صادره از کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

فرهیختگان
صدای نخبگان
نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a66348018@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مسعود زمانی‌مقدم به ۲ پرسش «فرهیختگان» درباره نسبت جریان چپ با علوم اجتماعی امروز ایران پاسخ می‌دهد

برای نمایش‌های مضحک چپ‌مآبانه دانشگاهی

سیدجواد نقوی
خبرنگار گروه اندیشه

«به نام ژن ژیان آزادی.... و به یاد سید جعفر پیشه‌وری و قاضی محمد، دفاع از پایان‌نامه‌ام را با عنوان هویت ملی و هویت ایرانی در شهر معاصر ایرانی... شروع می‌کنم.» بیان این جملات، پوشیدن لباسی شبیه به گریلاهای گروه تروریستی پژاک و نداشتن حجاب در جایی که لااقل گوینده‌اش مدعی است جلسه دفاع از پایان‌نامه است، همه و همه سبب شد تا انتشار یک ویدئوی کوتاه از این جلسه بازتاب فراوانی در شبکه‌های اجتماعی داشته باشد. در این ترکیب اما نکته قابل توجه و تامل، اسم بردن دانشجوی مذکور یعنی لیلا حسین‌زاده از نام و یاد دو تجزیه‌طلب وابسته به شوروی در دهه ۲۰ بود. او این جلسه را با یاد قاضی محمد، بنیانگذار جمهوری مهاباد و جعفر پیشه‌وری، رئیس فرقه دموکرات آذربایجان شروع کرد. ماکاری به رسمی بودن یا نبودن این جلسه و واکنشی که مسئولان دانشگاه تهران یا وزارت علوم به این قضیه داشتند، نداریم. موضوع گفت‌وگوی ما بحث‌هایی است که در حاشیه انتشار این ویدئو از دانشجویی با گرایش‌های به اصطلاح چپ درباره نسبت جریان چپ در علوم اجتماعی امروز ایران پیش کشیده شد. مسعود زمانی‌مقدم، پژوهشگر علوم اجتماعی در گفت‌وگویی کوتاه به دو سوال ما در همین خصوص پاسخ داده است.

به‌عنوان یک دانش‌آموخته علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی می‌خواهم درباره وضعیتی که در جامعه‌شناسی در ایران مد شده صحبت کنیم، اینکه گویی ایران همیشه حالت انقلابی دارد. به نظرتان این یک پارادایم جهانی است یا اینکه نه، یک برساخت است در داخل که سبب می‌شود پدیده‌هایی چون خانم حسین‌زاده به این شکل و در حالتی بسیار افراطی به تجزیه ایران روی بیاورند؟

مایکل بوروی، جامعه‌شناس چپ‌گرای آمریکایی مدعی است در سال‌های اخیر، جامعه‌شناسی بیشتر به چپ و دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم بیشتر به راست گرایش پیدا کرده است. البته باید گفت این موضوع در غرب و آکادمی غربی قابل مشاهده است. برای مثال، تاکید و توجه روزافزون کنفرانس‌ها و کنگره‌های انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی رویکردی انتقادی در بررسی مسائل اجتماعی مصداقی از این گرایش به چپ در جامعه‌شناسی غربی است. باوجوداین، مساله چپ‌گرایی در ایران متفاوت است. به‌طور کلی، جریان چپ مارکسیستی در ایران به لحاظ سیاسی و اجتماعی سابقه خوبی ندارد. هرچند به لحاظ کار روشنفکری وضعیت بهتری داشته اما درحال حاضر جریان چپ مارکسیستی یا سوسیالیستی در ایران نه تاثیرگذار است و نه وجودش موضوعیت دارد. در کشورهایی مثل ایران که هم دین و دین‌داری در آن همواره عنصری اساسی در حیات اجتماعی و سیاسی جامعه بوده و هم هویت تاریخی و باستانی‌اش نزد بیشتر ملت اهمیت بسیار داشته است، به نظر می‌رسد چپ بودن امری متوهمانه و حتی مضحک است و متوهمانه‌تر و مضحک‌تر از آن، چپ بودن دانشگاهی است؛ چپ‌ها در چنین جامعه‌ای احتمالا احساس بیگانگی می‌کنند، اما چپ‌های دانشگاهی مجبورند علاوه‌بر احساس بیگانگی احتمالا احساس پوچی را نیز به همراه زیست محافظه‌کارانه‌شان تحمل کنند. به عبارت دیگر یکی از انواع زیست دانشگاهی در علوم اجتماعی ایران، چپ‌گرایی محافظه‌کار است. چپ‌گرایان محافظه‌کار دانشگاهی با نوعی تناقض و پارادوکس موقعیتی مواجهند؛ از یک سو می‌خواهند رویکردی انتقادی داشته باشند و از سوی دیگر در پی حفظ جایگاه خود در دانشگاهند. پس برای رهایی از این پارادوکس چاره‌ای ندارند جز اینکه انتقادها را به وضعیتی حواله کنند که نسبت زیادی با جامعه ایران ندارد. برای مثال نقد خصوصی‌سازی و سیاست‌های نولیبرال دستمایه انتقادهای آنهاست، گویی دارند درباره آمریکا سخن می‌گویند و نه ایران! البته این نوع رویکرد انتقادی برای آنها هم کم خطر است و هم رضایت‌بخش، زیرا می‌پندارند با چنین رویکردی رسالت اجتماعی خود را به جا می‌آورند. غافل از اینکه آنها در نقدهایشان اقتصاد سیاسی را جایگزین جامعه‌شناسی کرده‌اند و اساسا پیوندشان را با نقد وضعیت واقعی جامعه از دست داده‌اند. البته جریان چپ در ایران تنها محدود به دانشگاه نمی‌شود و در خارج از دانشگاه هم چپ‌گراها فعالیت دارند و بیرون از دانشگاه حتی رادیکال‌تر هستند، زیرا فضای بیشتری دارند که محافظه‌کار نباشند. اما نکته اینجاست که باز هم آنهایی که خارج از دانشگاه هستند خیلی نسبتی با جامعه ایرانی و مشخصات و مختصات آن ندارند. اساسا می‌توان گفت جامعه‌شناسی چپ در ایران با وجود تعدادی از پژوهش‌های نسبتا قابل توجه، نسبت مناسبی با جامعه ایرانی ندارد. پس می‌توان گفت اگرچه در جامعه‌شناسی جهانی که عمدتا غربی است گرایشی به چپ وجود دارد، در ایران این گرایش به‌واسطه پژوهش‌ها و تحلیل‌های علمی و زمینه‌مند صورت نگرفته است؛ یعنی این‌طور نبوده که در ایران یک جامعه سرمایه‌دارانه با مشخصات جوامع غربی کنونی وجود داشته باشد و بعد پژوهشگرانی بیایند در دانشگاه یا فضای علمی کار علمی با رویکرد چپ انجام بدهند. به همین دلیل است که می‌گویم چپ دانشگاهی و غیردانشگاهی در ایران زمینه‌مند نیست و شاید به همین دلیل است که رویکرد چپ در تاریخ معاصر ایران به مذاق عموم ایرانیان نیز خوش نمی‌آمده و نمی‌آید. رویکرد چپ با امر ملی نیز در چالش است. البته بحث این نیست که رویکرد چپ نباید اجازه فعالیت فکری داشته باشد، برعکس؛ شایسته است که امکانی فراهم شود که هر رویکردی بتواند در بحث و نظر دیدگاه خودش را مخصوصا در فضای دانشگاهی بیان کند ولی مشکل اینجاست که این نوع رویکردها ماهیتی علمی ندارند و ملیت را زیر سوال می‌برند؛ وقتی کسی رویکردی دارد که قرار است به تجزیه‌طلبی دامن بزند یا آن را تبلیغ کند به این معناست که دارد امر ملی یا مفهوم ملیت را زیر سوال می‌برد و این در جامعه‌ای مانند ایران خطایی نابخشودنی است. از سوی دیگر علوم اجتماعی چپ‌گرا در ایران بیشتر از اینکه تحلیلی و علمی باشد نمایشی است. یعنی دانشگاهیان چپ ایرانی در دانشگاه و حتی خارج از دانشگاه‌ها گویی دارند نمایش بازی می‌کنند و عمدتا فعالیت علمی برجسته و قابل توجهی ندارند. البته ما جامعه‌شناسان چپ‌گرایی که کار علمی برجسته دارند نیز داریم. مقصود من فضای کلی جامعه‌شناسی چپ ایرانی است که این وجه نمایشی آن شدید و پررنگ است و همان‌طور که گفتم نسبتی با واقعیت جامعه ماندارد و حتی نسبتی با جریان‌های علمی جهانی در جامعه‌شناسی هم ندارد. زیرا چنانکه گفتم نوع یا انواعی جامعه‌شناسی چپ در غرب رشد کرده است که حتی به صورت فزاینده رو به گسترش است، ولی این جامعه‌شناسی چپ که در ایران وجود دارد نسبتی با تحولات آن ندارد. پس این طور نیست که گرایش چپ در جامعه‌شناسی آکادمیک ایران، محصول طبیعی کارهای علمی در دانشگاه باشد بلکه بیشتر نوعی رویکرد سیاست‌زده است که علمی نیست و چون علمی نیست بیشتر به وجه نمایشی و ظاهری گرایش پیدا کرده است و حتی می‌توان گفت جنبه ایدئولوژیک مارکسیستی آن از نگاه علمی‌ای که هر پژوهشگری باید به پدیده‌های اجتماعی داشته باشد جلوگیری می‌کند. در همین زمینه است که مامی بینیم فلان دانشجو در جلسه دفاع پایان‌نامه‌اش، آن هم در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از پیشه‌وری و دیگر تجزیه‌طلبان تاریخ معاصر ایران یاد می‌کند. اینجا ما با جریان و رویکردی مواجهیم که نقد علمی چپ‌گرایانه و انتقادی به جامعه ندارد بلکه مبلغ تجزیه‌طلبی و حتی قوم‌گرایی افراطی وضد ملی است. اینها نشان می‌دهد که این جریان چپ داخلی چقدر با جریان چپ علمی در غرب فاصله دارد. درواقع، گسترش پارادایم جامعه‌شناختی چپ‌گرا در غرب به‌واسطه گسترش نظام سرمایه‌دارانه در جهان غربی است، یعنی کاملا امری زمینه‌مند است و مرتبط با تحولاتی است که در غرب در جریان است. اما در ایران این‌گونه نیست؛ چپ بودن در ایران محصول تحولات تاریخی و زمینه‌مند جامعه ایرانی نیست. از این رو، نتیجه اتخاذ چنین رویکردی همین نمایش‌های مضحک چپ‌مآبانه دانشگاهی است.

اگر بخواهیم از لنز علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی برای امر ملی در دانشگاه کاری انجام بدهیم ممکن است یک جاهایی این علم مطالعاتی درخصوص قومیت‌ها داشته باشد. سوال این است که از چه زاویه‌ای باید به این مطالعات و خرده‌روایت‌ها پرداخت که همزمان امر ملی حفظ شود و پدیده‌هایی مثل تقدیم پایان‌نامه به پیشه‌وری و امثالهم روی ندهد. این هم به نظرم بحثی است که در علوم اجتماعی ما مفقود است. چه باید کرد که «دانشگاه»، «امر اجتماعی» و «امر ملی» بتوانند به همدیگر کمک کنند؟

مسلما از این جامعه‌شناسی چپ یا چپ‌گرا یا حداقل نسخه‌ای از آن که در این سال‌ها در ایران دیده‌ایم نمی‌توان رهایی‌بخشی و آزادی درآورد. این جریان بیشتر نوعی نگاه غیرزمینه‌مند دارد که در مواردی ضدملیت ایرانی عمل می‌کند و به نظر من باید در برابرش ایستاد و نباید اجازه داد که به راحتی چنین رویکردی که علمی نیست- تاکید می‌کنم که اگر علمی باشد برای ابراز وجودش در دانشگاه نباید مانعش شد- بخواهد بیاید و با ظاهری علمی امر ملی را تضعیف و تحقیر کند؛ یا اینکه بخواهد بحث قومیت را تشدید و امنیتی کند، چیزی که حداقل در جهان امروزی که جهان دولت-ملت‌هاست، امری ناپذیرفتنی است. جامعه‌شناسی یا علم اجتماعی در ایران اگر به مفهوم ایران پایبندی نداشته باشد، طبیعتا بیگانه با این جامعه است. البته این ادعا را با توجه به مختصات و وضعیت خاص ایران می‌گویم. ممکن است در کشور دیگری این گزاره صدق نکند. در وضعیت تاریخی- فرهنگی ایران نمی‌توان خواستار تجزیه‌طلبی بود و در عین حال به فهم درستی از جامعه ایرانی دست یافت. درواقع، تشکیک و تردید دانشمند یا پژوهشگر اجتماعی ایرانی در امر ملی آغاز بیگانگی او با جامعه ایرانی است و کسی که با جامعه‌اش بیگانه شود قاعدتا نمی‌تواند به علم اجتماعی زمینه‌مند و درستی دست یابد. از این رو برای فهم جامعه ایرانی دفاع از امر ملی حداقل در شرایط کنونی ضرورت دارد. ما مفهومی به نام «ملت» یا به عبارتی درست‌تر «دولت-ملت» داریم. طبیعی است که در این دولت-ملت، اقوام زیادی وجود داشته باشند، بازبان‌ها، گویش‌ها، فرهنگ‌ها و مذاهب و ویژگی‌ها و مشخصه‌های فرهنگی خاص خودشان. طبیعتا لازم است جامعه‌شناسی ایرانی تمام این تفاوت‌های فرهنگی را در نظر بگیرد و به شیوه‌ای علمی در قالب مطالعه و بررسی ویژگی‌ها و مسائل اقوام به آنها بپردازد و حتی نگاهی انتقادی داشته باشد. یعنی هیچ ایرادی ندارد و چه بسا ضروری است که حوزه‌هایی از جامعه‌شناسی با نگاهی انتقادی به بحث قومیت‌ها، مسائل و مشکلاتی که در ایران دارند بپردازند. از این جهت هیچ مانع دانشگاهی نباید ایجاد شود، ولی بحث اینجاست که ما داریم در مورد یک دولت-ملت صحبت می‌کنیم که این فعالیت علمی که قرار است در فضای دانشگاهی آن انجام بگیرد، طبیعتا باید در این محدوده باشد؛ یعنی نمی‌توانیم فعالیت علمی و دانشگاهی در نهادهای دانشگاهی یک دولت-ملت داشته باشیم که ضد و علیه امر ملی باشد. ضمن اینکه فعالیت علمی ضد امر ملی برای کلیت جامعه نیز مخرب است. بنابراین، این دو- دفاع از امر ملی و لزوم بررسی اقوام- با هم منافاتی ندارند. نکته مهم این است که مطالعات انتقادی ما در مورد اقوام نباید کلیت ایران و مفهوم ملت را زیر سوال ببرد. نه به این دلیل که ملت یک مفهوم ذاتی یا ازلی و ابدی است، به این دلیل که ملت در عصر دولت-ملت‌ها یک مفهوم اساسی و ضروری است که تمام مناسبات داخلی و خارجی ما ذیل آن تعریف می‌شود. از این جهت است که باید از آنها دفاع کنیم. اگرچه خود دولت-ملت هم یک پدیده مدرن است، اما ریشه تاریخی و هویتی مفهوم «ایران» قوی است و از این رو است که نباید به این راحتی اجازه دهیم که خللی در آن وارد شود یا اینکه تجزیه و جدایی مناطقی از ایران رخ بدهد.

به‌عنوان اهالی علوم اجتماعی که می‌خواهیم کار و فعالیت علمی و دانشگاهی انجام بدهیم باید به امر ملی توجه جدی داشته باشیم، حتی اگر نگاهی علمی چپ یا انتقادی داشته باشیم. خودمان را نباید با دانشگاهیان در غرب یکسان بدانیم. موقعیت دانشگاهیان در غرب با موقعیت دانشگاهیان ایرانی متفاوت است. حتی مفهوم دولت-ملت برای ما متفاوت از آمریکایی‌ها یا اروپایی‌هاست و شاید تاکید بر ضرورت امر ملی در کشوری مثل ایران نسبت به کشورهای غربی و اروپایی پررنگ‌تر باشد. به دیگر سخن، تاکید بر امر ملی و دفاع از آن در شرایط کنونی تکلیفی است که برعهده داریم. در نتیجه پیوند مناسب میان «دانشگاه»، «علوم اجتماعی» و «امر ملی» مستلزم وجود آزادی اندیشه و پژوهش در دانشگاه، به‌ویژه در رشته‌های علوم اجتماعی که با مباحث جامعه بیشتر ارتباط دارند و پایبندی به سرزمین‌مان ایران است.

از سفر رونالدو به ایران تا رسالت فیلسوف ایرانی در گفت‌وگو با بیژن عبدالکریمی

ریشه‌ها عمیق‌تر از آن هستند که سلبریتی‌ها بتوانند بر آنها اثر بگذارند

گفت‌وگوهایی که بیژن عبدالکریمی با «یورو نیوز» و «مدرسه آزاد فکری» انجام داد، حواشی فراوانی برای او به جای گذاشته است؛ از بحث‌هایی مثل اینکه عبدالکریمی واقعیت را نمی‌بیند تا آنکه او فلسفه‌خوانده‌ای محافظه‌کار است. این حواشی سبب شد با سوالاتی هرچند کوتاه از او بخواهیم تا کمی بیشتر درمورد ایده‌ها و درکش از آن مباحث بگوید.

آنچه در سال‌های اخیر مشاهده شده به‌تعبیری نوعی بی‌توجهی به حقیقت بوده است. این روند در اتفاقات اخیر و عرصه جهانی نیز قابل مشاهده است، گویی حقیقت دیگر اهمیت ندارد. آیا می‌توان ادعا کرد فلسفه و فیلسوف در زمانی که حقیقت معنی ندارد، دیگر نمی‌تواند به جامعه خود تلنگر بزند؟

اتفاقا برعکس، دقیقا در زمانه‌ای که جامعه نسبتش را با حقیقت گم می‌کند، وظیفه فیلسوف سنگین‌تر می‌شود. فیلسوف به حقیقت تعهد دارد و نه به جامعه و مردم. مردم خطا می‌کنند، اسیر پوپولیسم می‌شوند، با فلسفه مخالفند و حتی فیلسوف را می‌کشند یا اگر نکشند او را بایکوت می‌کنند و فیلسوف در جامعه خودش و در مدینه همواره غریب است. اینکه سقراط را می‌کشند یک اتفاق نیست، بلکه قاعده‌ای است که فیلسوف هم بازاز طرف مدینه سرکوب می‌شود و فیلسوف خرمگسی است که خواب جامعه را آشفته می‌کند. اینکه مردم نسبت به حقیقت بی‌تعهد هستند دلیل نمی‌شود من و شما در مقام کسانی که به فلسفه و تفکر و حقیقت عشق می‌ورزیم، دست از حقیقت برداریم؛ اتفاقا رسالت ما در این دوره سنگین‌تر می‌شود.

به نظر بی‌توجهی به حقیقت و نهیلیسم در ذات عصر کنونی است اما کمتر مشاهده می‌کنیم در تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی به آن توجه شود. آیا این بی‌توجهی خودش در به‌وجود آمدن نوعی پوپولیسم کمک نکرده است؟ چون بالاخره خودش سبب می‌شود بحث‌ها سطحی‌تر شود.

سوال شما درست است که در روزگار ما، بی‌توجهی به حقیقت سبب می‌شود که امور فیک، امور غیرواقعی، توهم، شهوات، قدرت‌طلبی و اراده معطوف به قدرت و ثروت غلبه پیدا کند. خود این بی‌نسبتی سبب می‌شود که پوپولیسم رواج پیدا کند و وقتی که رواج پیدا می‌کند نسبت به حقیقت ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود، یعنی رابطه متقابل دارد.

شما معتقدید سلبریتی‌ها بیشتر شبیه به یک مد زودگذر هستند و قوام‌بخش فرهنگ نیستند، اما به نظر بحث نهیلیسم در دوره ما و سرگشتگی سوژه مدرن خود علتی است که سلبریتی‌ها حتی فرهنگ ما را هم تبدیل به مد کنند. آیا خطر سلبریتی از این ساحت اهمیت ندارد؟ به نوعی آیا سلبریتی‌ها در بلندمدت فرهنگ کشور ما را وارد چرخه ابتذال نخواهند کرد؟

اینکه من سلبریتی‌ها را سطحی دانستم معنی‌اش این نیست که خواستم به شخصیت سلبریتی‌ها بی‌احترامی کنم یا خواسته باشم به هنرپیشه‌ها و فوتبالیست‌ها بی‌احترامی کرده باشم. من گفتم اینها مثل خال‌های صورت می‌مانند. مثل جوش هستند، به این دلیل که یک سلبریتی نمی‌تواند کار هگل را انجام دهد، نمی‌تواند کار کانت را کند، یک سلبریتی در کشور ما نمی‌تواند کاری را که حافظ و مولانا و فردوسی کردند، انجام دهد. به هر حال در زمانه ما همین که الان رونالدو وارد ایران شده است و چه جمعیتی به دنبالش افتادند، این همان نهیلیسم و سیطره اخلاق گله به تعبیر نیچه است. رشد سلبریتی‌ها نیز حاصل همین نهیلیسم است. سلبریتی‌ها نمی‌توانند ریشه‌های فرهنگ را تغییر دهند. به تعبیر قشنگ قرآن اینها «کف روی آب» هستند، خس و خاشاک روی آبند ولی عمق آب، آب زلالی که جاری است چیزی نیست که این امور سطحی بتوانند روی آن تاثیر بگذارند. سلبریتی‌ها معلول و محصول دوره جدید و ابتذال فرهنگی در دوره جدید هستند و می‌توانند به طور کوتاه‌مدت فرهنگ ما را تحت تاثیر قرار دهند، اما به هر حال ریشه‌ها در آب است. درواقع سلبریتی‌ها مثل کسانی هستند که روی تنه درخت اسم یادگاری می‌کنند یا حتی تنه درخت را می‌سوزانند، اما ریشه‌ها عمیق‌تر از آن است که سلبریتی‌ها بتوانند روی آنها اثر بگذارند.

در جامعه ما طرح بحث‌هایی از برخی مترجمان و افراد فرهنگی سال‌هاست درباره دموکراسی در جریان است، اخیرا هم مجدد این‌گونه مطرح می‌شود که افرادی مثل عبدالکریمی نمی‌خواهند ما به دموکراسی برسیم. آیا ما در آستانه ورود به ساحت دموکراسی هستیم؟ و اگر نمی‌توانیم به آن برسیم علت چیست؟

من مخالف دموکراسی نیستم، دموکراسی شر ضرور است، یعنی نمی‌توانیم نسبت به دموکراسی بی‌تفاوت باشیم. صحبت این است که چگونه به دموکراسی برسیم. حرف من این است که دموکراسی حافظ تحولاتی اجتماعی تاریخی است و ظهور فرماسیونی اجتماعی، یعنی ظهور نظام سرمایه‌داری و نظام بازار به معنای مارکسی و هگلی- نه در معنای بازار شمس‌الاماره و بازار کوچه مروی و بازار کوچه سیداسماعیل- و بازار در آن معنایی که در غرب ظهور پیدا کرد و توانست به‌واسطه بازار که مستقل از دولت است، قدرت را در میان آحاد جامعه به میزان نقشی که در تولید و توزیع دارند، تقسیم کند. یک چنین فرماسیونی در بخش عظیمی از جهان از جمله در خاورمیانه و کشور ایران ظهور پیدا نکرده است. به همین دلیل ما نمی‌توانیم به دموکراسی برسیم. دموکراسی امری اخلاقی و امری ایدئولوژیک نیست که همیشه در مورد ذهنیت حرف بزنیم، حاصل شرایط اجتماعی تاریخی است و در چنین شرایط اجتماعی‌ای، ظهور پیدا نکرده است.

پرسشی که از عبدالکریمی مطرح می‌شود این است که آیا شما به طرح بحث‌های خودتان درباره دموکراسی واقعیت اجتماعی را نمی‌بینید؟ و کلا ساحت تفکر هایدگری شما ضد واقعیت و حرکت مردم است؟

این حرف‌ها، حرف‌های درستی نیست. خود اینکه واقعیت چیست امری دم‌دستی نیست. همه فکر می‌کنند که دارند درباره واقعیت حرف می‌زنند و تفکر هایدگری نیست و این هم از آن حرف‌های عوامانه و پوپولیستی است.

مثلا نمونه بارز آن جوانانی در کشور ما هستند که اخیرا هم مد شده بسیاری از رجل سیاسی تا روشنفکران از آنها دفاع می‌کنند. خب درک این جوانان از مقولاتی مثل آزادی و دموکراسی برگرفته از بسیاری از شبکه‌های مجازی و شبکه‌های خارجی است و درک اندکی از نابودی ایران به دست سایر کشورها دارند. راهی که بتوان این خطر بزرگ را گوشزد کرد چیست؟ با تخیلات این جوانان آیا آینده ایران در خطر نیست؟

من هم معتقدم فضای مجازی کشور ما را در بر گرفته است و این آزادی که در دهان بچه‌ها و جوان‌ها ماست چیزی شبیه به آدامس و پاپ‌کورن است و به هیچ‌وجه تغذیه راستین کشور نیست. از این راه‌ها ما به دموکراسی نمی‌رسیم و این نوع جوانانی که فضای مجازی را با حرف‌های صدتا یک غازشان پر کرده‌اند، برای آینده ایران نیز می‌توانند خطرناک باشند.

بحثی مهم شما دارید که درباره بی‌تاریخی جوانان است، منظور از این بی‌تاریخی چیست؟

منظور از بی‌تاریخی این است که این جوانان با گذشته و میراث تاریخ‌شان ارتباط ندارند. یعنی قرآن نمی‌خوانند. حدیث نمی‌خوانند. مولانا نمی‌خوانند. سعدی نمی‌خوانند، فلذا چون با میراث تاریخی گذشته ارتباط ندارند، گذشته ندارند و چون اتوپیا و هیچ طرحی برای آینده ندارند لذا آینده ندارند، به این معنا بی‌تاریخند. من استعدادم کمی کتاب بخوانید. کتاب «غروب زیست جهان ایرانی در گفت‌وگو با نسل‌های بی‌تاریخ» را بخوانید، کمک‌تان می‌کند.

سوال بالا به این جهت پرسیده شد که تربیت مدنی در غرب و مدرنیته و ظهور نظم بازار و انسان بورژوازی شکلی از آزادی را آنجا بعد از حداقل ۴ قرن شکل داد و این پروسه در کشور ما اصلا نبوده است. آیا آموزش و نهاد تربیت می‌تواند کمک کند که ما از سنت خودمان برای تحقق آزادی و عدالت استفاده کنیم؟

خیر، ببینید دموکراسی چیزی نیست که صرفا بتوان تربیت کرد. دموکراسی با نحوه زندگی ما ارتباط دارد. شرکتی سهامی را در نظر بگیرید. فرض کنید ۹۰ درصد سهام این شرکت دست من است و ۱۰ درصد از آن دست صد نفر دیگر. معلوم است که قدرت من بیشتر است، صرفا با نصیحت و اینها نمی‌شود، یعنی نمی‌شود گفت که آقای نقوی شما باید دموکرات باشید. در یک شرکت سهامی که شما سرمایه‌تان و فهم‌تان خیلی اندک است، صرفا با نصیحت نمی‌توانید من را قانع کنید که به حرف شما گوش دهم. باید نیروی شما برابر نیروی من باشد. در جوامعی مثل ما که همه قدرت دست دولت است و جامعه قدرتی ندارد و جامعه مثل برده باید دستش را دراز کند تا دولت خرجش را دهد، دموکراسی شکل نمی‌گیرد. باید قوا را تغییر داد و این چیزی است که افراد جامعه ما کمتر به آن فکر می‌کنند.

شهرداری کرج

آگهی مناقصه عمومی

شماره «۲۰۰۲۰۰۵۲۶۵۰۰۰۲۶۰»

شهرداری کرج در نظر دارد برابر بودجه مصوب شورای اسلامی شهر، پروژه مندرج در جدول ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	شرح پروژه	مبلغ اعتبار پروژه به ریال	مبلغ سپرده به ریال	مدارک لازم	نحوه پرداخت قرارداد
۱	خرید، نصب، پشتیبانی و به‌روزرسانی تجهیزات ذخیره‌ساز شبکه	۲۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	ارائه حداقل رتبه ۳ از شورای عالی انفورماتیک و گواهی نامه و مجوز نظام صنفی رایانه ای و ارائه رزومه و اساسنامه مرتبط	۱۰۰٪ نقد

۱- سپرده شرکت در مناقصه به یکی از روش‌های ذیل ارائه گردد. ضمانتنامه بانکی معادل مبلغ فوق که به مدت ۹۰ روز اعتبار داشته و قابل تمدید باشد یا واریز فیش نقدی به مبلغ فوق به حساب ۷۰۰۷۸۶۹۴۸۶۲۳ بانک شهر ۲- برندگان نفر اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد. ۳- مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان هزینه خرید اسناد به حساب ۷۰۰۷۸۵۳۱۳۷۹۵ به نام شهرداری کرج از طریق سامانه الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir می‌بایست واریز گردد. ۴- متقاضیان می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی تا ساعت ۱۴:۳۰ تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۸ جهت خرید اسناد مناقصه به سامانه الکترونیک دولت (ستاد) مراجعه نمایند. ۵- شرکت‌کنندگان می‌بایست ضمن بارگذاری ضمانتنامه شرکت در مناقصه در سامانه ستاد، نسبت به تحویل اصل ضمانتنامه تا ساعت ۱۴:۳۰ تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۸ به آدرس کرج - میدان توحید - بلوار بلال - شهرداری کرج – طبقه هفتم - اداره امور قراردادها و پیمان‌ها اقدام نمایند. ۶- درصورت بروز هرگونه تناقض در موارد مندرج در آگهی با سامانه ستاد، ملاک عمل سامانه ستاد خواهد بود. ۷- پیشنهادات رسیده در مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۸ در کمیسیون عالی معاملات شهرداری کرج مطرح و پس از بررسی و کنترل، برنده مناقصه اعلام خواهد شد. لازم به ذکر است شرکت‌کنندگان مجاز به حضور در جلسه بازگشایی پاکات خواهند بود. ۸- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

*جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۵۹۳۲۱۱-۰۲۶ تماس یا به سایت www.karaj.ir مراجعه نمایید.

اداره امور قراردادها و پیمان‌ها - شهرداری کرج

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی نگار حاجی‌زاده‌قنواتی فرزند فتح‌اله به شماره شناسنامه ۹۷۸ صادره از بهبهان در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی روانشناسی بالینی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۸۹۹۵۳۰۱ مورخ ۸۹/۱۰/۰۵ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی محمدجواد بیت‌لفته فرزند کریم به شماره شناسنامه ۱۹۸۰۳۲۹۰۲۸ صادره از دشت‌آزادگان در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی مهندسی مکانیک صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۹۷۲۶۳۸ مورخ ۹۷/۰۷/۲۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

گواهی موقت دوره کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان انگلیسی اینجانب علی عرب فرزند عباس به شماره کد ملی ۳۰۹۰۶۲۳۵۱۱ صادره از کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

کانون تبلیغاتی
سیهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری تبلیغات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی

اقتصاد شیشه‌ای

ناصر غریب‌نژاد
پژوهشگر حقوق اقتصادی

در نگاه اندیشمندان اقتصادی یکی از مهم‌ترین نشانه‌های توسعه پایدار در قدرت‌های نوظهور و کشورهای توسعه‌یافته، میزان دسترسی فعالان بازار و اشخاص تجاری به اطلاعات مالی مطرح شده است. اصولا حکمرانی داده‌های تجاری-مالی از مهم‌ترین مباحث روز اقتصاد جهانی بوده که همواره از سوی نهادهای مالی بین‌المللی به دولت‌ها در خصوص تشکیل و توسعه بانک‌های داده اقتصادی توصیه می‌شود. شفافیت مالی و اقتصادی را می‌توان مولفه‌ای تعیین‌کننده در پیشگیری و کنترل بازارهای مختلف از سوی دولت دانست که می‌تواند تضمین‌کننده پویایی و رقابتی بودن روابط تجاری در تمامی بازارها باشد.

این مولفه که زمینه‌ساز رشد کسب‌وکارهاست، فضای بسیار مناسبی را برای تصمیم‌گیری و تعیین سیاستگذاری‌های اقتصادی از سوی نهادهای حکمرانی ایجاد می‌کند. در دو دهه اخیر و افزایش تحریم‌های ظالمانه از سوی آمریکا، لزوم شفافیت اقتصادی بیش از پیش توسط نهادهای تصمیم‌ساز مطرح شد. در این خصوص در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در محور نوزدهم آمده است: «شفاف‌سازی اقتصادی و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فساد‌زا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و....» همین امر موید این نظر است که نظام اقتصادی نیازمند شفافیت داده‌های اقتصادی و فعال شدن حکمرانی داده از سوی دولت است. بالمآل با تاسیس سامانه املاک و مستغلات، سامانه صیاد و سامانه مودیان گام‌های مناسبی در جهت ایجاد این مولفه تعیین‌کننده برداشته شده و دولت‌های گذشته با ایجاد سامانه‌هایی مختلف به جمع داده‌ها پرداخته‌اند اما پایگاه جامعی شکل نگرفته است.

در بررسی پیشینه جمع‌آوری داده‌های اقتصادی و لزوم انتشار اطلاعات مالی باید به قرن پانزدهم میلادی و نوع تجارت جمهوری ونیز در جنوب ایتالیا بازگشت. این «دولت‌شهر» منشا بسیاری از تحولات حقوقی و اقتصادی بوده است، به‌گونه‌ای که تا زمان معاصر از دستاوردهای ونیزی‌ها استفاده می‌شود. برات، ترازنامه مالی و طبقه‌بندی حقوق اشخاص براساس مهارت صرفا بخشی از اقداماتی است که تاجران ونیزی در جهت بهبود کسب‌وکارهای اقتصادشان پیش گرفتند. در سال ۱۸۶۹ میلادی کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (SEC) با الزام شرکت‌های فعال در بورس نیویورک به انتشار ترازنامه و صورت‌های مالی در کتابخانه کنگره گامی جدید در خصوص شفاف‌سازی نظام اقتصادی برداشت. به‌گونه‌ای که درحال حاضر اطلاعات مالی و مدیریتی تمام شرکت‌های دولتی در سامانه‌ای مشخص وابسته به این کمیسیون منتشر می‌شود. البته داده‌های مالی محدود به شرکت‌های دولتی بوده و هیچ بنگاه خصوصی ملزم به ارائه گزارش‌های مالی نیست.

از ابتدای دهه ۹۰ میلادی و فروپاشی شوروی سابق با حجم عظیم دارایی‌ها و فناوری انحصاری شرکت‌های دولتی بلوک شرق، بار دیگر ضرورت شفاف‌سازی فعالیت مالی و مدیریتی این نوع شرکت از سوی نهادهای اقتصادی بین‌المللی مطرح شد. موسسه دانشگاهی اروپایی (وابسته به اتحادیه اروپا) با جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مالی ۵۲ هزار شرکت فعال در این منطقه اقدام به انتشار اطلاعات مالی می‌کند. هرچند با تمامی اقدامات صورت‌گرفته در موارد مطرح‌شده، جرائم سازمان‌یافته مالی متعددی ارتکاب می‌یابد و در بسیاری از کشورهای منطقه اروپا و آمریکا اقتصادهای زیرزمینی بزرگی فعالیت می‌کنند.

بالمآل در مطالعات بررسی چالش‌های توسعه پایدار در ایران اسلامی، فقدان بانک اطلاعاتی جامع درخصوص جمع‌آوری اطلاعات مالی شرکت‌های دولتی تعریف شده است. به بیان دیگر دولت اشراف اطلاعاتی دقیقی بر شرکت‌های خود نداشته و نمی‌تواند به‌درستی از ظرفیت این شرکت‌ها و بنگاه‌های تجارتی استفاده کند. در دو دهه اخیر نیز بحث ارائه اطلاعات مالی و شفافیت در عملکرد شرکت‌های دولتی از جدی‌ترین مباحث اقتصاد ایران بوده و در بسیاری از پژوهش‌های صورت‌گرفته در اندیشکده‌های دولتی ضرورت و نیازمندی به پایگاه داده‌های مالی طرح شده است. به‌گونه‌ای که با تاسیس سامانه کدال و ارائه اطلاعات مالی شرکت‌های فعال در بورس، گام مهمی درخصوص شفافیت نظام اقتصادی برداشته شد و تا حدودی فعالیت شرکت‌های بورسی در اتاق شیشه قرار داد. نکته دیگر در این خصوص، بعضی از این شرکت‌ها با زیان‌دهی و سوءمدیریت‌ها در روند سیاستگذاری و عملکرد دولت، اختلال ایجاد می‌کنند. به‌نحوی که با ایجاد چالش‌های اقتصادی و اجتماعی چالش‌های امنیتی بر پیکره اجرایی دولت‌ها وارد ساخته‌اند. دلیل اصلی در نوع و ماهیت مدیریت دولتی است که در بسیاری از موارد شائبه‌های جدی برای عملکرد اقتصادی و مدیریت منابع انسانی دولت‌ها ایجاد کرده است. این شرکت‌ها با استفاده از بودجه اختصاصی که از سوی دولت برای آنان فراهم می‌شود به فعالیت می‌پردازند و برای اردوکشی‌های سیاسی محل مناسبی هستند. بعد از هر رویداد سیاسی در جامعه محلی برای رفت‌وآمد طرفداران طرف پیروز در انتخابات بوده است. در دولت قبل سازمان‌های مناطق ویژه اقتصادی نمونه‌ای از مدیریت سیاسی و با کمترین کارآمدی اجرایی بود که سیاستگذاری دولت وقت را در این حوزه با انتقادهای بسیاری مواجه کرد. البته بسیاری از شرکت‌های دولتی با ارائه خدمات عمومی مانند گاز، برق و آب مشغول خدمت‌رسانی به شهروندان هستند و در بسیاری از خدمات عمومی به‌درستی نقش خود را ایفا کرده‌اند. در ادامه طرح مصادیق، روند خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی یکی از مواردی است که دولت از نبود بانک اطلاعات مالی و حکمرانی داده‌های اقتصادی دچار آسیب‌های جدی شده است. این روند که با زدوبندهای سیاسی و مالی مدیران وقت سازمان خصوصی‌سازی همراه بود، برخی بنگاه‌های تولیدی و صنعتی را با بحران واگذاری و مالکیت خصوصی درگیر کرد. پرونده‌های متعدد در نظام قضایی نشان این امر است که درصورت وجود یک پایگاه داده مالی جامع و حکمرانی داده از سوی نهاد دولت، بسیاری از وقوع این جرائم پیشگیری می‌شد.

به نظر می‌رسد که با توجه به نیاز سیاستگذاران در حکمرانی داده‌های مالی، شفافیت مولفه تعیین‌کننده‌ای در تحقق توسعه پایدار اقتصادی باشد. راهبرد ایجاد و توسعه شفافیت اقتصادی همواره از سوی سیاستگذاران حاکمیتی و اقتصادی مطرح شده و با توجه به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، از مهم‌ترین الزامات جنگ اقتصادی کنونی شفافیت اقتصادی است که درنتیجه از بسیاری از مفاسد مالی پیشگیری می‌کند. دولت سیزدهم با رویکردی جدید و جمع‌آوری داده‌های مالی اشخاص حقیقی و حقوقی گام عملیاتی مهمی درخصوص تشکیل بانک اطلاعات مالی و حاکمیت بر داده‌های اقتصادی برداشته و با ایجاد طرح‌های مبارزه با جرائم سازمان‌یافته مالی اهتمام ویژه‌ای به حکمرانی اطلاعات مالی نشان داده است. این مجموعه تصمیمات تحسین‌برانگیز (همچون شفاف‌سازی اطلاعات تسهیلات کلان بانکی، انتشار گسترده صورت‌های مالی بانک‌ها و شرکت‌های دولتی و شرکت‌های بخش عمومی و...) می‌توانند در کوتاه‌مدت موجب پیشگیری از جرائم اقتصادی در حوزه‌های پولی، ارزی و بانکی شوند و در طولانی‌مدت زمینه‌ساز تحقق چشم‌اندازهای توسعه پایدار در ایران اسلامی باشند.

کارشناسان اقتصادی می‌گویند تبعات منفی خروج سیمان و فولاد از بورس کالا از اثرات مثبت احتمالی آن خطرناک‌تر است

آدرس انحرافی خروج سیمان و فولاد از بورس کالا

محمدرضا معتمد
خبرنگار

طی چند روز گذشته ایده خروج مصالح ساختمانی نظیر سیمان و فولاد از بورس کالا توسط مدیران وزارت راه‌وشهرسازی مطرح شد و گرانی مصالح ساختمانی یکی از عوامل موثر در افزایش قیمت نهایی مسکن عنوان و قرار بر این شده که این طرح در جلسات شورای عالی مسکن مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار بگیرد. طرح این ایده اما درحالی اتفاق افتاده که به باور کارشناسان از توجه به چند نکته اساسی و تعیین‌کننده در این بین غفلت شده است؛ اول اینکه به‌واسطه بستر شفافی که بورس کالا برای نظارت نهاد نظارتی در معاملات فراهم کرده، خروج این کالاها از بورس در حکم دستور به کاهش رسمی شفافیت در معاملات بازار خواهد بود. از طرفی این ایده در غیاب یک ساختار و سازوکار دقیق جایگزین مطرح شده و به این معناست که قیمت‌گذاری این کالاها زین پس به سرنوشت شکست‌خورده ایجاد و تعمیق فاصله بین قیمت اولیه دستوری و قیمت ثانویه واقعی در بازار دامن خواهد زد و به گواه تجربه، گپ حاصل از این شیوه قیمت‌گذاری (دستوری) با چیزی جز رانت و فساد پر نخواهد شد. از سویی دیگر عجیب است که این طرح از بین تمام عوامل دخیل در فرآیند ساخت و عرضه مسکن، نظیر هزینه زمین، دستمزد، انواع و اقسام مجوزها و بیمه مالیات و پروانه‌های ساختمانی، دقیقا دست بر عاملی گذاشته که به‌واسطه سهم اندکش از قیمت نهایی و حتی قیمت ساخت، افزایش یا کاهش آن، عملا اثر قیمتی چندانی بر این چرخه نخواهد داشت. طبق محاسبات انجام‌شده سهم کلی مصالح ساختمانی از قیمت نهایی مسکن ۲۵ درصد است که به تفکیک سهم سیمان و فولاد، عددی بیش از چهار درصد حاصل نخواهد شد! این درحالی است که حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد قیمت نهایی مسکن به هزینه زمین اختصاص دارد و پرواضح است که باز کردن اصولی گره‌کور معضل گرانی و عرضه مسکن از مسیر تامین زمین می‌گذرد نه بیراهه‌هایی مانند خروج سیمان از بورس! کارشناسان اقتصاد مسکن می‌گویند با توجه به اینکه دولت در طرح خود (نهضت ملی مسکن) هزینه زمین را صفر در نظر می‌گیرد، حتی در آن پروژه نیز سهم سیمان و فولاد پس از خروج از بورس کالا نیز کاهش قابل‌توجهی نخواهد داشت و تبعات منفی این اقدام از آثار مثبتش بیشتر بوده و ریسک‌هایی همچون تشکیل بازار سیاه، کاهش تولید، شکل‌گیری رانت و درنهایت کمبود این اقلام در بازار را در پی خواهد داشت.

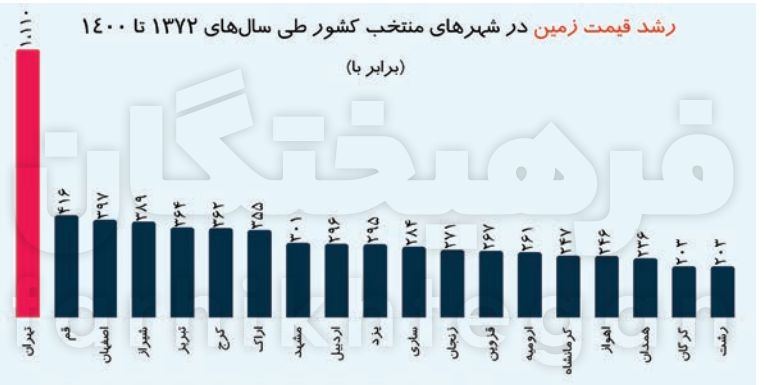

سهم واقعی فولاد و سیمان از هزینه ساخت مسکن

موافقان قیمت‌گذاری دستوری سیمان و فولاد یا به عبارتی دقیق‌تر مخالفان شفافیت در بازار سیمان و فولاد عقیده دارند افزایش قیمت این کالاها باعث افزایش سرسام‌آور قیمت مسکن شده است. تا جایی که قادری، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی مسکن را «گروگان قیمت‌سازی سیمان و فولاد در بورس» عنوان کرده است! اما محاسبات انجام‌شده روایت متفاوتی از ماجرا را ارائه می‌دهند؛ طبق بررسی‌های صورت‌گرفته سیمان سهمی بسیار ناچیز در هزینه‌های ساخت و عرضه مسکن دارد. ساخت هر متر مربع مسکن به حدود ۲۰۰ کیلوگرم سیمان نیاز دارد. بنابراین ساخت یک واحد مسکونی ۱۰۰ متری نیازمند ۴۰۰ کیسه سیمان ۵۰ کیلوگرمی است. با احتساب قیمت فعلی سیمان (یعنی هر کیسه ۶۰۰ هزارتومان) سهم سیمان در ساخت یک واحد ۱۰۰ متری در حدود ۲۴ میلیون تومان برآورد می‌شود.

براساس این محاسبات اگر میانگین قیمت مسکن در تهران را ۴۸ میلیون تومان (تا انتهای آذرماه ۱۴۰۱) در نظر بگیریم، قیمت نهایی یک واحد ۱۰۰ متری به ۴٫۸ میلیارد تومان می‌رسد، درحالی‌که سهم سیمان از کل هزینه ساخت ۲۴ میلیون تومان یعنی معادل نیم درصد از قیمت نهایی مسکن است. همچنین اگر قیمت سیمان را در هزینه تمام‌شده ساختمان در نظر بگیریم، سهم آن در یک واحد ۱۰۰ متری به ۳٫۴ درصد خواهد رسید. در این صورت حتی با خروج احتمالی سیمان از بورس کالا اگر هم قیمت سیمان کاهش یابد، سهم آن درنهایت به کمتر از سه درصد نخواهد رسید. این محاسبات نشان می‌دهد درصورت افزایش ۳۳ درصدی قیمت سیمان هزینه ساخت هر مترمربع تنها ۸۵ هزار تومان افزایش می‌یابد که درمقابل قیمت ۴۸ میلیون تومانی مسکن در تهران بسیار ناچیز است. اما وضعیت سهم فولاد نیز چندان متفاوت نیست؛ هر مترمربع یک واحد مسکونی به ۷۵ کیلوگرم فولاد نیاز دارد که با احتساب قیمت ۲۵ هزارتومانی برای هر کیلو فولاد، هزینه تمام‌شده برای یک واحد ۱۰۰ متری عددی حدود ۲۰۰ میلیون تومان خواهد بود. در مقابل، قیمت هر مترمربع مسکن در تهران تا انتهای آذرماه ۱۴۰۱ حدود ۴۸ میلیون تومان بوده که با این حساب، سهم فولاد از قیمت نهایی مسکن برای مثال در یک واحد ۱۰۰ متری کمتر از ۴٫۲ درصد خواهد بود. به عبارتی، سهم ۲۲۴ میلیون تومانی سیمان و فولاد از کل هزینه‌های تمام‌شده مسکن درحالی است که یک واحد ۱۰۰ متری تا انتهای آذرماه ۴٫۸ میلیارد تومان در تهران معامله شده و اگر آمار و ارقام معاملات مسکن در ماه‌های اخیر نیز منتشر شود، با تعدیل قیمت مسکن سهم فولاد و سیمان در بالاترین مقدار به بیش از ۴٫۳ درصد هم نخواهد رسید. فرهاد بیضایی، کارشناس حوزه مسکن در همین باره در گفت‌وگو با «فرهیختگان» توضیح می‌دهد: «نکته‌ای که وجود دارد این است که مساله عرضه یا عدم عرضه سیمان در بورس کالا چندان تغییری در هزینه ساخت مسکن ایجاد نمی‌کند. اگر دولت با نهایت تلاشش تا ۱۰ درصد از هزینه را هم کنترل کند تنها روی کمتر از نیم درصد قیمت ساخت می‌تواند تاثیر بگذارد. در کل هزینه فایده این مساله چندان بالا نیست. این درحالی است که براساس برآوردها در کلانشهرها و خصوصا شهر تهران قیمت زمین نقش اصلی را در تعیین قیمت نهایی مسکن ایفا می‌کند.»

قیمت زمین؛ تکه اصلی پازل مسکن

یکی از استدلال‌هایی که ایده خارج کردن سیمان و فولاد از بورس کالا را ایده انحرافی معرفی می‌کند، موضوع سهم هزینه‌هایی همچون زمین در قیمت تمام‌شده مسکن است. در این خصوص به گفته ابوالفضل نوروزی، سرپرست دفتر اقتصاد مسکن سهم زمین در قیمت تمام‌شده نهایی بسیار بالاست و حدودا به ۶۰ درصد رسیده است و در تهران حتی به ۷۰ درصد نیز می‌رسد، این درحالی است که این رقم در سایر کشورها عددی حدود ۳۰ درصد است. از طرفی داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که قیمت زمین طی ۳۰ سال اخیر در شهرهای بزرگ و کلانشهرها رشد شدیدی داشته است. به‌طوری‌که از سال ۱۳۷۲ تا زمستان ۱۴۰۰ زمین‌های پایتخت با رشد ۱۱۱۰ برابری در صدر و پس از آن زمین در شهرهای قم، اصفهان، شیراز، تبریز و کرج به ترتیب با رشد ۴۱۶، ۳۹۷، ۳۸۹، ۳۶۴ و ۳۶۲ برابری روبه‌رو شده‌اند. شهرهای اراک، مشهد، اردبیل و یزد نیز با رشد حدودا ۳۰۰ برابری قیمت زمین، در مرتبه‌های پایین‌تر قرار گرفته‌اند. این درحالی است که در همین مدت قیمت دلار در بازار آزاد ۱۶۰ برابر و سکه نیز ۶۹۰ برابر شده است. همچنین داده‌های هزینه و درآمد مرکز آمار ایران نشان می‌دهد شهرهایی که طی سه دهه اخیر بیشترین افزایش قیمت زمین را تجربه کرده‌اند، سهم مسکن از سبد هزینه‌های خانوار نیز بالاترین مقدار را داشته است، به‌طوری‌که درحالی در استان تهران نزدیک به ۵۱ درصد از هزینه خانوارها طی سال گذشته صرف مسکن شده که این میزان در استان بوشهر ۲۱ درصد، در چهارمحال‌وبختیاری ۲۲٫۴ درصد، در خراسان جنوبی و کهگیلویه‌وبویراحمد ۲۳ درصد، در خراسان شمالی و خوزستان ۲۴ درصد، در استان مرکزی ۲۵٫۳، در ایلام ۲۶٫۵ و در لرستان ۲۷ درصد بوده است. در کنار تهران، هزینه مسکن در البرز و فارس با سهم ۴۲ درصدی و گیلان نیز با سهم حدودا ۳۹ درصدی از هزینه‌های خانوار شهری، بیش از میانگین کل کشور خودنمایی می‌کند. قرار گرفتن این آمارها در کنار هم دو معنا دارد؛ اول اینکه رشد قیمت زمین به دلیل سهم بالایی که از هزینه نهایی مسکن دارد باعث گران شدن هرچه بیشتر مسکن شده، پس معضل مسکن اساسا از رشد قیمت زمین تغذیه می‌کند و دوم آنکه این افزایش قیمت‌ها مشخصا در کلانشهرها و شهرهای بزرگ اتفاق افتاده‌اند. همچنین آمارها گویای این گزاره‌اند که در چندسال اخیر عدم عرضه زمین در شهرها و به خصوص کلانشهرها علی‌رغم رشد جمعیت و افزایش تقاضا برای ساخت مسکن باعث انباشتگی نیاز و از طرفی دیگر، تورم بالای زمین شده است. همچنین توجه داشته باشیم قیمت واحدهای مسکونی کلنگی نیز خود را با قیمت زمین به‌روزرسانی می‌کند، این موضوع از این منظر مهم است که طی سال‌های اخیر سهم مسکن کلنگی از کل معاملات رشد عجیبی داشته و این اتفاق نیز در افزایش میانگین قیمت مناطق اثرگذار بوده است. بنابراین در وهله اول پیچیدن هر نسخه‌ای غیر از تامین و عرضه گسترده زمین -که از طریق بازکردن کمربند فرضی محدوده شهری امکان‌پذیر است- در خدمت ضایع‌کردن انرژی و هزینه و زمان است؛ چراکه راه‌حل اساسی ابرچالش مسکن جز در کاهش هزینه زمین با پایان دادن به انحصار دولت و عرضه گسترده در کلانشهرها نیست.

عدم شفافیت به بهانه ارزان‌سازی مسکن؟

اما در اینجا این استدلال ممکن است پیش بیاید که دولت در طرح نهضت ملی مسکن مساله زمین را حل کرده است؛ چراکه پایه طرح دولت «عرضه زمین به قیمت صفر» است. در اینجا پاسخ این است که طی دو سال اخیر که نهضت ملی مسکن شروع شده، مساله اصلی این طرح نیز تامین زمین و همچنین عدم همکاری بانک‌ها برای اعطای تسهیلات بوده و موضوع قیمت تمام‌شده واحدهای نهضت ملی مسکن اصلا به‌عنوان موضوع محوری مطرح نشده است. همچنین باید توجه داشت دولت همواره نمی‌تواند از طریق طرح‌هایی همچون نهضت ملی مسکن مردم را صاحب مسکن کند و پرواضح است بخش زیادی از ساخت مسکن در کشور در دوره‌های مختلف بر دوش خود مردم و انبوه‌سازان و... است. بنابراین عرضه زمین صفر نمی‌تواند طرح دائمی و همیشگی باشد. بر این اساس کارشناسان می‌گویند قبل از اینکه دولت تصمیم به این اقدام بگیرد، حسابی باید سود و زیان و تبعات احتمالی این تصمیم را بسنجد. در این خصوص رئیس سازمان بورس کشور می‌گوید: «قبل از ورود سیمان به بورس، ۷۰ درصد سیمان کشور توسط ۲۰ نفر دادوستد می‌شد!» اما امروز همه می‌توانند بدون انحصار سیمان بخرند. بنا به گفته تولیدکنندگان، وضعیت فعلی سیمان، فلزات و مشخصا فولاد نسبت به قبل از عرضه این محصولات در بورس کالا، ادعای رئیس سازمان بورس را تایید می‌کند و به وضوح نشان می‌دهد که شفافیت در روند معاملات و واقعی‌سازی قیمت‌ها باعث شده تا سود حاصل از تولید به دست تولیدکنندگان برسد و دست واسطه‌گران از این حلقه کوتاه شود. همین موضوع نشان می‌دهد که اصرار بر خروج مصالحی چون سیمان و فولاد از بورس به معنای مخالفت علنی با شفافیت و قابل رصد بودن معاملات در این بستر است. حمید فرمانی، رئیس هیات‌مدیره انجمن صنفی صنعت سیمان نیز در این رابطه در گفت‌وگو با ایسنا، ضمن تاکید بر اینکه در بورس کالا کنترل قیمت اتفاق می‌افتد، می‌گوید: «در شش ماهه نخست امسال که حداقل سه ماه آن مربوط به تابستان و با اعمال محدودیت‌های برق (و گاه قطعی کامل برق) همراه بوده است، به نسبت شش ماهه نخست سال گذشته و حتی نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۰، قیمت‌ها نه‌تنها افزایش پیدا نکرده که کاهشی هم شده است.» وی تصریح کرد: «این موضوع ماحصل حضور در بورس کالا و کنترل‌هایی است که وزارت صمت بر نحوه عرضه‌ها دارد؛ هرچند که ما مخالف این کنترل‌ها هستیم و آن را شکلی از قیمت‌گذاری دستوری می‌دانیم اما به هر حال در این پلتفرم، این امکان وجود دارد که دولت نظرات خود را اعمال کند. اینکه بخواهیم سیمان و فولاد را از بورس خارج کنیم، کنترل از دست وزارت صمت خارج خواهد شد و بیشتر به سمت دلالی‌ها و حتی افرادی که بخواهند عملکرد سویی در شرکت‌های سیمانی در بحث فروش و تحویل داشته باشند، می‌رود که اصلا خوب نیست.»

اصرار بر خروج کالاها از بورس مشکوک است

در همین باره حمیدیاری، کارشناس اقتصاد مسکن درخصوص طرح خروج سیمان و فولاد از بورس کالا در گفت‌وگو با «فرهیختگان» توضیح می‌دهد: «شرکت‌های سیمانی و فولادی، به دو شکل سهامدار دارند. یک بخش از این سهامداران، سازمان‌های بازنشستگی هستند که سهامداران عمده شرکت‌های پتروشیمی، فولادی و سیمانی در بازار هستند و اوضاع چندان مساعدی هم ندارند. دولت در اینجا با این طرح، برای کاهش قیمت هزینه تمام‌شده مسکن، به جای آنکه سراغ دادن سوبسیدهای خاص و استفاده از زمین‌های فراوان دولتی و حاکمیتی برود، به جیب سهامداران خرد و کلان دست می‌برد. در بورس کالا به علت فضای باز اقتصادی که وجود دارد، شرکتی نمی‌تواند کالایش را زیر نرخ تمام‌شده بفروشد و حق سهامدارش را ضایع کند. اتفاقی که در خودروسازی افتاده و به نقطه‌ای رسیده که عملا هیچ‌کس نمی‌تواند آن را حل کند. اگر این قصه برای فولاد و سیمان هم تکرار شود، نتیجه اتفاق متفاوتی نخواهد بود. بنابراین، این شیوه تفکر غلطی است که اگر قرار است کالایی با حمایت دولت تولید شود، شرکت‌های خصوصی موظفند که مواد و مصالح خود را به قیمت پایین‌تر به دولت بفروشند. این مسیر بعد از سه چهار سال ما را با بحران‌های صندوق‌های بازنشستگی مواجه خواهد کرد. سال‌های ۹۴ و ۹۵ وضعیت شرکت‌های سیمانی سهام درشت گره سختی داشت که حل شدنی نبود و ورود به بورس کالا کمی مساله را حل کرد. خروج دوباره این مصالح از بورس کالا قطعا موجب خواهد شد که ظرف ۳ الی ۴ سال آینده شاهد یک سری شرکت‌ها و صنایع بزرگ ورشکسته و زیان‌ده باشیم که زیان‌های انباشته دارند و عملا دیگر هیچ کاری برایشان نمی‌توان کرد.» وی با اشاره به این موضوع که دستکاری دولت در سیستم‌ها و تغییر و ترکیبات فقط باعث ایجاد رانت‌های خاص می‌شود، توضیح داد: «درواقع اتفاقی که با خروج این کالاها از بورس می‌افتد این است که درصد سود تقسیمی (یا همان DPS) که قرار بوده به سازمان‌های بازنشستگی و به سهامداران خرد و کلان داده شود، دیگر داده نمی‌شود و این اساسا به معنای ایجاد رانت است. سالیان سال کشور ما تلاش کرده که به نقطه شفافیت برسد. در حال حاضر یک نهاد نظارتی وجود دارد و نرخ‌های بورس کالا بررسی می‌شوند و اگر نهاد نظارتی در جایی حس کند که اشکالی وجود دارد، ورود پیدا می‌کند. اما با خروج کالاها از بورس و عدم شفافیت ایجاده شده، کار نهاد نظارتی را بسیار سخت خواهد کرد. نهاد نظارتی عملا باید یک سال تا گزارش شرکت صبر کند که در انتها متوجه شود در یک شرکت فولادی در طی یک سال چه می‌گذشته، اما در حال حاضر می‌توان روزانه قیمت‌ها را رصد کرد. همین فولاد چهار پنج ماه گذشته نرخ‌های سختی را زده بود اما در حال حاضر نرخ‌ها به‌گونه‌ای است که اکثر کالاها با نرخ پایه رقابت می‌کنند و شرایطش شفاف است و رضایت عمومی هم تقریبا حاصل شده است و البته بعد از چندسال فعالیت اشکالاتش هم مشخص شده است. به‌طور کلی در شرایط فعلی خروج فولاد و سیمان از بورس کالا به هیچ عنوان موجه و منطقی نیست و اصرار بیش از حد برای خروج این کالاها از بورس به طرز واضحی مشکوک است.

سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۶
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
سردبیر:
مسعود فروغی
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم